

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار شد

عنوان سند سیاسی مصوب کنگره:

برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال

به جای جمهوری اسلامی

سند خط مشی سیاسی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب نخستین کنگره فوق العاده سازمان

(۵ تا ۱۳ مهر ۱۳۸۲ - ۲۴ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳)

گزارش کنگره فوق العاده سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثریت)

پیام کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به همه جمهور یخواهان دمکرات ایران

توانمندی ما در اتحاد هاست!

همه تشکل ها و فعالان سیاسی

جمهور یخواه را به ابتکار مشترک در

برگزاری کنفرانس اتحادها فرا می خوانیم

پیام کنگره فوق العاده سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به همه آزادگان

در بند جمهوری اسلامی

پیام های دریافتی از احزاب و

سازمان های ایرانی و خارجی

در کنگره فوق العاده سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

استاد و پیام های مربوط به کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به همراه چند اظهار نظر در باره کنگره در صفحات ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲ بخوانید

اطلاعیه دبیرخانه شورای مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره برگزاری کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از روز دوم تا پنجم مهرماه جریان داشت، با موفقیت به کار خود پایان داد. کنگره ما، که در پانزدهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی و مقارن با روزهای خونین این جنایت عظیم و فراموش ناشدنی برگزار شد، کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام همه جان باختگان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ و تمام قربانیان سیاست های شکنجه، زندان و اعدام رژیم طی بیست و پنج سال حاکمیت آن، آغاز نمود.

کنگره فوق العاده سازمان که در شرایط حساس ویژه میهن مان تشکیل شد، توانست به آنچه که در دستور کار خود گذاشته بود رسیدگی کرده و در هر مورد تصمیم ضرور را اتخاذ کند. کنگره با تصویب سند خط مشی سیاسی سازمان برای دور آبی فعالیت آن، جهات و خطوط اصلی سیاست های سازمان را مشخص کرد و تلاش در راه تامین اتحاد وسیع جمهوری خواهان دمکرات در مبارزه سرنوشت ساز علیه جمهوری اسلامی و برای استقرار یک جمهوری دمکرات، سکولار و فدرال در ایران را یک وظیفه مرکزی سازمان ما اعلام داشت. کنگره متعاقباً تصمیم به صدور پیامی خطاب به همه جمهوری خواهان دمکرات میهن مان گرفت. پیامی که در آن عزم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه شکل گیری اتحاد وسیع جمهوری خواهان دمکرات بیان و انتظار خود از همراهی متقابل یاران مبارز را اعلام دارد.

کنگره فوق العاده سازمان، همچنین با تصویب پارهای مواد اساسنامه ای ناظر بر زندگی درون سازمانی ما، موفق شد که به نهادینه شدن بیشتر دمکراسی میان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و ارتقای سطح فعالیت بیرونی سازمان یاری برساند.

در این کنگره، حضور مستقیم و غیرمستقیم چندین حزب سیاسی چپ و دمکرات خارجی و به ویژه حضور موثر، صمیمی و گرم بخش نمایندگان پخش قابل توجهی از احزاب دمکرات، ملی و چپ کشورمان، مایه دلگرمی فراوان شرکت کنندگان کنگره شد و به فضای تفاهم در میان اپوزیسیون و نزدیکی بیشتر فی مابین کسک نمود.

کنگره فوق العاده سازمان، در روز پایانی کار خود با اعلام اعتصاب غذای یک روزه، همدردی خود با دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی کشورمان و انزجار عمیق خویش از زندانبانان سرکوبگر حاکم بر میهن مان را ابراز داشت و بدینوسیله بر همراهی خود با همه مبارزان داخل کشور که بخاطر اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زده و می زنند، تأکید نمود.

نمایندگان کنگره فوق العاده سازمان ما در خاتمه کار خود، ضمن تقدیر از زحمات یارانی که در دوره پیش از کنگره مسئولیت اداره سازمان را بر عهده داشتند، با انتخاب اعضای ارگان های مرکزی و موظف کردن این یاران به اجرای مفاد سند مصوب کنگره و انجام دیگر وظایف مقرر از سوی کنگره فوق العاده، بر تلاش چهار روزدهش نقطه پایان گذاشتند. آنگاه نمایندگان کنگره در فضای شادی و امیدی تازه، سرودخوانان و با اعلام همبستگی عمیق و مجدد با یکدیگر، محل کنگره را ترک نمودند.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۸۲ - اکتبر ۲۰۰۳



اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی

موجی از سرور و شادمانی

در میان ایرانیان برانگیخت

شادباش هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مردم ایران، به مناسبت دریافت اولین جایزه جهانی نوبل!

زنده باد زن ایرانی! زنده باد شیرین عبادی!

در صفحه ۲

افسانه نوروزی

نماد محکومیت زن

در جمهوری اسلامی

افسانه نوروزی ۲۲ ساله در سال ۱۳۷۶ در دفاع از خود در مقابله با تجاوز، متجاوز را با ضربات چاقو از پا در می آورد. افسانه به جرم قتل دستگیر و مدت ۶ سال است که در زندان به سر می برد و اعدام او را تهدید می کند، او در سال فقط یک بار اجازه ملاقات با دخترش را داشته است. مقتول ستوان یکم بهزاد مقدم اهل مشهد سمت نماینده ولی فقیه و رئیس حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جزیره کیش را بود. شوهر افسانه نوروزی مصطفی جهانگیری است که خود سه سال به اتهام مشارکت در قتل در زندان به سر برد. ادامه در صفحه ۳

سر مقاله

جهان و جمهوری اسلامی:

کدام تهدید، کدام فرصت، برای که؟

به نظر می رسد مناسبات جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا، پیوسته یک مسیر پر پیچ و خم را از سر می گذراند که گاه از مقاطع بحرانی تهدید به شدت عمل از سوی واشنگتن و گاه از مراحل آرامتری مانند تماس های آشکار و پنهان میان نمایندگان دو طرف عبور می کند. برای آنان که اساس تعیین تاکتیک و استراتژی خود در فعالیت سیاسی را این مناسبات قرار داده اند، هیچ چیز سخت تر از گزینش خط مشی در تنظیم های مناسبات دوجانبه تهران - واشنگتن نیست.

آنچه مسلم است، این است که در این مناسبات دوجانبه، فعلاً «کنش» از سوی آمریکا و «واکنش» از سوی جمهوری اسلامی صورت می گیرد. آنچه هر از چندی روابط را از مذاکره به رویارویی یا برعکس می کشاند، چرخش ها در سیاست روز دولت بوش در قبال ایران است. دیری است که همه نیروهای تعیین کننده در حکومت ایران به صراحت یا در لفافه گفته اند که مایل به مذاکره و کنار آمدن با ایالات متحده اند. این واشنگتن است که گاه به چنین سازشی روی خوش نشان می دهد و گاه بنا را بر افزایش فشار بر تهران می گذارد.

این نوسانات سیاست آمریکا را چگونه می توان توضیح داد؟

واقعیت این است که دولت جرج بوش، متکی بر یک ائتلاف است. از جمهور یخواهان معتدل مانند کالین پاول وزیر خارجه تا محافظه کاران افراطی مانند دونالد رامسفیلد وزیر دفاع در دستگاه حاکمه فعلی ایالات متحده حضور دارند. گروه نخست، می خواهند پس از جنگ عراق، اوضاع بین المللی و روابط خارجی آمریکا به حالت «عادی» باز گردد، واشنگتن بار دیگر به استفاده از نهادهای بین المللی مانند ملل متحد برای پیشبرد منافع خود روی آورد و متحدان اروپایی خود را باز یابد. اما برای محافظه کاران نوین، هنوز جمله «هیچ چیز پس از ۱۱ سپتامبر مانند پیش از آن نخواهد بود» معتبر است. برخی از آنان، هنوز از ترسیم دوباره نقشه ادامه در صفحه ۲

متهم اصلی بر مسند قاضی و دادستان

کافظمی تا مرگ او بر اثر شکنجگی جسمه، مسئولیت نگهداری و بازجویی از زندانی ادامه در صفحه ۳

ایرانی کانادایی در تهران برگزار شد. در حالی که سه نهاد نیروی انتظامی، قوه قضائیه و وزارت اطلاعات از هنگام دستگیری

هفته گذشته، نخستین جلسه محاکمه یک بازجوی وزارت اطلاعات به اتهام قتل «شبه عمد» زیبا کافظمی خبرنگار عکاس

جهان و جمهوری اسلامی:

کدام تهدید، کدام فرصت، برای که؟

ادامه از صفحه اول

سیاسی خاورمیانه دست نکشیده‌اند. در مورد ایران، دو سیاست مختلف در اقدامات و تصمیمات دولت یوش باز تاب می‌یابد: یکی تحت فشار قراردادن حکومت جمهوری اسلامی برای تغییر رفتار آن و دیگری دنبال کردن نقشه تغییر رژیم در ایران.

به دلایلی چند، احتمال دست بالاگرفتن سیاست نخست که متضمن پذیرفتن موجودیت جمهوری اسلامی است، لاف‌ل در یک سال آینده بیشتر است:

۱ - حدود یک سال بیشتر به انتخابات ریاست جمهوری و کنگره آمریکا نمانده است و بعید است حزب حاکم جمهور یخواه در این یک سال دست به ریسک‌های دارای عواقب غیرقابل پیش‌بینی مانند رویارویی نظامی (حتی محدود) با ایران بزند. تلاش حکام آمریکا در درجه اول متوجه خنثی کردن تبلیغات انتخاباتی دمکراتها در زمینه عراق خواهد بود نه گشودن جبهه‌های نو.

۲ - مهمترین هدف سیاست خارجی واشنگتن در ۱۲ ماه آتی، سر و سامان دادن به پروژه عراقی آمریکا خواهد بود. رای‌دهندگان آمریکایی تنها در شرایطی که در پانزیر سال ۲۰۰۴ مشاهده کنند که حکومت منقور صدام حسین، جای خود را به آرامش و ثبات نسبی در عراق تحت کنترل آمریکا داده است، تلفات نیروهای آمریکایی در این کشور را خواهند پذیرفت و به جای نگویش دولت بوش، به عراق به مثابه یکی از معدود نکات مثبت کارنامه چهار ساله بوش خواهند نگریست. بسیار غیرمحتمل است که بوش بتواند ظرف مدت باقی‌مانده، در عرصه‌ای که برای مردم آمریکا از هر عرصه دیگر مهمتر است یعنی ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال، نمره خوبی بگیرد. نمره بد در اقتصاد را شاید بتوان با نمره خوب در عراق جبران کرد. به نظر می‌رسد دولت بوش به این نتیجه رسیده است موفقیت پروژه عراقی‌اش بدون حد معینی از همکاری با ایران که متجاوز از هزار کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد امکان‌پذیر نیست. هر گونه همکاری با جمهوری اسلامی در این عرصه، حتی بسیار محدود، با پیشبرد طرح براندازی رژیم فقیها منافات دارد.

۳ - بسیار بعید است که آمریکا نتواند بدون رویارویی نظامی، رفتار جمهوری اسلامی را در زمینه‌هایی که برای آنها اهمیت قائل است، تغییر دهد. به احتمال زیاد، حکومت ایران تسلیم اتمام حجت شورای حکام آژانس بین‌المللی خواهد شد و بازرسی‌های گسترده از تاسیسات هسته‌ای خود را خواهد پذیرفت. تقریباً قطعی است که جمهوری اسلامی باید رویای دستیابی به سلاح اتمی را فعلاً رها کند. آنچه کماکان موضوع کشمکش است، ابعاد برخورداری حکومت فقیها از تکنولوژی هسته‌ای است. البته هنوز در دولت آمریکا این موضوع که اصولاً هرگونه فن‌آوری هسته‌ای در دست تهران را باید زاینبار ارزیابی کرد، نیرومند است، اما قابل پیش‌بینی است که واشنگتن توافقی را در حد اینکه تاسیسات اتمی ایران تحت نظارت دقیق بین‌المللی بماند و به جای غنی‌کردن اورانیوم در داخل ایران، با سوخت وارداتی از روسیه کار کند و بازمانده‌های رادیواکتیو را به این کشور پس دهد، تحمل نماید.

۴ - احتمال زیاد پنهان) با آمریکا، دست از حمایت فعال مادی از حماس و جهاد اسلامی بردارد و یک خواست دیگر واشنگتن را برآورده کند، کما اینکه در افغانستان حمایت نظامی ایران از گروه حکمت یار و سایر نیروهای ایجادکننده مزارعت برای آمریکایی‌ها عملاً قطع شده است.

۵ - واشنگتن در صورت دستیابی به اهداف فوق یعنی بازداشتن جمهوری اسلامی از ثبات‌زدایی در افغانستان، عراق و فلسطین و کنترل برنام‌ه هسته‌ای ایران، به احتمال قریب به یقین امر رعایت حقوق بشر در ایران را به سطح موضوعی درجه دوم تنزل خواهد داد. در این زمینه تفاوت چندانی میان آمریکا و سایر دولت‌های قدرتمند نیست. تقریباً همه این دولت‌ها حاضرند در ازای گرفتن امتیازاتی از جمهوری اسلامی، تا حدی دست حکومت ایران را برای تداوم سرکوب در داخل ایران باز بگذارند، خواه امتیازات اعطایی از سوی جمهوری اسلامی اقتصادی (تغییر شریک‌کردن شرکتهای غربی در کشف و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز ایران) باشد خواه سیاسی (مانند موارد برشمرده در بالا در مناسبات با آمریکا). البته انتقادها به وضعیت حقوق بشر در ایران در چارچوب نهادهای بین‌المللی قطع نخواهد شد و اصولاً دوران قدرقدرتی حکومت‌های خودکامه جهان سومی و فعال مابشاء بودن آنها در عرصه سرکوب و خفقان، دیگر برای همیشه سپری شده است.

مجموعه عوامل فوق، نوعی سازش اعلام‌شده یا نشده میان تهران و واشنگتن در دوره‌ای را که تا انتخابات نوامبر ۲۰۰۴ آمریکا باقی مانده است، به محتمل ترین چشم‌انداز تبدیل کرده است. وقتی از محتمل ترین چشم‌انداز سخن می‌گوییم، بدیهی است که برای این پیش‌بینی، قطعیت کامل قائل نیستیم. تحولات در روابط واشنگتن و تهران کماکان نه یک مسیر مستقیم، که گذر پر و پیچ و خمی خواهد داشت که امکان بروز بحرانهایی بعضاً حاد را نیز در بر دارد. اما به نظر می‌رسد دو طرف حتی به این پیچ و خم‌ها نیز به عنوان یک امر قابل پیش‌بینی می‌نگرند و آماده بروز آتند. به عنوان نمونه، دولت خاتمی در طول سالهای اخیر، روش خاصی را برای برخورد به این نوسانها ابداع کرده است. هرگاه فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی کاهش می‌یابد، دولت «اصلاح‌طلب» از این امر به عنوان یک دستاورد خود نام می‌برد. هر گاه عرصه بر تهران تنگ می‌شود (مانند چند هفته‌ای که موضوع برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشت) خاتمی و اطرافیش می‌کوشند تهدید خارجی را به توجیهی برای تن دادنشان به امیال و اراده محافظه کاران داخلی بدل کنند.

اصلاح‌طلبان حکومتی تنها نیرویی نیستند که می‌کوشند به سبکی که یاد شد، تهدید خارجی را به قول خودشان به «فرصت» تبدیل نمایند. برای محافظه کاران به همان دلیل که ذکر شد، این «تهدید»ها همواره «فرصت» بوده و هست. اصولاً عمود خیمه بارگاه ولایت، تهدید خارجی است. خامنه‌ای از این خسته نمی‌شود که در هر نطق خود به امشش یادآوری کند که «دشمن داریم». اگر این دشمن حذف شود، دیگر توجیهی برای دستگاه سرکوب عریض و طویلی که فقیها دارند باقی نمی‌ماند.

اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی

موجی از سرور و شادمانی

در میان ایرانیان برانگیخت

ادامه از صفحه اول

پس از آن که آقای جیم فیس از سوی کمیته نوبل اعلام کرد که جایزه صلح نوبل، به خانم شیرین عبادی اعطا شده است، موجی از شادی و سرور در میان ایرانیان برانگیخته و اشک‌های شوق بسیاری جاری شد. خبر بلافاصله در میان ایرانیان پخش شد و تلفن‌ها برای شادباش گفتن‌ها و ابراز سرور و شادمانی به کار افتاد. نشریه کار نیز با شادمانی بسیار دریافت جایزه صلح نوبل را به خانم شیرین عبادی، به همه مبارزین برابر حقوقی زن و مرد، به همه مدافعین حقوق کودکان، به همه تلاش‌گران آزادی و دموکراسی در کشور شادباش می‌گوید و آن را پیروزی بزرگی برای مبارزه سرگ زنان کشور در راه برابر حقوقی و دستاوردی ارجمند برای همه مردم کشورمان در تلاش برای آزادی و دموکراسی و در راه استقرار نظامی سکولار در کشور می‌شاند.

کمیته نوبل، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شیرین عبادی در راه دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کودکان در ایران را علت این انتخاب اعلام داشت. پاپ ژان پل دوم و واسلاو هاول رئیس جمهور سابق جمهوری چک از دیگر کاندیداهای دریافت جایزه صلح نوبل بودند. تلاش‌های شیرین عبادی برای ما ایرانیان شناخته شده است. او حقوق‌دانی برجسته، اولین قاضی زن ایرانی در رژیم گذشته، مدافع پیگیر حقوق زنان، بنیانگذار انجمن حمایت از حقوق کودک وکیل همکار خود ناصر زرافشان، وکیل خانواده قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، وکیل بسیاری زندانیان سیاسی، مولف کتاب‌ها و مقالات متعدد در مورد حقوق بشر و قوانین اسلامی است. خانم عبادی به خاطر تلاش‌های افشاگرانه‌اش علیه عوامل دستگاه ولایت، به دنبال توطئه

موسوم به پرونده نوارسازان به زندان و محدودیت شغلی محکوم شد. اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، پژواک وسیع و تائیدآمیزی در میان سران و شخصیت‌های سیاسی کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی یافت. سران بسیاری کشورهای اروپایی، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین‌المللی و... انتخاب شیرین عبادی را انتخابی شایسته دانستند. تیترا اول بخش خبری تمام رسانه‌های بین‌المللی به خبر اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی اختصاص داشت. در ایران اما اولین واکنش ۵ ساعت بعد از اعلام خبر، صورت گرفت و خسرگراری رسمی جمهوری اسلامی «ایرنا» تنها در تمام رسانه‌های بین‌المللی به خبر اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی اختصاص داشت. در ایران اما اولین واکنش ۵ ساعت بعد از اعلام خبر، صورت گرفت و خسرگراری رسمی جمهوری اسلامی «ایرنا» تنها در تمام رسانه‌های بین‌المللی به خبر اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی اختصاص داشت. در ایران اما اولین واکنش ۵ ساعت بعد از اعلام خبر، صورت گرفت و خسرگراری رسمی جمهوری اسلامی «ایرنا» تنها در تمام رسانه‌های بین‌المللی به خبر اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی اختصاص داشت.

سناریویی را به موازات مبارزه علیه استبداد مذهبی پیش برند. میان چنین برخوردی با «تهدید خارجی» و آن رویکرد که تهدید خارجی را مستمسک لاپوشانی کاستی‌های مشی سیاسی خود قرار می‌دهد، تفاوت کیفی وجود دارد. یک‌کاسه کردن نیروهای حامل این دو رویکرد کیفیتا متفاوت، ناعادلانه و نیز مخالف مصالح مبارزه دمکراتیک در کشور ماست.

اما آنجا که عمده کردن بیش از حد «تهدید خارجی»، حاملان گرایش دوم در عملا در کنار کسانی قرار می‌دهد که از شعار «استعمار خارجی بدتر از استبداد داخلی

است» پیروی می‌کنند، یادآوری نکات زیر ضروری است:

اولا جهان امروز، دیگر جهان دوران جنگ سرد نیست. امروز دیگر چشم‌اندازی در برابر کشوری جهان سومی که بخواهد استقلال را به مفهوم خارج‌شدن از نظام مناسبات بین‌المللی تفسیر کند وجود ندارد. کشور ما باید به الزامات جزئی از نظام مناسبات بین‌المللی بودن تن دهد، از نظارت نزدیک و دقیق بر فعالیت‌های هسته‌ای گرفته تا رعایت همه موازین و مقررات حقوق بشر. هر گونه مانع‌تراشی «استقلال‌طلبانه» در برابر این گونه نظارت‌های، خصلت واپسگرایانه دارد و به ضرر مردم ایران است. ایرانیان دمکرات باید به جای همصداشدن با حکومت جمهوری اسلامی در مقابله با این گونه نظارت‌ها، خواهان هر چه گسترده‌تر شدن این گونه «دخال» جامعه بین‌المللی در امور ایران شوند.

ثانیا باید به جای ضایعه روانشناسانه ناشی از پیشینه مداخله‌جویی آمریکا در ایران، تحلیل مشخص از شرایط مشخص را نشانند. علیرغم تلاش نیروهایی که با اهداف سیاسی داخلی، «تهدید خارجی» را محتملتر از آنچه هست می‌نمایند، ارزیابی مشخص از شرایط امروز و سیاست کنونی واشنگتن، حاکی از قریب‌الوقوع بودن اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران نیست. تا آنجا که به امکان «آلترناتیوسازی» از سوی آمریکا مربوط می‌شود نیز مقابله با چنین مداخله‌ای تنها از طریق تحرک بیشتر نیروهای دمکرات و جمهوریخواه و «آلترناتیوسازی» از سوی خود ما ممکن است نه از راه تکرار شبانه‌روزی مضرات «آلترناتیو آمریکایی».

ثالثا مخالفت ضروری با جنگ‌افروزی محافظه کاران نو در واشنگتن و همراهی و همبستگی با جنبش صلح جهانی، نباید ما را از توجه به بزرگترین و بالفعل‌ترین تهدید برای کشور ما باز دارد که عبارت است از سقوط ایران به ورطه فلاکت، انزوا، فقر و فروپاشی اجتماعی به عنوان نتیجه محتوم تداوم حکومت استبدادی مذهبی. یک ربع قرن است که معطل اصلی مردم ایران، حکومت دینی است و همه تحلیلیها و سیاستهایی که این بلا را در جایگاه آن به مثابه ریشه همه سیه‌روزی‌ها قرار ندانند، به خطر رفتند.

رابعاً آنچه بر عراق گذشت، در شرایط امروز بین‌المللی استنناست نه قاعده. جنگهای افغانستان و عراق، نتایج مستقیم یازده سیتامبر به عنوان یک واقعه کاملا استثنایی بود. دولت آمریکا اکنون در عرصه سیاست خارجی در مسیر بازگشت به شرایط عادی قبل از این جنگها قرار گرفته است. دولتمردان آمریکایی راه مذاکره و همکاری با سران کشورهایی را می‌جویند که شش ماه پیش آنها را تهدید به عواقب سخت می‌کردند (به ویژه آلمان و فرانسه). در چنین شرایطی تکرار

شادباش هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مردم ایران، به مناسبت دریافت اولین جایزه جهانی نوبل!
زنده باد زن ایرانی
زنده باد شیرین عبادی

هسوطنان!

در نخستین ساعات امروز جمعه ۱۸ مهرماه برابر با ۱۱ اکتبر ۲۰۰۳، روز جهانی مخالفت با اعدام، کمیته صلح نوبل جایزه جهانی صلح را به شیرین عبادی وکیل دادگستری، کوشنده پی‌گیر حقوق بشر، مبارز سرسخت حقوق زنان و مدافع خستگی‌ناپذیر حقوق کودکان، اعطا کرد. شیرین عبادی حقوق‌دان، نویسنده، و استاد دانشگاه که نامزدهای سرشناسی چون پاپ، ژان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان، اسلاو هاول رئیس جمهور سابق و سیاستمدار برجسته چک، و بسیاری کاندیداهای معتبر را پشت سرگذاشت؛ اولین شخصیت ایرانی و یازدهمین زن در تاریخ جهان است که در طول بیش از یک قرن که از ایجاد سازمان نوبل می‌گذرد به این مقام دست یافته است.

کارنامه مبارزات اجتماعی او که همواره تحت فشار استبداد سیاسی حاکم بر ایران با مخاطرات جدی مواجه بوده است، نشان می‌دهد که او نه یک حقوق‌دان به تعبیر عرف، که وکیل بی‌پناه‌ترین و آسیب‌دیده‌ترین قربانیان جنایات سیاسی اجتماعی در مبین ما بوده است. آنچه او می‌کند نه وکالت که مبارزه برای احقاق حقوق انسان در زنجیر ایرانی است. او وکیل قربانیان پرونده‌های جنایتی بود که همگان به روشنی می‌دانستند که ورود به آن ورود به خوفناک‌ترین عرصه جولان خشونت پرستان است.

او وکیل مدافع قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای بود و هست. او وکیل پرونده عزت ابراهیم‌نژاد قربانی خشونت استبدادگران حاکم بر ایران در جریان حوادث دانشجویی سال ۱۳۷۸ است. در راه این مبارزات پرخاطر، زندان، محاکمه و از دست دادن شغل و موقعیت اقتصادی هرگز نتوانست ذره‌ای تزلزل در او ایجاد کند و برآستی همچنان که ریاست کمیته صلح نوبل هنگام معرفی او در سخنان خود آورد، هرگز هیچ تهدیدی به جان و زندگانی خود را به چیزی نگرفت.

سازمان ما بر آن است که موفقیت شیرین عبادی پژواک فریاد بلند صلح و آزادی در ایران، پیروزی انسان ایرانی و برتر و فرخنده‌تر از همه، پیروزی زن دلاور ایرانی است که طی ۲۵ سال حاکمیت استبداد زن‌ستیز اسلامی در هیچ عرصه‌ای از مبارزات عقب نشسته است. زنی که با حضور خاموش در گورستان‌های مبارزان دو نظام؛ زنی که با حضور حماسی‌اش در زندان‌های نظام شاهی و اسلامی؛ و زنی که حضور بی‌وقفاش در عرصه دانش حاکمان زن‌ستیز دانش‌گرایز را چنان در مانده ساخته که برای اولین بار در جهان به پرداخت کمندی حقیر سهمیه منفی برای ورود زنان به دانشگاه‌ها واداشته است. شیرین عبادی مروریاد این اقیانوس بیکران مبارزه است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این پیروزی تاریخی را به شیرین عبادی و همه یاران و بستگان او، به زنان و جامعه ایران، و به خانواده بزرگ حقوق بشر شادباش گفته، پیروزی و پایداری او را در نبرد عظیمش برای صلح و آزادی خواستار است.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۸ مهرماه ۱۳۸۲ - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۳

سناریوی عراق در ایران، یعنی دخالت نظامی یکجانبه‌گرایانه آمریکا در ایران، بسیار غیرمحتمل است.

توجه به این واقعیات، به ما امکان می‌دهد «تهدید خارجی» را همان گونه که هست ارزیابی کنیم و اجازه ندهیم این سناریو به عامل فلج‌کننده‌ای در تنظیم سیاست ما تبدیل شود. هر «تهدید خارجی» علیه جمهوری اسلامی، تهدیدی علیه مردم ایران نیست و حتی شاید «فرصت» هم باشد. به عنوان نمونه، افکار عمومی ایران هرگز بدین بحث نپرداخته است که آیا اساساً کشور ما به انرژی هسته‌ای نیاز دارد یا نه؟ آیا با سطح کنونی کنترل کیفیت و ایمنی صنعتی در ایران، باید ریسک یک نیروگاه هسته‌ای را به مردم ایران تحمیل کرد؟ آیا کشور ما باید تکنولوژی هسته‌ای روسیه را به بهای صدها میلیون و بلکه میلیاردها دلار خریداری کند؟ آیا این تکنولوژی در چرتوبیل آزمون خوبی از سر گذرانده است؟ برخی هم‌میپنان ما به جای هم‌نوایی «استقلال طلبانه» با حکومت جمهوری اسلامی، بهتر است فشارهای بین‌المللی بر رژیم فقیها برای جلوگیری از دستیابی این رژیم به سلاح هسته‌ای را قریب‌تر برای پرداختن به این مباحث تلقی کنند.

متهم اصلی بر مسند قاضی و دادستان

ادامه از صفحه اول

را بر عهده داشته‌اند، تنها یک مامور وزارت اطلاعات محاکمه می‌شود، آن هم پس از گسترش اعتراضات بین‌المللی و غیبت چندین هفته‌ای سفیر کانادا در تهران به نشانه اعتراض به کشتن خانم کاظمی در زندان اوین. سعید مرتضوی دادستان تهران که مسئول اصلی بازداشت و بازجویی از زینب کاظمی بود، در همان تیرماه نهایت تلاش خود را به کار برد تا علت مرگ خبرنگار، سگته مغزی اعلام شود. مرتضوی حتی یک صدیکرکل وزارت ارشاد را احضار و به او تکلیف کرد که وزارت ارشاد نیز داستان دروغ سگته مغزی زندانی را بپراکند. تنها پس از اقدامات گسترده بین‌المللی و اعتراضات در داخل کشور بود که خاتمی رئیس‌جمهور، ناگزیر از صدور دستور رسیدگی به قتل زینب کاظمی گردید و حکومت به چیزی که همه می‌دانستند، اعتراف کرد: زینب کاظمی بر اثر اصابت جسم سخت به سرش کشته شده است.

وزیم جمهوری اسلامی که اعتراف به چگونگی مرگ کاظمی را تنها زیر فشار سنگین افکار عمومی ایران، کانادا و جهان پذیرفت، پس از آن، همه تلاش خود را به کار برده است تا فاش شدن راز مرگ کاظمی در همین حد متوقف شود. علیرغم خواست صریح استان کاظمی تنها فرزند زینب کاظمی، جنازه خبرنگار را با شتاب بسیار دور از تهران در فارس دفن کردند تا مجال کالبدشکافی زیر نظارت رئیس‌جمهور نباشد. محمود هاشمی «صلاح نیست» قوه قضائیه مورد اتهام قرار گیرد و به دولت اصلاح طلب پیغام داد حال که حکومت مجبور است محاکمات ترتیب دهد، چه قدرتی می‌کند کدام یک از نهادهای سه گانه نیروی انتظامی، دادسرای تهران و وزارت اطلاعات مورد اتهام قرار گیرد. در نتیجه، قوه قضائیه از میان این سه نهاد، وزارت اطلاعات را برگزید که تحت مسئولیت دولت خاتمی است. با یک تیر، دو نشان می‌زند: هم با محاکمه فردی که مسئول اصلی وارد آوردن ضربه مرگبار به سر کاظمی نیست، حقایق پرونده را پشت پرده نگه می‌دارند و هم سنجش دیگری به دولت «اصلاح طلب» می‌زنند.

این سناریو، آن قدر رسواست که اعتراض وزارت اطلاعات و شخص خاتمی را برانگیخته است. اما نه وزارت اطلاعات و نه خاتمی حاضر نیستند آنچه را در باره مرگ کاظمی می‌دانند، به اطلاع افکار عمومی برسانند. به احتمال زیاد، قوه قضائیه که خود قاعدتا باید بر کرسی متهم بنشیند، به عنوان دادستان و قاضی به وزارت اطلاعات قبول داده است مجازات سنگینی برای متهم در نظر گرفته نشود (در متن کيفرخواست تقاضای سه سال زندان گنجانده شده است)، و در مقابل، دولت خاتمی پذیرفته است که اعتراض خود را به سطح ملایم کنونی و خالی نماندن عریضه محدود کند. اگر چنین نبود، وزارت اطلاعات می‌باید تاکنون به وعده‌ای که چند هفته پیش داده بود عمل می‌کرد و به مردم می‌گفت چه کسانی کاظمی را به قتل رسانده‌اند.

کيفرخواست داستانی تهران، از «جسود نداشتن اراده سازمان یافته» برای کشتن زینب کاظمی سخن می‌گوید. در نتیجه، ظاهراً در درون حکومت جمهوری اسلامی علیرغم وجود اختلاف بر سر این که کدام نهاد باید مسئول مرگ کاظمی اعلام شود، این توافق حاصل شده است

ادامه از صفحه اول

که اعلام شود مرگ خبرنگار، یک «سأنجه» است که به قول لاریجانی معاون «امور بین‌الملل» قوه قضائیه «ممکن است در هر زندان دنیا اتفاق بیافتد». در نتیجه، قتل کاظمی حتی در حد قتل‌های زنجیره‌ای پانزده ۱۳۷۷ عراقی برای قاتلان نخواهد داشت. قتل‌های زنجیره‌ای را به گردن «خودسران» انداختند، اما در مورد کاظمی حتی حاضر نیستند از قتل عمد سخن بگویند. وجه حقوقی پرونده قتل زینب کاظمی آن قدر رسواست که حتی حضور سفیر کانادا و خبرنگاران رسانه‌های مجاز در دادگاه نیز نخواهد توانست نزد افکار عمومی جهان و ایران ذره‌ای اعتماد نسبت به رعایت عدالت در رسیدگی به پرونده ایجاد کند. اما همین از وجه حقوقی، جنبه سیاسی قتل خبرنگار است. طبق همه معیارهای پذیرفته شده در جهان، مسئولیت اصلی کشته شدن یک زندانی سیاسی زیر پرده قتل‌های سر عهده عالی‌ترین مقامات قضایی، انتظامی و امنیتی کشور است. مرگ زینب کاظمی نه یک سانحه و استقا، بلکه نتیجه مستقیم و منطقی رفتار است که این نهادها سرکوبگر با مخالفان و منتقدان «غیرخودی» دارند. بخت بد کاظمی آن بود که وابسته به هیچ یک از جناح‌های رژیم نبود و «غیر خودی» محسوب می‌شد. هم در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی، هم در اتاقهای بازجویی دادسراها و هم در خانه‌های امن وزارت اطلاعات و نهادهای اطلاعاتی موازی با آن، «غیرخودی»ها از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محرومند. در طول نزدیک به ربع قرن حیات نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، در این بی‌پناهی تغییر قابل توجهی روی نداده است. «اصلاحات» ۷۶ بدین سو نیز نه سرنوشت این زندانیان، که حداکثر تنها نحوه رفتار با زندانیان «خودی» را تغییر داده است. برای «غیرخودی»ها کسان کسی «روز سیاسی» نمی‌گیرد. تازه زینب کاظمی این ویژگی را دارا بود که علاوه بر داشتن تابعیت ایرانی، شهروند کانادا نیز بود و دولت اتاوا علیرغم روابط حسنه با تهران، زیر فشار افکار عمومی ناگزیر از پیگیری پرونده او شد. اکثریت قریب به اتفاق بندهای «غیرخودی» زندان‌های جمهوری اسلامی آن قدر بی‌پناهند که جهان نیز توجه چندانی به سرنوشت آنان نمی‌کند. بازجوها و شکنجه‌گرها در اسارتگاه‌ها هر بسلاهی بخواهند بر سر دستگیرشدگان می‌آورند. این بی‌پناهی، اساساً بزرگترین «سرمایه» نهادهای سرکوبگر است. کارایی این نهادها در اجرای وظیفه خود، نسبت مستقیم با میزان وحشیانه دارد که شهروندان از «مسئمان این آقایان» شدن دارند. در این مورد، هیچ تفاوتی میان وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، قوه قضائیه و سایر نهادهای ریز و درشت سرکوبگر نیست. همه این نهادها می‌خواهند مخوف بمانند. برای آنکه مخوف بمانند، باید از همان بدو دستگیری، زندانی سیاسی را به طور سیستماتیک مورد توهین، فحاشی، آزار جسمی و کتک قرار دهند. این امر، قاعده است و به استثناء. وقتی چنین رفتار استاری با «غیرخودی»ها قاعده باشد، مرگ برخی از زندانیان زیر شکنجه نیز قاعده است. مجال است بالاترین مقامات حکومت از این قاعده بی‌خبر باشند. از این رو، ادعای نبودن اراده سازمان‌یافته برای قتل زینب کاظمی، یل‌وای بیش

پیش‌زمینه‌ها

افسانه همراه با همسرش مهندس مصطفی جهانگیری و دخترش در سال ۱۳۷۶ به خاطر شغل همسرش از شهید به جزیره کیش منتقل شده و در آنجا زندگی می‌کردند و با ستوان مقدم ارتباط نزدیک خانوادگی داشتند. آقای جهانگیری فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه پلی تکنیک است و وقوع این ماجرا برای احراز پست معاونت استانداری خراسان پیشنهاد می‌شود که مورد موافقت قرار نمی‌گیرد. پس از آن به دعوت مقتول جهت انجام پروژه شهرسازی همسر او خانواد خود به جزیره کیش سفر کرده و در آنجا مستقر می‌شود. در زمان وقوع قتل آقای جهانگیری که بدلیل شغلی ناچار به سفر گردیده بود، افسانه را در خانه میزبان آقای مقدم می‌گذارد، و پس از بازگشت از خود در مقابل تلاش به تجاوز آقای مقدم او را با ضربات چاقو از پای در آورده است.

مراحل ورودن طغیانه

در دادگاه بدوی، پس از بررسی ادله و شواهد و نیست، بازجویی‌ها، آقای محسن حبیبی سرپرست هیئت کارشناسی جنایی اعلام می‌کند که قصد تجاوز جنسی ستوان مقدم به افسانه نوروزی و دفاع افسانه نوروزی از خود را تایید کرده و قاضی پرونده ایرج خزایی با توجه به این ادله حکم برائت افسانه نوروزی را صادر کرده. قوه قضائیه پس از گذشت شش ماه نظر کارشناس جنایی محسن حبیبی را رد کرده و سرخنگ ظهیری را مامور تحقیق پرونده می‌کند، او نیز نظر کارشناس قبلی

قتلهای زنجیره‌ای کرمان

پس از گذشت ۱۱ ماه از کشف قتل‌های زنجیره‌ای ۵ جوان در کرمان توسط ۶ تن از وابستگان پایگاه بسیج مولا علی در کرمان، آخرین جلسه دادگاه رسیدگی مجدد به این پرونده در تاریخ پنج شنبه ۱۹ اکتبر برگزار گردید. با توجه به وابستگی قاتلان به پایگاه بسیج و خانواده شهیدا دادگاه مرحله اول بصورت غیر علنی برگزار گردید و در این دادگاه متهمان به اتهام قتل و تجاوز به عنف به اعدام محکوم شدند متهمان ادعا داشتند که سر هزاران می‌زند (همانگونه که در خرداد و تیر امسال روی داد) بر اساس قواعد آمار و احتمالات، تقریباً حتمی است. سران جمهوری اسلامی به خوبی این را می‌دانند و بسبب تیرین مسئولیتی که همه آنها بر عهده دارند، این است که کوچکترین گامی برای تغییر این وضع بر نمی‌دارند.

از این رو، هیچ یک از سران جمهوری اسلامی نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت مرگ زینب کاظمی شانه خالی کنند. به درجات مختلف، همه آنها مسئولند: از خامنه‌ای که گفته می‌شود حامی مستقیم سعید مرتضوی مسئول اصلی قتل کاظمی است گرفته تا خاتمی که طبق قانون اساسی خود حکومت، مسئول اجرای این قانون است حتی زیر شکنجه کشته شدن یک زندانی نیز باعث نشده است تا به یاد مسئولیت خود بیفتد و نیز به یاد آورد که گفته بود بدون تصویب لایحه تبیین اختیاراتش قادر به ادامه کار نخواهد بود. نتیجه محاکمه مامور وزارت اطلاعات هر چه باشد، پرونده زینب کاظمی متوجه خواهد ماند و احتمال زیاد، تعیین تکلیف نسهایی آن به دوران پس از جمهوری اسلامی موکول خواهد شد، چرا که رسیدگی واقعا عادلانه به این پرونده در عرصه سیاسی نمی‌تواند به نتیجه‌ای جز بیسکریسی بالاترین مقامات جمهوری اسلامی بیانجامد.

کابوس یک بار دیدنش در سال برایم کافی است من بعد از یک سال به سختی توانستم دوباره او را بشناسم.» هنگامه شهیدی عضو مدافع حقوق زنان در کمیسیون حقوق بشر اسلامی در طی نامه سرگشاده‌ای به آقای خامنه‌ای با اشاره به اصل ۶۱ قانون مجازات اسلامی و حق دفاع افسانه از خود بر مبنای این قانون به این پیامد اشاره می‌کند که اگر باز هم بانوان کشور در موقعیتی چنین قرار گیرند در میان تنگ قاتل بودن و زنا کدام یکی را برگزینند. او درخواست احاله پرونده به یک قاضی با تجربه در جهت حفظ شرافت انسانی و عفاف و پاکدامنی زن مسلمان شد.

در تاریخ ۱۴ مهر ماه ۳ نفر از نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی جسیده کدیور، اعظم ناصری پور و طاهره رضازاده قطاب به شاهرودی خواهان رسیدگی مجدد به این پرونده شدند. در نامه این نمایندگان بر دفاع مشروع از حیثیت انسانی و شرف دینی تاکید شده است. در تاریخ ۱۵ مهر ماه وکیل خاتم نوروزی برای دادن اطلاعات بیشتر در رابطه با پرونده به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی دعوت شد، این رئیس قوه قضائیه است که می‌تواند یا خصما یا به توصیه ولی فقیه پرونده را به شعبه دیگری ارجاع دهد.

عکس‌العملها و تلافی‌ها

صورت گرفته در داخل کشور: دختر پانزده ساله افسانه نوروزی در طی نامه‌ای خطاب به شاهرودی درخواست توقف اجرای حکم مادرش را کرد و او در این نامه به یک بار ملاقات در سال خود اشاره کرده و نوشته است که زمانی که مادرم را در پشت میله‌های زندان می‌بینم

حکم قصاص است که در این مورد نامه‌ای در سطح سایتهای زنان در اینترنت بدون امضای مشخص چاپ شد که خطاب به مادر و همسر مقتول نوشته شده و با لحنی التماس‌گونه برای افسانه درخواست بخشش شده بود.

جسمی از زنان عضو تشکلهای غیر دولتی اصفهان در طی نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای همدردی با خانواده مقتول (ستوان مقدم) و در اعتراض به اجرای حکم قصاص (اعدام) افسانه نوروزی با استناد به ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی و نقض نگاه قانون به زنان و تاثیر منفی اجرای این حکم اعدام بر هم پاشیدن شالوده نهاد خانواده و از بین رفتن اعتماد فرزندان این خانواده نسبت به قانون و عدالت، خواهان لغو حکم اعدام و نگاه به جرم افسانه به عنوان یک جرم کثیری شدند.

در میان نوشته‌ها و مقالات انتشار یافته با توجه به وابستگیهای جناحی دو طرف دعوا این سوال مطرح شده که آیا افسانه قربانی زن‌ستیزی و جنگ جناحی قدرت است در میان تنگ قاتل بودن و زنا کدام یکی را برگزینند که دیگری مجازاتش سنگسار است.

عکس‌العملها و تلافی‌ها

صورت گرفته در سطح بین‌المللی: در تاریخ ۲۸ سپتامبر سازمان عفو بین‌المللی طی نامه‌ای خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای به حکم اعدام افسانه

نوروزی اعتراض کرد، لازم به یاد آورید که این سازمان تمام نامه‌ها را خطاب به ولی فقیه می‌نویسد چرا که معتقدند این نیروست که قدرت اجرایی و تصمیم‌گیری را دارد و نه دولت. توسط نیروهای آزادیخواه نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل نوشته شد که تعداد امضاهای آن تا تاریخ ۱۴ مهر ماه به بیش از ۱۵۰۰ نفر رسید. حزب لیبرال سوئد خواهان لغو حکم افسانه نوروزی شد. موضوع اعدام افسانه در پارلمان ایتالیا مطرح و پارلمان ایتالیا نیز در قبال اجرای این حکم اعدام هشدار داد. با اجرای حکم اعدام افسانه در میان زنان این مطرح خواهد شد که در صورتیکه مورد تجاوز قرار گیرد، کدام را با برگزینند. از خود دفاع کنند و مجازات اعدام را به جان بخرند و یا به تجاوز تن داده و بعد سنگسار شوند.

یکی از عوامل انعکاس پرونده افسانه نوروزی در این مرحله زمانی و با این وسعت، وابستگی به قدرت طرفین دعوا بوده است. از سوی دیگر حضور فعال نسروهایبی در میان اپوزیسیون سیاسی ایران و فعالین حقوق بشر که بدون توجه به این وابستگیها و برای نجات جان افراد و رعایت حقوق بشر همواره آماده‌اند و تلاش و تجربه آنها در انعکاس موارد نقض حقوق بشر عاملی مهم در انعکاس خبر اعدام افسانه داشت که جمهوری اسلامی را راد گریزی از آن نیست.

آقای احمدی معتقد است که این هیئت به خاطر ترکیبی که دارد و ترکیبی از یک جمعیت ۷۰ - ۸۰ نفره از قضات عالی‌رتبه کشور با سوابق درخشان و خوب است، قطعاً رد حکم را نمی‌پذیرند. «آنها نمی‌پذیرند که ۵ نفر آدم بی‌گناه را در بدترین جلسه این دادگاه چنین می‌گویند: «دفاع ما بر این منوال بوده است که این افراد صلاحیت تشخیص این را ندارند که بگویند کسی مهورالدم است، اینجا خودشان افسرد غیر موسطی بوده‌اند خصوصاً که برابری محتویات پرونده اعمال و افعالی را انجام داده بودند که این اعمال و افعال باعث می‌شد، که خودشان هم طرف اتهام باشند و بعضی‌هایشان علاوه بر مسئله قتل و آدم‌ربایی مسئله سرقت مسئله جنسی هم تفهیم اتهام شد، این افراد حق کشتن اینها را نداشته‌اند مگر اینکه یک مرجع قضایی دستور بدهد و یک مورد استثنا هم یک ماده قانونی داریم در مجازات اسلامی که اگر یک فردی که در شهر کرمان ایجاد کرده است بگونه‌ای که نعمت احمدی در این خصوص و در رابطه با اینده این پرونده می‌گوید: «من مطمئن هستم که بالاخره این قضیه با توجه به اوضاع نابسامانی که در کرمان بوجود آورده است و جو عدم امنیتی که حاصل شده و با تأسف باید بگویم که بعد از نقض حکم توسط دیوان عالی کشور درست یکسوی دو روز بعد از آن قتل دیگری مشابه همین قتلها اتفاق افتاد قطعاً هم خون این افراد و هم قسدات قسانون و هم نحوه رسیدگی باعث خواهد شد که ما از این دادگاه سر بلند بیرون بیاییم و دامن کرمان و کرمانیان از این آلودگیها پاک شود.»

نعمت احمدی وکلای متهمین هستند. نعمت احمدی در رابطه با موضع دفاع خود در آخرین جلسه این دادگاه چنین می‌گوید: «دفاع ما بر این منوال بوده است که این افراد صلاحیت تشخیص این را ندارند که بگویند کسی مهورالدم است، اینجا خودشان افسرد غیر موسطی بوده‌اند خصوصاً که برابری محتویات پرونده اعمال و افعالی را انجام داده بودند که این اعمال و افعال باعث می‌شد، که خودشان هم طرف اتهام باشند و بعضی‌هایشان علاوه بر مسئله قتل و آدم‌ربایی مسئله سرقت مسئله جنسی هم تفهیم اتهام شد، این افراد حق کشتن اینها را نداشته‌اند مگر اینکه یک مرجع قضایی دستور بدهد و یک مورد استثنا هم یک ماده قانونی داریم در مجازات اسلامی که اگر یک فردی که در شهر کرمان ایجاد کرده است بگونه‌ای که نعمت احمدی در این خصوص و در رابطه با اینده این پرونده می‌گوید: «من مطمئن هستم که بالاخره این قضیه با توجه به اوضاع نابسامانی که در کرمان بوجود آورده است و جو عدم امنیتی که حاصل شده و با تأسف باید بگویم که بعد از نقض حکم توسط دیوان عالی کشور درست یکسوی دو روز بعد از آن قتل دیگری مشابه همین قتلها اتفاق افتاد قطعاً هم خون این افراد و هم قسدات قسانون و هم نحوه رسیدگی باعث خواهد شد که ما از این دادگاه سر بلند بیرون بیاییم و دامن کرمان و کرمانیان از این آلودگیها پاک شود.»

نعمت احمدی وکلای متهمین هستند. تهران و جعفری یزدی وکیل دیگر این پرونده از کرمان هستند. هوشنگ شام بیاتی و عارفی از

گزارشی از کار کودکان

از روزنامه شرق

پیتزای بزرگ می‌خرم، پیتزایی که مال خودم باشد. آخر شب‌ها، کارگرهای پیتزافروشی، پیتزاهای مانده و کهنه را به من می‌دهند فکر می‌کنند خیلی پیتزا دلم می‌خواهد. بعضی‌هاش هم دندان خورده است. ولی یک روز برای خودم پیتزا می‌خرم. یک روز که پولم زیاد بود. پیتزایی که مال خودم باشد...

«ستاره» هر روز حمام می‌رود. وسط حیاط خانه. یک شیر آب از زمین قد کشیده است و از قد ستاره بلندتر است. ستاره هر روز می‌رود زیر شیر آب می‌ایستد و به گفته مادرش مثل کلاغ بلاسیده خیس می‌شود. ستاره نایلون و پلاستیک را از زباله‌ها می‌جورد و در یک گونی بزرگ می‌ریزد تا گونی بشود به اندازه خودش. بعد گونی را به گوش می‌گیرد و تا خانه می‌آورد. پدر و برادرهایش هم نایلون و پلاستیک جمع می‌کنند. با گونی ستاره یکی می‌کنند و می‌برند برای فروش. زباله‌ها بوی گند می‌دهند. بوی گریه مرده و تخم مرغ گندیده، من تخم مرغ گندیده خورده‌ام. تلخ است و سیاه‌رنگ. مریض شدم و چند روز نتوانستم کار کنم. بابا هم کتک زد که چرا شکمبوی کرده‌ام که توانم کار کنم. من که نمی‌دانستم تخم مرغ گندیده است. آن خانم که از در خانه‌اش زباله جمع می‌کردم تخم مرغ‌ها را به من داد. گفت بپر برای مادر و برادرهایت. من هم خیلی گرسنه بودم، خودم خوردم. ۴ تا تخم مرغ بود. همه‌شان گندیده بود. اما همه را خوردم. بعد هم مریض شدم. رفتم دکتر، دکتر به بابام گفت دخترت می‌میرد. بابام هم کتک زد. آخر پول دکتر هم می‌خواندند. اگر دختر موسیاب و چشم سیاه پول برایت خرج کرده‌ام. همان موقع تصمیم گرفتم که دیگر تخم مرغ گندیده نخورم...

نقاشی‌های آیتا و ستاره و فانوس کاغذی عادل را نگاه می‌کنم. فانوس کاغذی عادل اگر روشن می‌شد، پرندهای نقاشی آیتا اگر آواز می‌خواندند، و اگر دختر موسیاب و چشم سیاه نقاشی ستاره حرف می‌زد... چه دنیای قشنگی است دنیای کودکان، حتی اگر فقیر باشند...

تجمع صیادان کیلکا

گروهی از صیادان کیلکا از استان‌های گیلان و مازندران، مقابل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تجمع کردند. صیادان کیلکا که از دو سال قبل به خاطر ورود یک آبی به نام شانه‌دار با مشکل صید مواجه شدند، باید سالانه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خسارت کاهش صید دریافت کنند. پرداخت نشدن این خسارت، دیروز موجب تجمع این صیادان مقابل سازمان مذکور شد. آبی شانه‌دار که از طریق آب توازن کشتی‌های نفتکش وارد محیط آبی خزر شده، محیط تغذیه ماهی کیلکا را تحت تاثیر گذاشته و صید این ماهی را با مشکل مواجه کرده است. تقوی مدیر کل دفتر صید شیلات گفت: با کاهش تعداد ماهی‌های کیلکا اقداماتی با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام شده است. وی با اشاره به مذاکرات انجام شده با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آبراز امیدواری کرد که رقم مذکور هر چه سریع‌تر به صیادان منتظر پرداخت شود. به گفته این مقام مسئول، صیادان کیلکا در سال ۷۸ معادل ۹۵ هزار تن کیلکا صید می‌کردند که این رقم در سال ۸۱ به ۲۶ هزار تن رسیده است. با این کاهش رقم صید، در حال حاضر ۲۰۰ شتاور با متوسط ۱۲ نفر شاغل در صید کیلکا فعالیت دارد. که این معضل صیادان منطقه را برای امرار معاش با مشکل مواجه کرده است.

گفته می‌شود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با اختصاص یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برای توسعه شیلات در جستجوی راه حلی برای مبارزه با آبی شانه‌دار و بازگشت نسل کیلکا است. تاکنون فعالیت‌های مطالعاتی انجام شده است که تنها راه پیشنهاد شده از سوی این موسسه مبارزه ببولویکی است. به این منظور دولت جمهوری اسلامی ایران باید از سایر کشورهای همجوار مرز خزر اجازه گرفته تا یک موجود جدید برای کنترل این آبی وارد محیط دریای خزر کند. تاکنون پاره‌ای از این توافقات انجام شده تا با سایر فعالیت‌های مطالعاتی راداهای افزایش صید کیلکا فراهم شود.

همسایه و مادرش روی زمین می‌نشیند و قند می‌شکند. برای هر گونی قند ۴۵۰ تومان دستمزد می‌گیرد. هر گونی قند، ۵۰ کیلو وزن دارد. وقتی از بازار مولوی می‌گذریم، آیتا گونی‌های غول پیکر را که هر کدام قد یک آدم است به من نشان می‌دهد و می‌گوید: من از صبح تا شب یک گونی این قدری قند می‌شکند. دست کوچکش را به دست می‌گیرم که با هم از عرض خیابان رد شویم. زبری کف دست‌هایش آزار می‌دهد. کف دست‌هایش پینه بسته است. مثل دست‌های مادرش و زن‌های همسایه. آیتا بستنی دوست دارد. بعضی وقت‌ها که صاحب کار، مزدش را می‌دهد، ۵۰ تومان از مزدش را بستنی می‌خرد. شب‌ها که بابا مزدمان را می‌شمرد، وقتی می‌بیند ۵۰ تومان از مزد من کم است، مرا کتک می‌زند، مادرم را هم کتک می‌زند. دلم برای مادرم می‌سوزد و همان موقع به خدا قول می‌دهم که دیگر بستنی نخورم. اما بستنی را هم خیلی دوست دارم...

«بشیر» با ۵ خواهر و برادرش در پارک شریعی فال می‌فروشد. ۶ نفری صبح‌ها می‌روند مولوی یک بسته بزرگ فال می‌خرند و بین خودشان تقسیم می‌کنند. بعد راهی پارک شریعی می‌شوند و هر کدام گوشه‌ای از پارک فال می‌فروشند. کنار هم که می‌ایستند مثل خطای منحنی آمار می‌شوند. بشیر که از همه بزرگ‌تر است قد بلندتر است و برادر کوچکش که ۵ ساله است سه وجب از زمین قد کشیده است. بشیر تا غروب در همان پارک فال می‌فروشد و از غروب به بعد، می‌رود روبروی پیتزافروشی کنار پارک، یک نیمه‌های شب، فالم را برایم می‌خواند. به سختی و بعضی کلمات را هم غلط می‌خواند. فال خودش را هم می‌خواند. صاحب این فال، بدان که گره کسارت گشوده می‌شود و تو به سفر می‌روی. به فقرا کمک کن و با مردم مهربان باش. پول زیادی به دست می‌آوری... بشیر زیاده‌های کوچکش را به هم می‌کوبد. - پول زیاد... آیتا ۹ ساله است و هر روز یک گونی قند می‌شکند. از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ شب. توی حیاط خانه‌شان دور تا دور حوض خالی از آب و ماهی، کنار زن‌های

۸۰ درصد طلاقها به درخواست زنان

همشهری: ۲۰ درصد طلاق‌ها را دخالت خانواده‌ها و دیگران در امور جوانان تشکیل می‌دهد و این قضیه تا آنجا پیش رفته که در ایران خانواده‌ها با هم ازدواج می‌کنند نه دو جوان زیرا اختلافات خانواده‌ها آنچنان زیاد شده که اجازه زندگی به دو زوج را نمی‌دهند. رئیس مجتمع قضایی خانواده گفت: پیش از ۸۰ درصد طلاقها به درخواست زنان صورت می‌گیرد ولی این به معنای آن نیست که زنان ما از زندگی گریز یا شده‌اند بلکه چون طلاق برای مردان دارای بار مالی است در نتیجه بیشتر مراجعین را زنان تشکیل می‌دهند. حسن حمیدیان در گفتگو با خبرگزاری فارس علت درخواست طلاق از سوی زنان را عدم حضور مردان برای طلاق خواند و گفت: زمانی که درخواست طلاق از سوی مرد انجام می‌گیرد مرد باید نفقه، مهریه، نحله ایام زوجیت و اجرت‌المثل را بپردازد و یا اگر بر اثر شرط ضمن عقد امضاء داده باشد که زن بعد از عقد بتواند تا نیمی از دارایی مرد شریک باشد باید نیمی از دارایی خود را به زن بپردازد. به همین دلیل مردان برای امر طلاق پیش‌قدم نمی‌شوند. وی افزود: مردان معمولاً در چنین مواقعی سختگیری‌هایی را در مورد زنان اعمال می‌کنند تا آنها خود به دادگاه مراجعه و تمام حق و حقوق خود را ببخشند و خود را از زندگی که جز زد و خورده، تنش و استرس چیزی نیست آزاد سازند. رئیس مجتمع قضایی خانواده مهمترین علت طلاق را اعتیاد و بیکاری مردان خواند و افزود: بیش از ۶۰ درصد علت طلاق را اعتیاد و بیکاری مردان تشکیل می‌دهد. وی با اشاره به مشکل عظیم بیکاری تصریح کرد: جامعه ما با بحران بیکاری مواجه است و هم اکنون بیش از ۴/۵ میلیون نفر از مشکل بیکاری رنج می‌برند لذا بیکاری ترازی غم‌انگیز زندگی جوانان ایرانی شده است.

حمیدیان گفت: با وارد شدن گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال تا سال ۱۳۸۵، به بازار کار این آمار به

بنفشه سام‌گیس: من در میان تمام اسباب و نوشته‌های یادگاری، یک فانوس کاغذی دارم که از تمام این یادگارها برایم با ارزش‌تر است. یک فانوس کاغذی آبی‌رنگ که پولک‌های زرد و قرمز و آبی و سکه‌های طلایی روی آن چسبانده شده است. این فانوس کاغذی یادگاری از یک دختر کوچک افغانی است. عاقله یک دختر ۱۱ ساله افغانی است که با مادر و پدر و سه خواهر کوچک‌تر از خود در خانه‌ای پشت انبار گندم خیابان مولوی زندگی می‌کند. پدر عادلانه نان خشک جمع می‌کند، عادلانه هم به کمک مادرش جوراب بسته‌بندی می‌کند. برای هر ۱۰ بسته جوراب ۴۵ تومان مزد می‌گیرد که می‌شود خرج خانه. عادلانه ارزوهای دارد به تعداد انگشتان دست‌های کوچکش، نه بیشتر. دلم می‌خواهد لباس کهنه‌های مردم را نپوشم. لباس‌هایم مال خودم باشد. دلم می‌خواهد برای خواهرم کوچکم یک عروسک بخرم. یک عروسک واقعی، با موهای بلند زرد و دامن چین‌دار سفید. نه از آن عروسک‌های شکسته بی‌لباس که بابا از خاکروبه‌ها پیدا می‌کند و برای خواهرم می‌آورد. دلم می‌خواهد برای مادرم موز بخرم. هزار کیلو موز، خانم معلم می‌گوید موز آدم را قوی می‌کند. مادرم اگر موز بخورد قوی می‌شود و سرگیجه نمی‌گیرد که چشم‌هایش سفید بشود و غش کند. دلم می‌خواهد به مدرسه بروم. مثل دختر همسایه‌مان. بابا می‌گوید به جای مدرسه رفتن، جوراب بسته کن. کمک خرج خانه کن. اما من دلم می‌خواهد مدرسه بروم. خانم معلم تمیز است. لباس‌های خوب می‌پوشد. به ما آب‌نات و نان پنی می‌دهد. برایمان قصه می‌خواند و به ما سواد یاد می‌دهد. خانم معلم می‌گوید اگر بسواد شوی هیچ وقت فقیر نمی‌شوی. من دلم می‌خواهد سواد یاد بگیرم تا دیگر فقیر نباشم...

«آیتا» یک کیسه قند به من می‌دهد. این قندها را خودش شکسته است. با کشندش کوچک برای او خریدارند. آیتا ۹ ساله است و هر روز یک گونی قند می‌شکند. از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ شب. توی حیاط خانه‌شان دور تا دور حوض خالی از آب و ماهی، کنار زن‌های

سلیمان پور مشمول تبادل اسرای لبنان و اسرائیل است

کرده بودند که سیدمحسن موسوی کاردار سابق ایران در بیروت، حاج‌احمد متوسلیان، وابسته نظامی سفارت ایران، کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و تقی رستگار مقدم راننده سفارت؛ که چهاردهم تیر ماه ۱۳۶۲ توسط فلاژیست‌های وابسته به حزب کتاب لبنان به سرکردگی ایلی حقیقه، در جاده طرابلس - بیروت ربوده شده و به احتمال زیاد به اسرائیل تحویل داده شده بودند، در جریان مبادله آزاد خواهند شد. سیدحس نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز سه روز پیش در گفتگو با روزنامه السفیر چاپ بیروت تاکید کرده بود که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند. وی تصریح کرد: ما برای مبادله اسیران اسرائیلی با اسرای خود که در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، شروطی مشتمل بر هفت بند ارائه کرده بودیم که یکی از این بندها شامل آزادی چهار ایرانی متفق شده است.

ایلتا: منابع انگلیسی فاش کردند: هادی سلیمان پور سفیر سابق ایران در آرژانتین در جریان تبادل اسیران بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل آزاد می‌شود. وی به زودی در جریان این مبادله با وساطت ارست اورلاو میانجی آلمانی، توسط لندن آزاد می‌شود. به گزارش پایگاه خبری ایلاف، که توسط اعراب مقیم آمریکا اداره می‌شود، اورلاو در جریان بحث و بررسی در مورد مبادله اسیران حزب‌الله و اسرائیل با دولت انگلیس نیز رایزنی‌هایی انجام داده است.

براساس این گزارش، حزب‌الله لبنان نیز بر آزادی هادی سلیمان پور توسط انگلیس اصرار دارد. برخی اطلاعات منتشر شده توسط مطبوعات انگلیس نیز حاکی است که هادی سلیمان پور یکی از مشمولان مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل است. این در حالی است که برخی منابع لبنانی، طی چند روز اخیر اعلام

البرادعی: اطلاعات دریافتی از ایران کافی نیست.

فهرست کلیه عناصر وارداتی را ارائه خواهد کرد تا تکراری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از کشف دو نمونه اورانیوم غنی شده با ضریب بالا در این کشور، مرتفع شود. ایران می‌گوید آثار اورانیوم غنی شده با ضریب بالا، که در ساخت سلاح‌های اتمی کاربرد دارد، همراهِ تجهیزات آغشته به این ماده از کشورهای خارجی وارد ایران شده است. اما البرادعی تاکید کرد که او باید در باره منشأ این تجهیزات اطلاعات بیشتری داشته باشد تا بتواند ادعاهای ایران را تصدیق کند. ایران تاکید کرده است که علی‌رغم درخواست آژانس بین‌المللی مبنی بر متوقف کردن فعالیت در زمینه غنی‌سازی اورانیوم، به این کار ادامه خواهد داد.

محمد البرادعی، رئیس آژانس انرژی اتمی در مصاحبه‌ای با روزنامه فاینشال تایمز، خواستار آن شد که ایران روند همکاری با این آژانس را تسریع کند. البرادعی گفت که هیات بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جریان سفر هفته گذشته خود به ایران اجازه یافتند از کلیه مکان‌های مورد درخواست این آژانس دیدن کنند و اطلاعات تازه‌ای نیز از مقامهای ایرانی دریافت کردند ولی این اطلاعات کافی نیست. او افزود: پرسش اساسی این است که آیا ایران هیچ گونه فعالیتی در زمینه غنی‌سازی اورانیوم، که ما را از آن مطلع نکرده باشد، داشته یا خیر. من تاکنون پاسخ قانع‌کننده‌ای به این پرسش دریافت نکرده‌ام. به گزارش این روزنامه، ایران گفته بود

هاشمی رفسنجانی: عده‌ای به نام اصلاح، مردم‌سالاری

را مطرح می‌کنند و ظلم بزرگی انجام می‌دهند

نه جهت اسلامی. بخاطر اینکه قصد ندارند جریان دینی، امور را در دست داشته باشد. این حرف‌ها روز به روز هم پررنگ‌تر می‌شود. هاشمی رفسنجانی گفت: در داخل کشور انسان‌هایی خانن، زمزمه لائیس را سر می‌دهند، دارند دلا را خالی می‌کنند و طوری بحث می‌کنند که انگار انقلاب به نفس نفس افتاده است، اما باید مقتدر، با استفاده از دستاوردهای عظیم انقلاب حرکت کنیم. وی گفت: عده‌ای قصد دارند انقلاب را ناموفق جلوه دهند و این حرف‌ها را در نقاط حساس مطرح می‌کنند. آنها خیال می‌کردند قدرت آمریکا در منطقه قدرت فایقه است و می‌توانند زیر پرچم آمریکا بطور نامرئی به اهداف خود برسند.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجمه تشخیص مصلحت نظام در هجدهمین گردهمایی انمه جمعه سراسر کشور گفت: اینکه عده‌ای به نام اصلاح، مردم‌سالاری را مطرح می‌کنند، ظلم بزرگی انجام می‌دهند. او گفت من تشنج‌های اخیر را به عنوان یک سم مهلک برای استراتژی اتکا به آرای مردم در این تشنج‌ها هر کس سعی می‌کند طرف مقابل خود را از پای درآورد، آن هم کسانی که از یک منبع برداشت می‌کنند و طرفدار نظام هستند، با سیاه‌نامایی هم‌دیگر را متکوب و مردم را مایوس می‌کنند. وی افزود: کسانی که جامعه صریحا حرف‌هایی می‌زنند که سال‌های سال به زباله‌دان رفته است، حرف‌هایی که تنز استعماری و مربوط به موزه‌های بعد از مشروطه است. معلوم است که آنها جهت باندی و سیاسی دارند

شاهرودی، رئیس قوه قضاییه: ما بهترین زندان‌های دنیا را داریم

زندان‌ها بسیار حساس هستم بر این اساس بازرسان مختلف و مخفی برای زندان‌ها قرار داده شده است. رئیس قوه قضاییه ادامه داد: هم اکنون کمیسیون‌های ویژه‌ای برای بررسی برخی شکایات که از طرف برخی جریانات و یا خانواده‌های زندانیان به مسئولان کشور و یا در رسانه‌ها مطرح شده، تشکیل شده است. وی گفت: نتایج گزارش این کمیسیون‌ها کذب ادعاهایی که در برخی از رسانه‌ها و تریبون‌ها مطرح می‌شود را نشان می‌دهد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی افزود: امروز کسانی که در جریان وضع بهبود زندان‌های ما هستند به ما اعتراض می‌کنند که ایران ابهت زندان را شکسته و حالت بازدارندگی آن را کم کرده است.

ایرنا: رئیس قوه قضاییه گفت: زندان‌های امروز کشور در بهترین وضعیت تاریخ ایران و حتی کشورهای دنیا قرار دارد. آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی در جلسه مسئولان عالی قوه قضاییه با اشاره به تسهیلاتی که برای زندانیان در زندان‌ها مهیا شده است، افزود: امداد رسانان تمام توانشان را برای حفظ سلامت و رفاه زندانیان بکار می‌برند در حالی که در کشورهای دیگر چنین کمک‌هایی صورت نمی‌گیرد. وی ادامه داد: به اقرار برخی مجامع حقوق بشری جهان، وضع زندان‌های ما نسبت به سایر کشورهای نظیر است. آیت‌الله شاهرودی با اشاره به حساسیت وضع زندانیان افزود: من خود نسبت به نقض حقوق شهروندان و وضع

طرح شورای اسلامی‌شدن دانشگاهها

قدرت‌گزیش و انتخاب بیشتری برخوردار باشند. به عنوان نمونه به جای درس آشنایی با متون درس تفسیر قرآن کریم و نیز تفسیر نهج‌البلاغه ارائه خواهد شد که دانشجویان با توجه به سلیقه و علاقه شخصی خود یکی از آن دو را انتخاب کنند. در شرایط کنونی حدود ۵۰۰ نفر از استادان معارف اسلامی به عنوان اعضا و هیات علمی این گروه‌ها در دانشگاه‌های دولتی و آزاد کشور مشغول هستند.

ایستنا: نماینده ولی فقیه در دانشگاه‌ها تصویب طرح شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها در کمیته تخصصی معارف در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خبر داد. محسن قسی در مراسم معارفه معاون امور اساتید معارف نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها اظهار کرد: براساس این مصوبه دروس معارف اسلامی به گونه‌ای ارائه خواهد شد که دانشجویان از میان واحدهای متنوع دروس معارف اسلامی از

متن بیانیه کمیته صلح نوبل در اعطای جایزه صلح به خانم عبادی

حقوق بشر و اسلام

خانم عبادی یک مسلمان است و به وظایف دینی خود عمل می‌کند. وی میان اسلام و حقوق اولیه بشر تناقضی نمی‌بیند. از نظر وی مهم است که نقطه آغاز گفتگوی بین فرهنگ‌ها و ادیان مختلف جهان باید تأکید بر ارزش‌های مشترک آنها باشد. برای کمیته نوبل در نروژ مایه افتخار است که جایزه صلح نوبل را به زنی بدهد که عضوی از جهان اسلام است و زنی است که همراه با تمامی کسانی که در جهان برای حقوق بشر مبارزه می‌کنند. دنیا می‌تواند به او ببالد. طی دهه‌های اخیر، وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در بسیاری از نقاط جهان بهبود یافته است. کمیته صلح نوبل با اعطای جایزه صلح خود، در راه سرعت بخشیدن به این روند تلاش کرده است. ما امیدواریم که مردم ایران از اینکه برای اولین بار یکی از شهروندانشان جایزه صلح نوبل را برنده شده است، احساس شادمانی کنند. ما امیدواریم که این جایزه الهام‌بخش همه افرادی باشد که برای حقوق بشر و دموکراسی در ایران، جهان اسلام و نیز در همه کشورهایی که نبرد برای حقوق بشر نیازمند الهام‌بخشی و حمایت است، مبارزه می‌کنند.

۶۵ در صد نیروی کار کشور

زیر خط فقر نسبی

قرار دارند

حسن صادقی رییس کانون عالی شوراهای اسلامی سراسر کشور در مراسم انتخاب اعضای جدید چهارمین دوره هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: متأسفانه در حال حاضر ۶۵ درصد نیروی کار کشور زیر خط فقر نسبی و بیش از ۲۵ درصد دیگر زیر خط فقر مطلق قرار دارند که در هیچ کشوری با این مورد روبرو نمی‌شویم. دولتی که شعار مردم‌سالاری را مطرح می‌کند باید راهکارهایی نیز برای توزیع مناسب درآمد بین اقشار جامعه تعیین کند. وی در واکنش به اظهارات یکی از معاونان رییس جمهور در خصوص عدم افزایش حقوق کارگران در سال آینده این گفته را تاسف‌آور دانست و افزود: در حالیکه تضمینی برای کنترل تورم در سال آینده وجود ندارد عدم افزایش حقوق کارگران فقیر تر کردن فقیر و ثروتمند تر کردن سرمایه‌دار است و اکنون نیروی کار ما از کمبود ۴۴ درصدی کسری درآمد ساختار اقتصادی خانواده رنج می‌برد.

صادقی همچنین در مخالفت با ایجاد سندیکا و در دفاع از حفظ چارچوب‌های موجود و حد فعلی در مطرح شدن خواست کارگران گفت هدف از ایجاد سندیکا منحرف کردن یک تشکل قوی کارگری و اسلامی است و باید در مقابل این گونه توطئه‌ها ایستادگی کرد.

شیعیان بنیادگرا

و تشکیل دولت در سایه

مقتدا صدر، از رهبران گروه‌های شیعه در عراق، که اعتقاد به تشکیل یک حکومت اسلامی در عراق دارد، اعلام کرد که دست به تشکیل یک کابینه در عراق زده است و گفت که از کشورهای همسایه عراق که به این کشور نیرو اعزام نکرده‌اند برای جلب حمایت از این کابینه تلاش خواهد کرد. مقتدا صدر معتقد است که باید نوعی حکومت اسلامی در عراق ایجاد شود و پیشتر در خطبه‌های نماز جمعه خود در شهر کوفه نیز خواستار اسلامی شدن جامعه و از جمله ممنوعیت فروش مشروبات الکلی و حجاب اجباری برای زنان شده است.

صدر که گفته می‌شود گروه موسوم به صدر ثانی از او حمایت می‌کند حدود سی سال سن دارد و فرزند آیت‌الله محمد صادق صدر است که چهار سال پیش به دست رژیم صدام حسین کشته شد. پدنهال فریادچی رژیم صدام در عراق، صدر سفری به ایران داشت و با چند تن از روحانیون بلندپایه دیدار و گفتگو کرد.

مصاحبه مطبوعاتی شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۳

جایزه و خیر برنده شدن خود را شنیدم، برای دقایقی شوکه شدم. وی می‌گوید باید از حالت شوک خارج شود تا تصمیم بگیرد با پول این جایزه چه خواهد کرد. شیرین عبادی لبخند می‌زند و احساس حاکی از رضایت در چهره او دیده می‌شود.

از خانم عبادی سؤال شد که مهم‌ترین نکته در باره وضع حقوق بشر در ایران چیست. وی می‌گوید آنچه فوریت دارد این است که آزادی بیان تأمین شود. وی می‌گوید آنها که برای ابراز عقیده خود به زندان افتاده‌اند، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و وکلای، باید آزاد شوند.

یک خبرنگار ایرانی از او در باره حقوق بشر در کشورهای اسلامی، از جمله فلسطین سؤال می‌کند. خانم شیرین عبادی پاسخ می‌دهد: وضعیت فلسطین وضعیت ویژه‌ای است و متفاوت است با دیگر کشورهای اسلامی. آنچه در فلسطین امروز اتفاق افتاده است جنگ نابرابر سنگ است با اسلحه.

می‌گوید زن بودن در ایران آسان نیست زیرا قوانینی در ایران هست که فعالیت زنان را دشوار می‌سازد. ولی زیبایی زندگی در این است که اگر در کشوری می‌بودم که فعالیت برای حقوق بشر آسان می‌بود، این قدر نمی‌توانستم به خود مغرور باشم.

خانم دکتر شیرین عبادی در پاسخ به سؤال یک خبرنگار گفت مغایرتی بین اسلام و حقوق بشر وجود ندارد و همه باید تلاش کنند حقوق بشر را بدون اتکا به کمک خارجی‌ها در ایران پیش ببرند. از او سؤال می‌شود که احساس شما چیست که به عنوان نخستین زن مسلمان جایزه صلح نوبل را دریافت کردید. خانم شیرین عبادی پاسخ می‌دهد مهم‌ترین احساس من این است که راهی که در پیش گرفته‌ام راه درستی است. از خانم عبادی سؤال می‌شود که با مبلغ یک میلیون و ۲۷۰ هزار دلار پول این جایزه چکار خواهید کرد. خانم عبادی پاسخ می‌دهد که امروز برای اولین بار خیر نامزدی خود برای این

می‌گوید دهم دسامبر به اسلو خواهد رفت. دکتر عبدالکریم لاهیجی، از فعالان حقوق بشر که در خانم عبادی در این مصاحبه در پاریس شرکت دارد، سخنان او را به فرانسسه ترجمه می‌کند. از شیرین عبادی سؤال شد که آیا اعطای جایزه صلح نوبل به او می‌تواند بحث فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار دهد؟ وی می‌گوید امیدوارم اینطور باشد. وی می‌گوید به عنوان کسی که فعالیت‌ها در راه حقوق بشر تلاش کرد، با جنگ و با هر نوع سلاح اتمی و کشتار جمعی مخالف است و کشورها احتیاج به جنگ ندارند. از خانم عبادی سؤال شد حالا که برنده جایزه صلح نوبل شده‌اید، آیا تقاضایی از دولت ایران دارید؟ وی پاسخ می‌دهد تقاضای من از دولت ایران، تقاضایی که امروز دارم و در گذشته داشتم و در آینده خواهم داشت این است که همه باید متحد شویم و با هم برای احقاق حقوق بشر در ایران بجنگیم.

خانم عبادی در پاسخ به یکی از خبرنگاران

در مصاحبه مطبوعاتی که در پاریس با حضور بیش از ۱۲۰ خبرنگار داخلی و خارجی با خانم شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۳ برگزار شد، از خانم شیرین عبادی نظر او در باره سیاست آمریکا در قبال ایران سؤال شد و اینکه برنده شدن جایزه صلح نوبل توسط او تأثیری در وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد داشت؟ خانم شیرین عبادی گفت مغایرتی بین اسلام و حقوق بشر وجود ندارد. وی شادمانی خود را از برنده شدن جایزه نوبل ابراز کرد.

بیش از ۱۲۰ خبرنگار در این مصاحبه حضور دارند. شیرین عبادی می‌گوید حقوق بشر در ایران یک بحث داخلی است و هر مسلمانی باید شجاعت این را داشته باشد که بتواند جوی برای پیشبرد حقوق بشر ایجاد کند. وی می‌افزاید ما به کشورهای خارجی متکی نیستیم و می‌خواهیم برای پیشبرد حقوق بشر در ایران روی پای خود بایستیم و در جهت جوی که حقوق بشر در ایران پذیرفته شود، فعالیت کنیم. شیرین عبادی

جایزه ویژه سازمان خبرنگاران کانادائی مدافع آزادی بیان

برای زهرا کاظمی

روزنامه‌نگاران متحد که در راه دستیابی به حقیقت جان خود را در معرض خطر قرار می‌دهند، لوح افتخار و جایزه اهدا می‌کند. قرار است اسفهان هاشمی، تنها پسر زهرا کاظمی، جایزه یادبود تارا اسپنگ را از این سازمان دریافت کند. دبیر کل این سازمان این جایزه سالانه نیست و فقط هنگامی داده می‌شود که نامزد مستحق پیدا شود و زهرا کاظمی که هنگام تهیه خبر بازداشت شد، شایسته دریافت این جایزه است. سازمان خبرنگاران کانادائی مدافع آزادی بیان مستکل از ۴۰۰ خبرنگار است که برای دفاع از آزادی بیان تلاش می‌کنند.

سازمان خبرنگاران کانادائی مدافع آزادی بیان اعلام کرد که جایزه یادبود تارا اسپنگ هایلر به خانم زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی - کانادایی که در بازداشت به قتل رسید، اهدا خواهد شد. این جایزه به خبرنگاران کانادائی اهدا می‌شود که هنگام انجام وظایف خود با موانع بسیاری روبرو می‌شوند. در مراسم سالیانه اهدای جوایز سازمان خبرنگاران کانادائی مدافع آزادی بیان، که در ماه نوامبر برگزار خواهد شد، بیش از ۵۰۰ روزنامه‌نگار سرشناس کانادائی حضور خواهند داشت و به پیشگامان حمایت از آزادی بیان و نیز

برخی اظهار نظرها در باره موفقیت خانم شیرین عبادی

مهرانگیز کار وکیل برجسته و مدافع

حقوق زنان و فعال حقوق بشر می‌گوید:

ایشان شایسته دریافت این جایزه بودند. من به عنوان یک شاهد عینی در این مورد داور می‌کنم چون در طول زندگی و دوستی نسبتاً طولانی که با ایشان داشتم زن شجاعی بودند و همواره دفاع و وکالت از مستیمنی را برعهده می‌گرفتند که در جو اختناق آمیز ایران بسیار خطرناک بود. بنابراین باید اولین حرف را در باره شایستگی ایشان زد و احساس من مثل احساس هر ایرانی، غرور است و افتخار. من این جایزه را یک جایزه سمبولیک می‌دانم که به تمام ایرانیانی داده شده که دلشان می‌خواهد در فضای کشور خود ضوابط جهانی حقوق بشر برای قانونگذاری و برای سیاست‌گذاری جایگزین هر نوع ضابطه دیگری بشود و ضوابط دینی جدا شود از ضوابطی که لازم است در یک جامعه دموکراتیک استوار شود.

سیمین بهبهانی شاعر بزرگ و از

فعالین کانون نویسندگان می‌گوید:

فکر می‌کنم شایسته‌ترین فرد برای گرفتن چنین جایزه‌ای بودند. مسلمان این موجب سربلندی ایرانیتها هست. غرور ملی ما را تحریک می‌کند. از وقتی این خبر منتشر شده، تلفن ما از صدا نیتاده و همه همپنشر زنگ می‌زدند و تبریک می‌گویند. در وضعیت ما در جهان هم یک اثر بسیار خوبی خواهد گذاشت. از لحاظ زندهای ایرانی هم من فکر می‌کنم یک شانس هست برای خانمها تا دیگر آقایان به دیده، من نمی‌گویم که به دیده تحقیر یا خدای ناکرده به دیده کم‌نگری، من می‌گویم به دیده این که زن ضعیفتر از مرد است، به زندهای ما نگاه نخواهند کرد.

عباس معروفی نویسنده می‌گوید:

هنگامی که من دادگاه داشتم، پشت پرده و آن ور ماجرا باند سعید امامی بود و زمان ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، و قضای ناشناخته‌ای بود که من شاید به ۵۰ وکیل مراجعه کردم که وکالت مرا نمی‌پذیرفتند. فقط آقای مصدق، زندیاد حمید مصدق، وکالت من را پذیرفت و خانم شیرین عبادی، که لایحه دفاعی من را خانم عبادی نوشتند و ایشان در تمام دادگاههای من حضور داشتند و شجاعانه ایستادند. یک نویسنده عضو کانون نویسندگان و یکی از فعالان ما برنده جایزه صلح نوبل شده واقعا تبریک دارد برای تاریخ ایران. باور کنید من این قدر خوشحالم که اگر به خودم این جایزه را می‌دادند، این قدر خوشحال نبودم.

شهلا لاهیجی ناشر می‌گوید:

در اولین نشست سران در باره حقوق کودک که در سال ۱۹۹۰ در سازمان ملل برگزار شد و اثر از ایشان بنام کارگران خردسال و حقوق کودک عنوان شد. در ایران بعنوان یکی از کسانی که راجع به مسایل مبتلا به جهان آفری تهیه کرده مورد تقدیر قرار گرفت. کتاب دیگر بچه‌های اعتیاد بود که خانم مهرانگیز کار نوشته بود. شنیدن خبر برنده شدن ایران در جایزه نوبل خبر بزرگی بود و چقدر قشنگ است که ما زیباترین بخش جایزه را یعنی جایزه صلح را بردیم. چقدر ما زنها خوشوقتیم که یک زن برنده این جایزه شد. و چقدر من بعنوان دوست خانم عبادی خوشحالم.

رد صلاحیت اصلاح طلبان

در انتخابات آتی

سایت «امروز» نزدیک به محافل اصلاح طلب حکومت به نقل از یک نماینده مجلس می‌نویسد: به نظر می‌رسد سناریوی محافظه کاران در رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به این شکل است که ابتدا تعداد زیادی از اصلاح طلبان را رد صلاحیت می‌کنند. با اعتراض اصلاح طلبان، مقام رهبری دخالت می‌کند و فرد یا گروهی را برای رسیدگی به نظر بابت طرفین (وزارت کشور - شورای نگهبان) تعیین می‌کند. هیات مذکور حکم به حل ۵۰ - ۵۰ مساله می‌دهد. یعنی نیمی از رد صلاحیت‌شدگان را تأیید می‌کند. به این ترتیب هم رهبری به نفع رد صلاحیت‌شدگان اقدام کرده‌اند و هم فعالان اصلاح طلب رد صلاحیت شده‌اند.

وی افزود: روشن است که اصلاح طلبان زیر بار چنین سناریویی نخواهند رفت و در صورتی که نظرات بر شرکت در انتخابات باشد، با اقدامات مقتضی، تمام داوطلبان خود را در فهرست نامزدها قرار خواهند داد.

دسترسی به بمب اتم

به موجب آیه قرآن

وظیفه است

محسن یحیوی عضو شورای مرکزی تشکل جامعه اسلامی مهندسين، در جلسه هفتگی انصار حزب الله، مجوز شدن به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها را از عوامل پیروزی بر دشمن برشمرد و گفت: ما توانمندی غنی‌سازی اورانیوم را برای نیروگاه‌های هسته‌ای پیدا کرده‌ایم و این مساله دشمنان ما را به ترس واداشته است. ترس آنها از این است که وقتی ایرانی‌ها با همه محرومیت، توانسته‌اند به چنین جایگاهی برسند قطعاً می‌توانند به جایگاه تهیه اورانیوم غنی‌شده برای اسلحه اتمی هم دست پیدا کنند. به گزارش ایلنا، یحیوی گفت: به فضل الهی کشورمان در تجهیز به سلاح‌های پیشرفته توفیق پیدا کرده است و الان علاوه بر بی‌نیازی از اسلحه‌های معمول، صادرکننده آنها هم هستیم و به اعتقاد بنده رفتن به طرف دسترسی به دیگر اسلحه‌هایی که دشمنان ما در اختیار دارند، به موجب آیه قرآن یک وظیفه است

اختلاف در دولت انتقالی افغانستان شدت گرفت

چنین جلساتی است که در آن افرادی چون برهان‌الدین ربانی، عبدالرسول سیاف، محمد قاسم فقیه (وزیر دفاع)، یونس قانونی وزیر کشور سابق، ژنرال دوستم، عطا محمد و اسماعیل خان در آن شرکت داشته‌اند.

از سوی دیگر حامد کرزای در کابل اعلام کرد: در حکومت آینده افغانستان باکسی ائتلاف نخواهد کرد و با حکومت انتقالی در این کشور مخالف است. وی با اشاره به اجلاس اخیر مخالفان خود گفت: ائتلافی بودن دولت وی یکی از مشکلاتش در راه انجام اصلاحات در دو سال گذشته بوده است و او اعتقاد دارد حکومت‌های ائتلافی در افغانستان مصیبت و بدبختی به بار آورده‌اند. کرزای تلاش دارد که حساب خود را از جبهه متحد و مجاهدین سابق که از آنها به عنوان جنگ‌سالاران نام برده است جدا کند.

برهان‌الدین ربانی رئیس دولت سابق این کشور و از جبهه شمال که باکرزای وارد ائتلاف شده بود، اعلام کرد که در انتخابات آینده ریاست جمهوری افغانستان باکرزای رقابت خواهد کرد. طی چند روز گذشته حامد کرزای دست به تغییراتی گسترده در ترکیب کابینه و محدود کردن قدرت فرماندهان محلی وابسته به جبهه متحد زد. ژنرال رشید دوستم فرمانده قدرتمند ازبک و اسماعیل خان والی معروف هرات از افرادی هستند که در تغییرات اخیر سمت‌های نظامی خود را از دست داده‌اند.

به دنبال اقدامات کرزای فرماندهان و رهبران جبهه متحد که عمدتاً از اقوام تاجیک، هزاره و ازبک هستند در کابل گرد هم آمدند و پس از جلسات سری تصمیم به مقابله باکرزای گرفتند. احتمالاً کاندیداتوری ربانی نیز نتیجه برپایی

دکتر نیره توحیدی

از فعالین حقوق زنان:

من فکر می‌کنم مخصوص این انتخاب بسیار مناسبی بود چون شیرین عبادی واقعا صلح را نسايندگی می‌کرد. همیشه با مسالمت با

گزارش کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای دوم تا پنجم مهر سالجاری برگزار شد. کنگره‌های نوپتی سازمان، مطابق کارپایه تشکیلاتی آن، هر ۲ سال یکبار برگزار می‌شوند. این کنگره، اما، یکی بخاطر تغییرات آشکار شده در وضع مردم نسبت به حاکمیت و بطور خاص نسبت به اصلاح‌طلبان حکومتی در جریان انتخابات شوراها در اسفندماه سال گذشته، و دیگری بخاطر وضع جمهوری اسلامی در پهنه جهانی و بسویژه حدت‌یافتن مناسبات ایران و آمریکا، بیش از ۶ ماه زودتر از موعد مقرر بطور فوق‌العاده برگزار شد. تحولات پیشگفته و سرعت این تحولات سیاست‌گذاری مشخص و مسجودی را در این موارد ایجاب می‌کرد. شورای مرکزی منتخب کنگره هفتم سازمان دستور زیر را به کنگره پیشنهاد کرده بود:

- ۱- بررسی عملکرد ارگان‌های مرکزی سازمان
 - ۲- تصویب خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن
 - ۳- تصویب طرح‌های مدیریتی
 - ۴- موارد ضرور اساسنامه‌ای
 - ۵- تصویب قرارها
 - ۶- انتخابات شورای مرکزی و هیات رسیدگی به شکایات و داوری
- در جریان تدارک کنگره کار تدارکاتی قابل توجهی برای تقریباً تمامی موضوعات دستور پیشنهادی انجام یافته بود، که در سطور آتی به هر مورد اشاره خواهد شد.

تدارک کنگره

برگزاری کنگره فوق‌العاده قریب ۷ ماه پیش از برگزاری آن پیشنهاد شده و پس از نظرسنجی از تشکیلات از تصویب شورای مرکزی گذشته بود. پس از آن کار تدارک آغاز گردید. مجموعه تدارک ارائه شده به کنگره به قرار زیر بود:

- گزارش عملکرد ارگان‌های مرکزی؛
- پیشنویس خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن، مصوب کمیسیون مربوطه، همراه با ۳ طرح بدیل؛
- طرح مدیریتی ناظر بر چگونگی انتخاب شورای مرکزی و هیات سیاسی - اجرایی، مصوب کمیسیون مدیریت و سازماندهی؛
- طرح موارد ضرور اساسنامه‌ای شامل: الف: گروه‌بندی‌های درون سازمانی، ب: هیات رسیدگی به شکایات و داوری، ج: همه پرس، این طرح واجد پیشنهادی برای تعداد اعضای شورای مرکزی نیز بود؛
- در راستای تدارک انتخابات ارگانهای مرکزی، کمیسیون مدیریت و سازماندهی مراجعه نسبتاً وسیعی نیز به اعضای سازمان کرده و آمادگی‌ها و علاقمندی‌های آنان را صورت‌برداری کرده بود.
- تدارکات پیشگفته به فراخور و حتی‌الامکان پیش از کنگره انتشار بیرونی یا درونی یافته و به بحث گذاشته شده بودند.

جریان کنگره

کنگره در روز و ساعت مقرر توسط هیات رئیسه شورای مرکزی هفتم گشایش یافت. کنگره که در پانزدهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی و مقارن با روزهای خونی این جنایت عظیم و فراموش ناشدنی برگزار می‌شد، کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام همه جانباختگان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ و تمام قربانیان سیاست‌های شکنجه، زندان و اعدام رژیم طی بیست و پنج سال حاکمیت آن و به یاد رفقایی که جایشان در کنگره خالی است و دیگر در میان یاران نیستند، آغاز کرد.

سپس هیات رئیسه سنی در جایگاه ریاست کنگره قرار گرفت و با استماع گزارش مسئول شعبه تشکیلات از روند تدارک اجرایی، تعداد نمایندگان حاضر، تعداد آراء و کالتی و... رسمیت کنگره را اعلام کرد. متعاقباً ۵ نفر بعنوان هیات رئیسه دائمی کنگره انتخاب شدند و کار هدایت کنگره را بعهده گرفتند.

هیات رئیسه مقدمتا به تصویب دستور کار کنگره اقدام کرد. دستور پیشنهادی شورای مرکزی دوره هفتم بدون تغییری مورد تأیید کنگره قرار گرفت. اما این تفاهم وجود داشت که موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن اولویت نخست کنگره است و با

تصویب آن هیات رئیسه مجاز است به فراخور روند کنگره انتخابات ارگان‌های مرکزی را در دستور بگذارد. با این حال کنگره در جریان ۴ روز کار فشرده و به یمن کار تدارکاتی انبوهی که پیشتر صورت گرفته بود، موفق شد به کل دستور مصوب رسیدگی کند. شرح رسیدگی به تک تک موضوعات در دستور در ادامه این گزارش بدست داده خواهد شد.

در نخستین روز کنگره، با اطلاع از اعلام اعتصاب غذای یگروزه در ایران در حمایت از دانشجویان زندانی و عموم زندانیان سیاسی، که دو روز پس از خاتمه کنگره برگزار می‌شد، قراری به کنگره ارائه شد که پیشنهاد می‌کرد شرکت‌کنندگان با دست‌زدن به اعتصاب غذا در آخرین روز کنگره، با این حرکت و با دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی همبستگی کنند. این قرار با تأیید قاطع کنگره روبرو شد و به این ترتیب آخرین روز کنگره، از نخستین لحظات آن تا پایان، در اعتصاب و با حس عمیقی از همبستگی با زندانیان سیاسی معترض به استبداد و ارتجاع و با همه آنهایی که شجاعانه در زیر سیطره نظام حاکم با دست‌زدن به اعتصاب غذا اعتراض خود را به زندانبانان به نمایش می‌گذارند، برگزار شد. به این مناسبت پیامی نیز توسط کنگره به «همه آزادگان در بند جمهوری اسلامی» صادر شد. این پیام در همین شماره نشریه مندرج است.

چنان که مرسوم کنگره‌های سازمان است، در این کنگره نیز هیات‌ها و نمایندگان از سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایرانی و خارجی، تعدادی از شخصیتها و صاحب‌نظران سیاسی فرهنگی کشورمان و تعدادی از فعالان سیاسی به عنوان میهمان حضور داشتند. همچنین عددهای از کادرها و اعضای پیشین و نیز دوستداران سازمان میهمان کنگره بودند.

هیات‌ها یا نمایندگان سازمان‌ها و احزاب سیاسی حاضر در کنگره عبارت بودند از: حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، حزب کمونیست عراق، سازمان اتحاد فدائیان، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان‌های جنبه ملی ایران در اروپا و آمریکا، کمیته همبستگی نروژ-ایران، نشریه نگرش.

علاوه بر این احزاب زیر که امکان حضور در کنگره را نیافته بودند، به آن پیام داده بودند: جنبه متحد چپ اسپانیا، حزب چپ سوند، حزب سبزهای فرانسه، حزب سوسیالیست فرانسه، حزب کمونیستهای ایتالیا، حزب کمونیست فرانسه. تعدادی از نیروهای مدعو به دعوت پاسخی نداده بودند.

نمایندگان احزاب و سازمان‌های سیاسی و سایر تشکلهای امکان یافتند پیام تشکر خود را به کنگره ابلاغ کرده و پیرامون گره‌های کار کنگره اظهار نظر کنند. پیام حزب کمونیست عراق که حاوی گزارشی از وضع حاضر در عراق و توضیح مواضع این حزب در قبال این وضع بود مورد توجه ویژه کنگره قرار گرفت. عموم میهمانان کنگره حق داشتند در میاب کنگره شرکت کنند و حول این میاب به کنگره و ارگانهای آن پیشنهاد دهند.

آخرین نکته قابل ذکر در مورد جریان کنگره پخش زنده بخش اعظم مباحث آن از طریق اینترنت در اتاق اینترنتی سازمان بود. این کیفیت، که از کنگره پیشین سازمان عملی شده است، همراهِ با تسهیل توضیحات تکمیلی دست‌اندرکاران کنگره، امکان تعیین زنده کار کنگره را برای علاقمندان آن فراهم آورده است. از این قرار دوستان و رفقای حاضر در اتاق اینترنتی سازمان توانستند مباحث سیاسی، نظری در زمینه تشکیلاتی، نطق‌های پیش از دستور، پیام احزاب و دیگر تشکلهای هم‌زمان با کنگره دریافت داشته و با کنگره تعامل داشته باشند.

چنان که پیشتر گفته شد، بررسی عملکرد ارگان‌های مرکزی سازمان در فاصله دو کنگره، تصویب خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن، تصویب طرح‌های مدیریتی و سازماندهی، تصویب موارد ضرور اساسنامه‌ای، رسیدگی به قرارهای پیشنهادی به کنگره و انتخاب ارگان‌های مرکزی موضوعات دستور کار کنگره را تشکیل می‌دادند. در پایان نیز مراسمی برای تودیع ارگان‌های دوره هفتم و خوشامدگویی به ارگانهای منتخب کنگره فوق‌العاده پیش‌بینی شده بود. در سطور آتی کار رسیدگی به این موضوعات به تفکیک گزارش شده است.

خط مشی سیاسی

چنان که گفته شد این تفاهم در کنگره وجود داشت که این موضوع اولویت نخست کنگره است و از این رو نخستین کار مضمونی کنگره نیز تعیین سند پایه برای خط مشی سیاسی بود. کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هفتم طرحی را زیر عنوان «برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال، بجای جمهوری اسلامی» برای کنگره آماده کرده بود. علاوه بر این طرح، طرح‌های بدیل نیز به کنگره ارائه شده بودند:

«در راه برکناری جمهوری اسلامی و براری سعادت مردم ایران»، از رفیق آزاد
 «برای برپایی جمهوری به جای حکومت اسلامی»، از رفیق بیژن اقدسی
 «اتلاف فراگیر دموکراسی برای ایران، همبستگی وسیع سیاسی برای سرنگونی رژیم اسلامی»، از رفیق کیانوش توکلی.
 (تمامی طرح‌های نامبرده پیشتر در نشریه کار شماره‌های ۳۰۹ و ۳۱۰ انتشار یافته‌اند).

تعیین سند مبنا با اظهار نظر عمومی نمایندگان حول مختصات یک سند پاسخگویی وضع حاضر و موافقت یا مخالفت با این یا آن طرح جریان یافت. سپس روی طرح‌ها رای گیری شد. نتیجه رای‌گیری به قرار زیر بود:
 سند کمیسیون: ۵۷ درصد آراء
 سند رفیق آزاد: ۱۴ درصد آراء
 سند رفیق اقدسی: ۱۴ درصد آراء
 سند رفیق توکلی: ۶ درصد آراء
 به این ترتیب سند کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هفتم بعنوان سند پایه کنگره و برای کار تکمیلی تصحیحی بر روی آن انتخاب شد. متعاقباً کمیونی که بایست روی سند کار می‌کرد توسط خود کنگره انتخاب شد. این کمیسیون ۷ نفره و مخیر آن رفیق بهزاد کرسی بود.

کار انتخاب سند پایه خط مشی سیاسی و کمیسیون آن در همان روز اول به انجام رسید و از آن پس کار کمیونی بر روی سند آغاز گردید. نمایندگان کنگره با ارائه بیش از ۱۳ پیشنهاد تکمیلی و تصحیحی برخورد بسیار فعالی را با کار کمیسیون و موضوع خط مشی سیاسی سازمان ابراز داشتند. در سومین روز کنگره و پس از رسیدگی کمیسیون به انبوه پیشنهادها، طرح نهایی شده برای تصویب به کنگره ارائه شد. اجلاس عمومی به پیشنهادهایی که کمیسیون پذیرفته بود و نیز تغییراتی که در سند پایه وارد شده بودند رسیدگی کرد و پس از بحث موافقت و مخالفت کلیات طرح، آن را به رای گذاشت. نتیجه رای‌گیری به قرار زیر بود:

موافق کلیات سند: ۶۸ درصد
 مخالف: ۲۳ درصد
 مستنع: ۹ درصد
 آئین نامه کنگره حداقل ۶۰ درصد آراء، در موافقت با اسناد پایهای را حد نصاب برای پذیرش اسناد پایهای بعنوان سند کنگره قرار داده است. به این ترتیب سند خط مشی سیاسی با احراز ۶۸ درصد آراء در موافقت با آن، بعنوان مصوبه و سند کنگره فوق‌العاده در مجموعه اسناد سازمان ثبت گردید.

بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی

پس از تعیین سند پایه برای خط مشی سیاسی و انتخاب کمیسیون آن، کنگره به بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی در فاصله کنگره هفتم و فوق‌العاده نشست. «ارزیابی از فعالیت هیات رئیسه شورا و شورای مرکزی سازمان»، «ارزیابی عملکرد هیات سیاسی اجرایی»، گزارش عملکرد قریب به اتفاق گروههای کار و کمیونهای دائمی، و نیز گزارش فعالیت هیات رسیدگی به شکایات و داوری، پیشتر تهیه شده و در پوشه کنگره در اختیار حاضران در کنگره قرار گرفته بودند. کار بررسی عملکرد ارگانها شامل پرسش از مسئولان و پاسخ آنان، اظهار نظر عمومی کنگره پیرامون عملکرد ارگانها و سرانجام پاسخگویی نهایی مسئولان می‌شد. دعوت از مردم به شرکت در انتخابات شوراهای اعلام حمایت از قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ایران، و نیز کیفیت اجرای تصمیم کنگره هفتم دایر بر اینترنت‌کردن نشریه کار، از زمره مکروترین مواردی بودند که سخنرانان در موافقت یا مخالفت با آن‌ها صحبت کردند. پس از مراحل فوق‌القرار بر این شد که

نمایندگان قرارهای پیشنهادی خود پیرامون عملکرد ارگان‌های مرکزی را در اختیار هیات رئیسه کنگره بگذارند تا در زمان رسیدگی به قرارها به آن‌ها رسیدگی شود. در مورد عملکرد سیاسی ارگان‌های مذکور تنها یک قرار ناظر بر شرکت در انتخابات شوراها پیشنهاد شد که با توجه به اظهار نظر «ارزیابی عملکرد هیات سیاسی - اجرایی» در انطباق با قرار مذکور، دهندگان پیشنهاد منظور خود را تأمین شده دانسته و از به رای‌گذاشتن پیشنهاد خود منصرف شدند.

طرح‌های مدیریت و سازماندهی

زیر این عنوان، در جریان تدارک کنگره کمیونی انتخاب شده بود که وظیفه مرکزی آن جستجوی طرق عمل هماهنگ ارگان‌های مرکزی در درون خود و در ارتباط با یکدیگر، و ارائه طرح به کنگره در این باره بود. این کمیسیون همچنین می‌بایست آمادگی‌ها و علاقمندی‌های اعضای سازمان را برای عضویت در ارگان‌های مرکزی و پذیرش مسئولیت در آن‌ها، صورت‌برداری کند.

کمیسیون مذکور نتیجه کار خود در بخش اول را پیش از برگزاری کنگره به تشکیلات ارائه کرده و آن را به دوری از بحث نیز گذاشته بود. در این مورد، جز در خصوص تعداد اعضای شورای مرکزی، پیشنهاد بدیلی ارائه نشده بود. کنگره کار خود در این موضوع را با اظهار نظر عمومی و نیز بحث موافق و مخالف برای تعیین سند پایه آغاز کرد. سپس روی طرح بعنوان سند پایه رای‌گیری شد. نتیجه آراء:

موافق: ۵۸ درصد
 مخالف: ۲۳ درصد
 مستنع: ۱۹ درصد

پس طرح کمیسیون بعنوان سند پایه مورد تأیید کنگره قرار گرفت. آنگاه کمیونی به انتخاب کنگره برای کار بعدی روی آن تعیین شد. تعداد اعضای این کمیسیون ۵ نفره و مخیر آن رفیق حسن جعفری بود. این کمیسیون نیز نتیجه کار خود را، پس از رسیدگی به پیشنهادهای رسیده از سوی نمایندگان و وارد کردن بخشی از آن‌ها در طرح نهایی، در سومین روز کنگره به آن ارائه داد.

از آنجا که در جریان کار کنگره و به هنگام رسیدگی به موضوع «موارد ضرور اساسنامه‌ای» تصمیم این شد که همین کمیسیون، رسیدگی به موارد اساسنامه‌ای را نیز بعهده گیرد، در اینجا گزارشی را با کار کنگره در موضوع اخیر ادامه می‌دهیم.

موارد ضرور اساسنامه‌ای

زیر این عنوان رسیدگی به ۳ مورد اساسنامه‌ای، که با توجه به هم تحول اوضاع بیرونی، که الزام تصمیم‌گیری‌های عمومی عاجل را برای سازمان پیش کشیده است، و هم مناسبات درونی تشکیلات، اهمیت یافته‌اند، مطرح بود:

- * گسروهبندی‌های درون سازمانی (فراکسیون‌ها)، که انتظام‌دادن به مناسبات گرایش‌های موجود در سازمان موضوع آن بود،
- * هیات داوری، که عهده‌دار رسیدگی به شکایات اعضا و ارگانهای سازمان از یکدیگر و داوری در این باره خواهد بود،
- * همه پرس، که باید کار مراجعه به عموم اعضای سازمان برای اخذ تصمیمات مهم یا تأیید آنها را آئین‌مند کند.

پیش از کنگره طرحی در این موضوعات توسط سازمانگر تدوین اساسنامه سازمان، رفیق بیژن اقدسی، در مشاورت با رفقایی که در این موضوعات پیشنهادهایی داده بودند، تهیه شده بود. طرح بدیلی وجود نداشت. نتیجه رای‌گیری به قرار زیر بود:

موافق: ۲۸ درصد
 مخالف: ۴۲ درصد
 مستنع: ۳۰ درصد
 در مورد هیات داوری: موافق: ۷۲ درصد
 مخالف: ۱۰ درصد

مستنع: ۱۸ درصد
 در مورد همه پرس: موافق ۹۴ درصد (مخالف و مستنع رای‌گیری نشده است).
 پس، موضوع نخست، یعنی گسروهبندی‌های درون سازمانی بعنوان پایه پذیرفته نشد و از طرح حذف شد. دو موضوع دیگر با رای موافق قابل توجهی بعنوان طرح پایه مورد تأیید کنگره قرار گرفتند. در زمان تشکیل کمیسیون کنگره پیشنهاد دایر بر این که کار بعدی روی این موضوعات به همان کمیسیون منتخب کنگره در موضوع مدیریت و سازماندهی سپرده شود، را پذیرفت و از این پس کمیسیون نامبرده کار بر روی تمام طرح‌های تشکیلاتی را، که بعنوان پایه پذیرفته شده بودند، پیش برد.

کمیسیون نتیجه کار خود را در سومین روز کنگره برای تصویب به آن ارائه داد. اجلاس کنگره با رسیدگی به پیشنهادهای پذیرفته نشده توسط کمیسیون و سپس رای‌گیری روی کلیات سند، به کار خود در این زمینه خاتمه داد. نتیجه رای‌گیری روی کلیات سند به قرار زیر بود:

موافق: ۸۲ درصد
 مخالف: ۸ درصد
 مستنع: ۱۰ درصد

به این ترتیب این سند نیز با اکثریت بالای آرای موافق تصویب شد و وجود اساسنامه‌ای آن، یعنی هیات داوری و همه پرس، بعنوان وجوهی از اسناد پایهای سازمان ثبت شدند.

انتخاب شورای مرکزی و هیات داوری

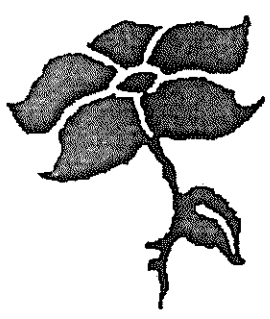
انتخاب ارگان‌های مذکور در این کنگره نه بعنوان آخرین موضوع دستور بلکه پیش از رسیدگی به قرارها صورت گرفت و تنها یک قرار، که نتیجه آن می‌توانست در نتیجه انتخابات موثر افتد، پیش از انتخابات رسیدگی شد. این قرار مربوط به سهمیه‌بندی برای رفقای زن برای حضور در شورای مرکزی می‌شد و پیش‌بینی می‌کرد که شورای مرکزی‌های کنگره فوق‌العاده انتخاب می‌کرد می‌بایست حداقل شامل ۲۵ درصد اعضای زن باشد. قرار به رسیدگی گذاشته شد و چند پیشنهاد دیگر نیز در ارتباط با میزان سهمیه ارائه شدند. پس از بحث موافق و مخالف، ابتدا اصل سهمیه‌بندی به رای گذاشته شد.

نتیجه رای‌گیری: موافق: ۷۰ درصد
 (در این رای‌گیری و رای‌گیری‌های بعدی به اخذ آراء موافق اکتفا شده و یا تعداد کم آراء برای اعلام تصویب نشد کفایت می‌کرده است).
 با تصویب اصل سهمیه‌بندی، رای‌گیری روی تک تک پیشنهادهای ناظر بر میزان سهمیه انجام شد. نتیجه رای‌گیری‌ها:

پیشنهاد دایر بر ۵۰ درصد سهمیه زنان: موافق ۴ درصد
 پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۵ درصد سهمیه زنان: موافق ۱۴ درصد
 پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۰ درصد سهمیه زنان: ۵۶ درصد
 پیشنهاد دایر بر حداقل به نسبت تعداد اعضای زن در تشکیلات: ۴۲ درصد
 پیشنهاد دایر بر حداقل به نسبت تعداد نمایندگان حاضر در کنگره: تصویب نشد
 پس پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۰ درصد سهمیه زنان تصویب شد.

متعاقب آن نیز پیشنهادی از تصویب کنگره گذشت، که به موجب آن رفقای زن برای عضویت در شورای مرکزی باید حداقل ۳۰ درصد آراء را کسب کنند. (توضیح: این قید تاکنون بدون تفکیک برای رفقای زن و مرد و برابر حداقل ۵۰ درصد آراء بوده است).
 سپس لیست کاندیداهای عضویت در شورای مرکزی تنظیم و قطعی شد و هر کاندیدا فرصت یافت تا اطلاعاتی را در باره احوال شخصی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، ... و نیز علایق و آمادگی‌هایش برای کار در شورا به اطلاع اجلاس برساند.

سرانجام رای‌گیری به صورت مخفی انجام شد. کنگره تصویب کرده بود که هر کس حداکثر به ۱۳ نفر می‌توانست رای دهد. از میان ۳۳ کاندیدا، ۲۰ نفر در همان نوبت اول رای‌گیری به عضویت شورای مرکزی درآمدند و در نوبت ادامه در صفحه ۷



سند خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب نخستین کنگره فوق‌العاده سازمان
(۲ تا ۵ مهر ۱۳۸۲ - ۲۴ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳)

برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال به جای جمهوری اسلامی

نکاه ما به اوضاع سیاسی کشور

۱ - با تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی، بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از عملکرد این حکومت، جامعه ایران را در معرض از هم پراکنده شدن قرار داده است. راه غلبه بر این بحران‌ها و بازسازی دموکراتیک جامعه، از برکناری جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال در کشور می‌گذرد.

۲ - جمهوری اسلامی به خاطر نقض حقوق بشر، تلاش برای دست‌یابی به تسلیحات هسته‌ای، مخالفت با صلح خاورمیانه و حمایت از بنیادگرایان اسلامی تحت فشار دولت آمریکا، اتحادیه اروپا و مجامع بین‌المللی قرار دارد. جمهوری اسلامی بیش از پیش در سطح بین‌المللی منزوی می‌شود.

۳ - محافظه کاران و نهادهای وابسته به ولایت فقیه که سیمای واقعی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارند، از نظر پایگاه اجتماعی در ضعیف‌ترین وضعیت خود طی حیات این نظام قرار دارند، در موقعیت شکننده و آسیب‌پذیری به سر می‌برند و مورد نفرت اکثریت بالایی از مردم ایران قرار دارند. سیاست این جریان، اعمال فشار و سرکوب مخالفان است و این در حالی است که کارایی چنین سیاستی، هم به دلیل هراس محافظه کاران از انفجار خشم عمومی علیه حکومت و هم عامل فشارها و تهدیدات خارجی، محدود است.

۴ - جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد، دیگر به گذشته تعلق دارد. دستاورد بزرگ این جنبش، آشکار کردن ضدیت ولایت فقیه با جمهوریت و دموکراسی برای توده‌های مردم و برکناندن این چالش به سطح ملی بود. اما این جنبش در همان سطح محدود ماند و در همان جا هم پایان یافت. بر بستر جنبش اصلاح‌طلبانه و بر پایه مطالبات مردم و ذهنیت آن‌ها و حرکات اعتراضی در جامعه و حضور جنبش‌های اجتماعی، جنبش تحول در جامعه ما تقویت شده است. اکنون زمینه تکوین جنبش فراهم آمده که در بیرون از حکومت و علیه حکومت با هدف استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم به جای جمهوری اسلامی رو به شکوفایی دارد. این حرکت نوین، خصلت آلترناتیو حکومتی را دارا است و بسط و توسعه حکومت دین‌سالار (توکراتیک) است.

۵ - از جنبش دوم خرداد، سرفله بیرون حکومتی این جنبش طی روندی چند ساله و بر بستر آزمون و تجربه، از خامی و اصلاح‌طلبان سرخورده و ناسامید شد و راه جدایی از آن‌ها را در پیش گرفت. این روند، در مقطع انتخابات دور دوم ریاست جمهوری عیان و در انتخابات دور دوم شوراها تبارز آشکار سیاسی یافت. در مولفه حکومتی این جنبش،

بخش محافظه کار آن به خاطر علایق و وفاداری‌اش به حفظ نظام اسلامی در سرائیب تمکین به ولایت فقیه پیش می‌رود و جریان رادیکال آن زیر فشار دافعه در ست خروج از حکومت طی مسیر می‌کند. آینده سیاسی این نیرو مشروط به تعیین تکلیف آن با حکومت و اندیشه دین‌سالار شده است.

نیروهایی که در جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد متحد یا هم‌سو شدند، اکنون در مسیر تجزیه به نفع یکی از دو جبهه تحول و ضد تحول قرار گرفته‌اند.

۶ - تا آن‌جا که به رابطه مردم و حکومت برمی‌گردد، اکثریت عظیم مردم این حکومت را نمی‌خواهند و آن را پس می‌زنند؛ روند گسست در معادله حاکمیت - مردم به فرجام رسیده است. اما آن‌جا که موضوع با امر جایگزینی و شیوه تحقق جابجایی قدرت ارتباط می‌گیرد، شعور عام جامعه هنوز در معرض انتخاب و زیر تاثیر القانات سیاسی متفاوت و متناظر قرار دارد. شعور دموکراتیک جامعه اما برعکس، ولو در حال حال بی‌سازمانی، می‌رود که در کانون اپوزیسیون جمهوریخواه، دموکرات و سکولار جمهوری اسلامی متمرکز شود؛ با درکی به مراتب ژرفتر از اوایل دهه هفتاد شمسی و با کمی بسیار فراتر از منقطع پیش از دوم خرداد. اشتراک در دیدگاه‌ها و مواضع دموکرات‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی هیچ‌گاه تا بدین حد نبوده است، گر چه اراده برای اتحاد در بین آن‌ها همچنان فاصله زیادی با اقتضای سیاسی روز دارد.

در میان نیروهای اپوزیسیون هنوز هیچ نیرویی تا پایه آلترناتیو بالفعل برآمد نداشته است، اما در همه بخش‌های آن تحرکات و ابتکارات شدت یافته‌اند.

۷ - جنبش‌های اجتماعی و تحرکات مردمی مدام گسترش می‌یابند.

جنبش دانشجویی دوره استقلال‌یابی از قدرت را گذر کرده و اینک به یک جنبش نیرومند نقد قدرت فرو رفته است. جوانی و رادیکالی بودن این جنبش همواره با گستردگی جغرافیایی آن، بر زمینه پتانسیل اعتراضی وسیع در جوانان کشور با جمعیت سنی جوان، تهدیدی جدی علیه نظام حاکم و امیدی بزرگ برای جنبش تحول‌طلبانه کشور ما است.

جوانان نیروی تحول و انفجاری جامعه ما به حساب می‌آیند. گرچه حرکت اعتراضی آن‌ها سازمان‌یافته نیست و شکل جنبشی به خود نگرفته است، ولی نقش آن‌ها در انتخابات گذشته و در تظاهرات خیابانی غیرقابل انکار است. تحول سیاسی در کشور ما با حرکت جوانان گره خورده است.

گسترش مقاومت زنان و به ویژه دختران جوان در برابر تحمیلات ارتجاعی حکومت، به حرکت زنان که یک رکن اصلی در جنبش

تحول‌طلبانه و دموکراتیک است، ابعاد تازه‌ای داده است.

بر کیمت اعتراضات صنفی کارگری و توده‌های زحمتکش افزوده می‌شود و در مواردی این حرکات خصلت سیاسی به خود می‌گیرد.

نارضایتی وسیع در بین استادان دانشگاه‌ها و آموزگاران در حال تکامل به حرکات فراگیر است. روحیه ایستادگی و اعتراض در میان روشنفکران و هنرمندان رو به اعتلا دارد.

جنبش‌های ملی در مناطق مختلف کشور گسترش یافته و از توان جدیدی در مبارزه برای حقوق دموکراتیک و ملی خود برخوردار می‌شوند. جنبش‌های ملی، جمهوریخواه، مخالف تمرکز قدرت و طرفدار حکومت فدرال هستند و برای تامین خواسته‌های دموکراتیک خود مبارزه می‌کنند. در میان این جنبش‌ها در مواردی گرایش‌های منفی حامل ناسیونالیسم افراطی نیز دیده می‌شود.

جنبش مدنی هم در شکل مقاومت و هم در سیمای نافرمانی گسترش و ژرفا می‌یابد.

۸ - روندها و چشم‌اندازهای سیاسی در کشور ما اینک با تحولات بین‌المللی سخت گره خورده و در سیاست‌های دولت بوش، ایران جایگاه حساسی یافته است. جمهوری اسلامی اکنون از نظر بین‌المللی تحت فشار سنگین قرار دارد.

در هیئت حاکمه آمریکا سناریوهای سیاسی متنوعی در رابطه با جمهوری اسلامی مد نظر است که طیفی از سیاست‌های اعمال فشار بر این حکومت برای مطیع کردن آن تا توسل به زور نظامی علیه جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. این که کدامیک از سناریوها و در چه مرحله‌ای به اجرا در آید تابعی است از پارامترهای سیاسی در سطح بین‌المللی و منطقه، در هیئت حاکمه آمریکا و در جمهوری اسلامی.

مشی سیاسی ما

۱ - هدف راهبردی ما استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن، برکناری جمهوری اسلامی به مثابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور است. مشی و راه کارهای سیاسی ما با این هدف تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار دارد.

۲ - ما حذف ولایت فقیه و تغییر ساختار سیاسی قدرت را، در شرایط امروز بسیج‌کننده‌ترین و نافذترین شعار در مبارزه علیه جمهوری اسلامی می‌دانیم.

۳ - مبارزه ما علیه حکومت متوجه نفی و نقد مواضع هر جریانی از حکومت خواهد بود که به هر شکل خواهان حفظ حکومت دینی است و از جمله جریانی که بر توهم مردم‌سالاری دینی

پای می‌فشارد.

۴ - ما اصلاح‌طلبان و روشنفکران دینی‌ای را که در موضع تقابلی با ولایت فقیه قرار دارند به تعرض علیه ولایت فقیه و نفی و نقد آن، به پذیرش جدایی دین از دولت و پیوستن به جنبش تحول فرا می‌خوانیم.

۵ - ما در پی آن نوع تحول سیاسی رادیکال هستیم که بر گذار مسالمت‌آمیز متکی شود. نافرمانی و مقاومت مدنی توده‌ای، اتحاد نیروهای جمهوریخواه دموکرات و فشارهای بین‌المللی در خدمت چنین تحولی قرار دارند. ما در عین مخالفت با خشونت بر حق مردم در دفاع از خود در برابر سرکوب تاکید داریم.

۶ - ما با تاکید بر شعارهای رفراندوم، تشکیل مجلس موسسان، تغییر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت جایگزین می‌کوشیم حمایت بین‌المللی را از این شعارها جلب کنیم.

۷ - ما از گسترش مبارزات اعتراضی و مطالباتی در میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و دیگر گروه‌ها و اقشار اجتماعی ترقی‌خواه در مبارزه علیه رژیم حاکم دفاع می‌کنیم.

۸ - برابری زن و مرد از ارکان اساسی جمهوری سکولار و دموکراتیک است. در این راستا ما علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، فرهنگ مردسالار و سنت‌های ارتجاعی تحمیل‌کننده نابرابری زنان مبارزه می‌کنیم و از بای‌گیری تشکلهای مستقل زنان دفاع می‌کنیم و در مقاومت و مبارزه زنان در مقابل هنجارهای تحمیلی دینی و سازمان‌دهی آن مشارکت می‌ورزیم.

۹ - ما با آگاهی از نقش ویژه جنبش دانشجویی در پیشبرد جنبش تحول و دموکراسی‌خواهی، از روند تشکلیابی آن‌ها و از ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی و از خواسته‌های آنان که عمدتاً خواسته‌های جنبش تحول‌خواه کشور است، دفاع می‌کنیم.

۱۰ - ما تعرض همه‌جانبه رژیم و کارفرمایان به حقوق سندیکیایی کارگران و مزدبگیران را محکوم و از تلاش و مبارزه حق‌طلبانه آنان برای افزایش دستمزد، حق تشکلی، حق اعتصاب، بیمه بیکاری و بیمه اجتماعی و برای بهره‌مندی از یک قانون کار دموکراتیک و مدرن حمایت می‌کنیم و خود را در این مبارزه سیم می‌دانیم. ما از تلاش کارگران و فعالین مستقل سندیکیایی برای احیا و تشکلی سندیکیاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری حمایت می‌کنیم. کوشش ما این است که جنبش کارگری با جنبش تحول و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیوند خورده و نقش موثر در تحولات سیاسی کشور ایفا کند.

۱۱ - ما ضمن حمایت از خواسته‌های آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه مسلیت‌های آذربایجانی، بلوچ، ترکمن، عرب و کرد

میهمان حل دموکراتیک مسئله ملی را یکی از شروط مهم استقرار جمهوری و دموکراسی پایدار در کشور می‌دانیم.

۱۲ - ما برای شکل‌گیری جبهه‌ای با هدف استقرار نظامی مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم در ایران به جای جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم که گسترده‌ترین طیف جمهوریخواهان دموکرات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نیروهای جمهوریخواه و دموکراتی را که در سال‌های اخیر بر بستر چالش بین ولایت فقیه و اصلاح‌طلبان دینی شکل گرفته است، در بر گیرد.

این جبهه بر جنبش‌های اجتماعی و نیروی مردم متکی است و در برگیرنده همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی، جریانات و احزاب ملی و فعالین فکری، سیاسی و فرهنگی منفرد خواهد بود که نظامی مبتنی بر دموکراسی، جمهوریت و سکولاریسم را جایگزین جمهوری اسلامی می‌خواهند.

در راستای شکل‌گیری اتحاد جمهوریخواهان، ما برای هم‌سو کردن ابتکارات جداگانه‌ای که به این منظور صورت می‌گیرند، تلاش کرده و دیگر سازمان‌ها و احزاب جمهوریخواه را به شرکت در این تلاش دعوت می‌کنیم. ما مطرح کردن این جبهه به مثابه آلترناتیو جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی را وظیفه خود قرار می‌دهیم.

۱۳ - ما مخالف دخالت احتمالی نظامی دولت آمریکا در ایران هستیم. مخالفت ما با چنین سیاستی، در هر حال از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی و از جایگاه آلترناتیو آن خواهد بود. ما با تقویت بنیادگرایی اسلامی و دست‌افزار آن تروریسم از سوی جمهوری اسلامی، قاطعانه مخالفیم و علیه مداخلات این حکومت در امور دیگر کشورها هستیم.

۱۴ - ما ضمن مخالفت با آن سیاست‌های خارجی که از اعمال فشار به جمهوری اسلامی قصد سازش و معامله با این رژیم علیه دموکراسی در ایران و مغایر با منافع کشور ما را دارند، تنها از آن نوع کارزار جهانی علیه جمهوری اسلامی استقبال می‌کنیم که در راستای منافع مردم ایران موثر بیفتد.

از این رو:

الف - از همه نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که از مبارزات مردم ایران برای استقرار جمهوریت و دموکراسی حمایت کنند.

ب - از تمام نهادهای بین‌المللی و همه دول می‌خواهیم که رعایت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را مبنای پایدار در مناسبات خود با آن قرار دهند.

ج - ما با هر گونه اقدامی که از سطح حمایت سیاسی فراتر برود و خصلت آلترناتیو سازی از سوی دولت‌های خارجی به خود گیرد، مخالفیم.

گزارش کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دامه از صفحه ۶

کسانی به عضویت هیات در می‌آمدند که حداقل ۳۲ آراء را کسب کرده باشند. بر این قرار، پس از دو نوبت رای‌گیری سه رفیق به عضویت نهاد داورى انتخاب شدند.

فراها

با تفکیکی در قرارهای سیاسی و تشکیلاتی، دو قرار سیاسی به کنگره ارائه شده بودند:

۱ - قرار در محکومیت طرح دولت شارون برای اخراج یاسر عرفات از فلسطین. این قرار اعلام می‌کند: «کنگره طرح دولت شارون برای اخراج یاسر عرفات، رئیس جمهور منتخب و رهبر خلق فلسطین از سرزمین‌های اشغالی را محکوم و از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در این رابطه حمایت می‌کند».

۲ - قرار در مورد اتحادها. متن این قرار در همین شماره نشریه مندرج است.

کنگره پس از تصویب قرار اتحادها همچنین در مورد صدور پیامی به همه نیروهای دموکرات جمهوریخواه تصمیم گرفت. علاوه بر این، با توجه به کوششی که در کنگره برای ارائه قطعنامه‌ای پیرامون اوضاع جهانی مرتبط با منطقه و ایران انجام یافته بود، کنگره شورای مرکزی منتخب خود را موظف کرد که در اسرع وقت قطعنامه‌ای حاوی موضوعات مذکور را تدوین کند و به نام خود انتشار دهد.

سایر قرارها، که عموماً شورای مرکزی منتخب کنگره را برای انجام اقدامات معین تشکیلاتی مخاطب گرفته بودند، طی قرار واحدی، که از تصویب کنگره گذشت، جهت

رسیدگی و اقدام ضرور به شورای مرکزی منتخب سپرده شدند. مورد استثناء قرار می‌گیرد در مورد زمان کنگره آتی سازمان بود که به موجب آن کنگره آتی سازمان باید در خلال ۲ سال آینده برگزار شود. این قرار نیز در کنگره طرح و تصویب شد.

به این ترتیب کنگره فوق‌العاده سازمان با رسیدگی به تمام موضوعات در دستورش و اخذ تصمیمات ضرور در هر باره با موفقیت به کار خود پایان داد. تقدیر از رفقای که با زحمات سنگین‌شان در دوره نسبتاً کوتاه تدارک و در جریان کنگره به کسب این موفقیت کنگره در شرایط بسیار حساس برگزاری آن کمک شایانی کرده بودند، قرار پایانی بخش رسمی کنگره بود.

پس از آن، مطابق پیش‌بینی قبلی، مراسم تودیع از ارگان‌های پیشین و خوشامدگویی به ارگان‌های منتخب کنگره با جشن و سرور و سرود، و رضایت مشهود ناشی از توفیق کنگره برپا شد.

تلاش چهار روزه کنگره فوق‌العاده اینک در سند خط مشی سیاسی مصوب آن، در عزم اعلام شده‌اش برای آن که نیروی پیگیر پی‌ریزی اتحاد وسیع جمهوریخواهان دمکرات باشد، و در گام استوارش برای تعمیق دموکراسی درون سازمانی، به ثبت رسیده است. این موفقیت توأماً تعهدی است از جانب سازمان نسبت به جنبش ترقیخواهانه و دموکراتیک مردم میهمان، و نیز از جانب ارگان‌های رهبری آن نسبت به تمامی نیروهای سازمان. امیدها برای آن که سازمان این تعهد را سربلندانه بیجا آورد بسیارند.

پیام‌کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به همه جمهوریخواهان دمکرات ایران

توانمندی‌ها در اتحاد هاست!
همه تشکل‌ها و فعالان سیاسی جمهوریخواه را به ابتکار مشترک در برگزاری کنفرانس اتحادها فرا می‌خوانیم

جمهوریخواهان مبارز!
کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نشست دوم تا پنجم مهرماه، خود، امر تحقق اتحاد گسترده همه کسانی را که استقرار یک نظام دمکراتیک و سکولار با ساختار جمهوری در ایران را خواهانند، از عمده‌ترین موضوعات سیاسی جاری و آینده نزدیک میهن‌سازان ارزیابی کرد و از شورای مرکزی منتخب خود، و از هر عضو و هوادار سازمان ما خواست که تلاش هدفمند و خستگی‌ناپذیر در این راه را یکی از وظایف مرکزی خود قرار دهد. کنگره از تمامی احزاب و سازمان‌های سیاسی جمهوریخواه دمکرات، و همه فعالان سیاسی مدافع دمکراسی و جمهوری دعوت کرد که کوشش پیگیر این آرزوی مشترک و این نیاز مبرم عمومی باشند.

دوستان!
اکنون که جمهوری اسلامی با بحران‌های فرجامین حیات خود روبه‌رو است، حال که اکثریت عظیم مردم ایران به این باور رسیده‌اند که دستاورد بزرگ جمهوری آنان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نمی‌تواند در یک نظام سیاسی دینی تحقق واقعی بیاید، اکنون که شرایط بین‌المللی در چنان سستی رسق می‌خورد که همسوی چشمگیری در سطح جهان علیه جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد و در همانحال قدرتمندان حاکم بر میهن ما با گروگان‌گرفتن مصالح و منافع ملی ایران و بی‌توجه به خواست و اراده مردم، کشور ما را در معرض بدترین مخاطرات قرار می‌دهند، و سرانجام در موقعیتی که کم‌نیستد جریان‌ها و نیروهای که در پی آشفته بازار سیاسی‌اند تا یک تکیه بر کاخ سفید واشنگتن و بهره‌جویی ریاکارانه از خشم بحق مردم ایران از جمهوری اسلامی، کشور ما را به قصد دستیابی به اهداف خود به عقب برگردانند و یا نوع دیگری از قدرت ولایی را در ایران باز تولید کنند مبرم‌ترین نیاز سیاسی همانا برآمد متحد همه کسانی است که دمکراسی و جدایی دین از حکومت را در شکل جمهوری می‌خواهند.

این هدف دمکراتیک، ترقیخواهانه و مردمی، نیروی قریب به اتفاق ایرانیان آزادیخواه را با خود دارد و از نیروی حمایتی عظیمی در جامعه برخوردار است، اما روشن‌بودن هدف و حتی آگاهی به پشتوانه بزرگ اجتماعی آن، به هیچ رو برای تحقق یافتن آن کفایت نمی‌کند. این هدف تنها آن زمان به اعمال نیروی کلان سیاسی بدل می‌شود که مشران و پرچمداران آن از چندگانگی به یگانگی در عمل گذر کنند. این هدف، فقط نگاه همه نیروی اجتماعی بزرگ خود را در میدان عمل سیاسی بسیج خواهد کرد که همه ما دریابیم که زمان صف‌بندی‌های کلان و روشن در کشور ما فرا رسیده است. خواست جمهوری، تنها موقعی می‌تواند به یک تکیه‌گاه و محل جذب

نیروهای حامل دوگانگی‌ها و کانون جلب نیروها و جریان‌های سیاسی در حال گذار به یک جمهوری، مبتنی بر دموکراسی، تبدیل شود که پایبندان ثابت‌قدم این هدف در عمل نشان دهند که خواستار و مجری اصل همبستگی و وسیع بین خود هستند.

دوستان!
ما بر آنیم که چراغ تلاش در راه شکل‌گیری اتحاد بین جمهوریخواهان دمکرات طی دو دهه گذشته هیچگاه خاموش نبوده است. اما معتقدیم که به دلیل غفلت‌ورزی‌ها، این تلاش‌ها کارساز نبوده و کارآمد نبوده‌اند. ما به حسن نیت همه آنهایی که در این راه اندیشیده‌اند، ابتکار عمل بخرج داده‌اند و برآمدهای سیاسی معینی را شکل بخشیده‌اند، عمیقاً باورمندیم و از همین روست که تمام این زحمات را به گرمی پاس می‌داریم و اعلام می‌کنیم که همین حرکات جداگانه و غیر هماهنگ خود از عوامل موثر در زمینه‌سازی آن حرکت بزرگی که نیاز امروزین است، قلمداد می‌شوند. ولی، اینک سخن بر سر یک اراده نوین و سترگ است، اکنون، موضوع اینست که جمهوریخواهان دمکرات با تعلق به دیدگاه‌ها و افق‌های اندیشگی گوناگون، با ناسامانی در برنامه‌های اجتماعی، با پیشینه‌های متفاوت و با حمل مسئولیت خود ویژه در قبال هر آنچه که کرده‌اند و یا بازماندن از عمل به آنچه که می‌بایست انجام دهند، ناگزیر در برابر یک انتخاب سیاسی قرار دارند و در استانه یک آزمون تاریخی برای ایفای وظیفه‌ای که رقم‌زننده آینده سیاسی آنهاست، واقع شده‌اند.

یاران!
امروزه ما با تعداد زیادی سازمان‌های چپ دمکرات، ملی دمکرات و نیز دین‌باوران معتقد به مردم‌سالاری و جدایی دین از حکومت و روبرو هستیم. در همان حال با طیف گسترده‌ای از فعالان سیاسی دارای دانش و تجربه در عرصه سیاست و کار سازمان‌گری مواجهیم که فعالیت‌هایشان در بیرون از چارچوب تشکل‌های سیاسی جریان دارد. در صحنه سیاسی کشور ما، کم‌نیستند محافل و نهادهای سیاسی غیر حزبی و یا جریان‌های مطبوعاتی و فکری گسترده‌ای که در راه جمهوری مبارزه می‌کنند و به درجات متفاوت نشان خود را بر روندهای سیاسی کشور دارند. اتحاد گسترده جمهوریخواهان دمکرات، همه این مولفه‌ها و عناصر را می‌باید در برگیرد. در این هدف مشترک، اصل بر جلب است و اراده بر اجتراز از حذف. نیل به هدف اصلی ما آنجا نزدیکتر که اتحاد بزرگ ما اتحاد تشکل‌های سیاسی و فعالان سیاسی دمکرات و جمهوریخواه با یکدیگر باشد.

برپای چنین اتحادی، که وظیفه سنگین آن مقدمات به عهده احزاب و سازمان‌های سیاسی است، بی‌تردید دشوار است، ولی بی‌چوجه

ناممکن نیست هر آینه اراده و ابتکار در این راه پشتوانه و راهنمای کار باشد. به یقین، کار ما آنجا کارستان خواهد افتاد که اینهمه انرژی پراکنده را در یک کانون پتانسیل معطوف به عمل فشرده بسازیم. کاری که با شکل‌گیری «اتحاد جمهوریخواهان» و «سپینار پاریس»، امیدها را افزایش داده است.

دوستان!
ما بر آنیم که باید به درخواست مشترک و سیاست‌های پایهای تکیه کرد و از مطلق‌گرایی در شیوه و راههای رسیدن به هدف دوری جست. به طبع تحقق هر خواستی، بسی درونی موضوع راه نیل به این خواست را پیش می‌کند. اما در همانحال، تقلیل موضوع راه به یک تاکتیک واحد، و از آن بدتر تحت‌الشعاع قراردادن هدف توسط راه رسیدن به آن، نه تنها نقض غرض بلکه فاجعهای است سیاسی که تازه‌ای آن بر پشت تک تک ما فرود می‌آید. دود آن فقط به چشم مردم می‌رود، و سود آن تنها به جیب آن‌هایی که ما را متفرق می‌خواهند. ما می‌توانیم و باید بتوانیم که پیرامون عمومی‌ترین اشتراکاتمان در این سرزنگار تاریخی ویژه، متحد شویم و بر بستر حرکت متحد و در جریان عمل سیاسی، اختلافات را به بحث‌های معطوف به رهجویی و رهبایی به هدف وانیم. تفرقه را تجربه تلخ کرده‌ایم، اتحاد را آزمون شیرین کنیم. تلاش برای هم‌پیوندی اتحادهای به سازگاری با گرفته، یافتن مکانیسم‌هایی برای گردهم‌آمدن وسیع احزاب سیاسی و فعالین سیاسی منفرد در یک جبهه، و سرانجام رهجویی برای همسویی و همکاری جمهوریخواهان دمکرات درون و بیرون کشور، در خدمت چنین آزمون آینده‌سازی قرار دارند.

در این راستا ما فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برگزارکننده کنفرانس اتحادها را پیشنهاد می‌کنیم و همه احزاب، سازمان‌ها و فعالان سیاسی جمهوریخواه دمکرات را به ابتکار مشترک در برگزاری این کنفرانس فرا می‌خوانیم. ما همچنین برآنیم که تلاش برای اتحاد باید با اقدام عملی بسیج نیروی اجتماعی دموکراسی و جمهوریخواهی همراه شود و از این مسیر گذر کند. پیشنهاد ما سازمان‌گری گسترده‌ترین همکاری‌های عملی جمهوریخواهان دمکرات است.

جمهوریخواهان مبارز!
برای خواست مشترک، همراه شویم. وقت را از دست ندهیم و نیاز زمان را به پاسخ برخیزیم. ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در این تلاش مشترک، یار خود بدانید و دست ما را که به سوی شما نزدیک می‌شود، بشارید.

**با امید به اتحاد دموکرات‌های جمهوریخواه
کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۸۲**

فدائیان از «برکناری جمهوری اسلامی» و «استقرار یک جمهوری دمکراتیک، سکولار و فدرال» به جای آن سخن می‌گویند. آنان هم‌چنین «مردمسالاری دینی» آقای خاتمی را توهمی بیش نمی‌دانند. به جای اصلاح از «تحول» رادیکال سخن می‌گویند و در عین بیان خواست خود بر «مسالمت‌آمیز» بودن آن و مخالفت با خشونت، «بر حق مردم در دفاع از خود در برابر سرکوب تأکید» ورزیده‌اند. در سایر موارد نیز سند موضعی بسیار نزدیک به غالب نیروهای اپوزیسیون دمکرات گرفته است و این موضوع در مجموع فاصله‌های این تشکیلات را با اکثریت غالب اپوزیسیون دمکرات کاهش داده و آنان را به یکدیگر نزدیک کرده است.

سند در عین حال در باره نظام جمهوری هم‌چنان موضعی دکماتیک (مذهبی) گرفته و تلوپا مخالفان جمهوری را نادموکرات یا ضد دموکراتیک خوانده است. تکرار و تأکید بیش از حد بر نظام جمهوری، طرح تلوپوچی معادله نادرست «دموکراسی جمهوری، طرح بدون دلیل نادردهای از قبیل این که «جنبش‌های ملی داخل (ایران) جمهوری خواه ... هستند» و کشاندن دعواهای جمهوری و سلطنت به سطح بین‌المللی

«از همه نهادهای بین‌المللی ... می‌خواهیم که از مبارزات مردم ایران برای استقرار جمهوری و دموکراسی حمایت کنند» (آن هم درست در همان سندی که در یک سند دیگر بر جلب حمایت بین‌المللی از «شعارهای فراترندوم ...» تعیین نوع حکومت جایگزین» تأکید شده است. علاوه بر این که ممکن است از نوعی اغتشاش ذهنی حکایت کند از اعتبار سند به عنوان یک خط مشی سیاسی متناسب با شرایط روز که مسئله اصلی دموکراسی است و نه جمهوری) می‌کاهد.

من بارها اشاره کرده‌ام که درگیری بین سلطنت و جمهوری عمدتاً یک مشغله ذهنی خارج کشوری است و اسناد مختلفی را که در ایران صادر شده برای آن گواه گرفته‌ام، از جمله تأکید نیروهای سیاسی داخل کشوری بر جبهه دموکراسی (به جای جبهه جمهوری) است که نمونه‌های آن کم نبوده است. یکی از آخرین این اسناد، بیانیه تحلیلی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر است که تقریباً هم‌زمان با سند خط مشی سیاسی فدائیان اکثریت انتشار یافته است. در این سند که هدف آن «آزادی و استقرار نظام جمهوری» بیان شده است در عین حال، از ضرورت تشکیل یک «جبهه فراگیر دموکراسی» سخن گفته شده است. سند به جای این که ائتلاف را منحصر به جمهوریخواهان بداند می‌گوید که «چنین ائتلافی همه نیروهایی را که منشأ مشروعیت قدرت سیاسی را تنها در رای مردم می‌دانند و معتقدند که هیچ راهی جز انتخابات آزاد برای اعمال اراده مردم وجود ندارد در بر می‌گیرد» و در عین حال اضافه می‌کند که «تسمای گروه‌های جمهوریخواه قاعدتاً از این طریق در رسیدن به آرمان

پیام‌کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به همه آزادگان در بند جمهوری اسلامی

آزادی‌خواهان در بند، مدافعان آزادی!
درد گرم‌کنگره فوق‌العاده سازمان ما بر شما زندانیان سیاسی باد! سیاس فراوان ما نثار همه مدافعان آزادی میهن‌مان که با اعلام اعتصاب غذا به دفاع از دانشجویان و آزادی‌خواهان در بند برخاسته‌اند.

اعضای کنگره فوق‌العاده سازمان ما که در شرایط حساس سیاسی برگزار می‌شود، با اعلام همدردی با زندانیان سیاسی دستگاه زور و سرکوب ولایت فقیه، در روز پایانی کار خود اقدام به اعتصاب غذا کردند تا به مردم ایران و همه جهانیان بگویند که بر کشورشان چه می‌گذرد.

تا بگویند در کشورشان چه‌سان انسان‌های معترض به استبداد و ارتجاع را روانه زندان‌ها کرده و در محکمه‌های حکومت فقه و دین به زندان و مرگ محکوم می‌کنند. ما اعتصاب غذا کردیم تا بگوئیم که در کنار زندانیان سیاسی میهن‌مان هستیم، و همراه همه آن‌هایی گام برمی‌داریم که شجاعانه در زیر سیطره نظام حاکم با دست زدن به اعتصاب غذا اعتراض خود را به زندانبانان به نمایش می‌گذارند.

آزادگان در بند، مدافعان آزادی!

ما بسیاریم، اما تنها آن‌گاد نیرومندیم که در مبارزه و اعتراض علیه آزادی‌کشان

بپاخیزیم، در دفاع از آزادی و دمکراسی از پای ننشینیم و در برابر سرکوب‌ها و

توطئه‌های تفرقه‌کنانه رژیم و هر نیروی دیگر از پای در نیاییم. سازمان ما در کنگره

فوق‌العاده خود با صدایی رسا اعلام داشت که برای تبدیل این نیروی بسیار به قدرتی

متحد در برابر جمهوری اسلامی، از هیچ تلاشی باز نخواهد ایستاد. قدرت ما، در اتحاد

ما است.

با دروهای پرشور به آزادگان در بند و همه مدافعان آزادی!

کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ مهرماه ۱۳۸۲

اطلاعیه اجلاس شورای مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شورای مرکزی منتخب کنگره فوق‌العاده سازمان اولین جلسه خود را با حضور تمامی اعضا و تنی چند از مشاورین، صبح روز یکشنبه ۶ مهرماه ۱۳۸۲ تشکیل داد. در این جلسه انتخاب هیئت سیاسی - اجرایی، انتخاب هیئت رئیسه شورا، انتخاب ارگان‌های ذیربط برای رسیدگی به اسناد کنگره فوق‌العاده و انتشار آنها و بالاخره رسیدگی فوری به بخشی از قرارهای کنگره که شورا را مکلف به رسیدگی فوری کرده بودند در دستور کار قرار گرفت.

انتخاب هیئت سیاسی - اجرایی، بنا بر مصوبه کنگره فوق‌العاده می‌بایست به صورت معرفی یک ترکیب صورت می‌گرفت. پس از مشخص شدن لیست کاندیداهای برای عضویت در این ارگان، تبادل نظر میان اعضای شورا برای تعیین مناسبترین ترکیب آغاز شد و از آن جهت که برای رسیدگی به این امر به وقت بیشتری نیاز بود، انتخاب نهایی هیئت سیاسی - اجرایی به جلسه آتی شورا محول شد. به این ترتیب قرار شد که هیئت سیاسی اجرایی منتخب شورا هفتم تا جلسه آتی شورا مسئولیت رسیدگی به امور سیاسی - اجرایی را بعهده داشته باشد.

از آنجا که انتخاب هیئت سیاسی - اجرایی و هیئت رئیسه شورا پیوند معینی با هم دارند، اولین نشست شورا برای رسیدگی به دستورهای کار و رسیدگی به امور جاری شورا به انتخاب ۳ رقیق به عنوان هیئت رئیسه موقت شورا اکتفا نمود و تعیین ترکیب قطعی هیئت رئیسه خود را به جلسه آتی واگذار نمود.

برای رسیدگی به اسناد کنگره فوق‌العاده و انتشار به موقع آنها تصمیمات لازم اتخاذ و ارگان‌های ذیربط انتخاب شدند. اقدامات مقتضی در مورد قرارهایی که کنگره شورا را مکلف به رسیدگی فوری به آنها کرده بود نیز صورت گرفت.

با دروهای فراوان

هیئت رئیسه موقت شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۰ مهرماه ۱۳۸۲

دموکراسی مشارکت می‌کنند». تفاوت زبان و نوع برخورد این سند به مقوله جمهوری و دموکراسی با سند خط مشی فدائیان اکثریت چشمگیر است.

این که به گفته آقای خلیق پس از این که «آشکار گشت که روند اصلاحات به پایان خود رسیده و اکثریت مردم کشور ما از انجام اصلاحات در محدوده جمهوری اسلامی ناامید و از اصلاح‌طلبان حکومتی و جریان‌های وابسته به نظام رویگردان شده‌اند» فدائیان اکثریت نیز اکنون خط مشی خود را تغییر می‌دهند مغفتم است، و این انعطاف‌پذیری به نفع سازمان خواهد بود. ولی یک سازمان سیاسی وقتی موفق (تر) است که در صف مقدم مردم خود حرکت کند و نه به دنبال آنان، نقش رهبری داشته باشد و نه دنباله‌رو! فدائیان اکثریت با موضوعگیری‌های چندساله اخیر خود، و از جمله در کنگره هفتم و انتخابات شوراهای اسلامی، نشان داده‌اند که دماسنج سیاسی آنان خیلی قوی نبوده است. در عمق بن بست جنبش اصلاحی به حمایت از آن برخاستند، و اعلامیه انتخاباتی ۹ اسفند آنان روزی منتشر می‌شد که دفتر تحکیم وحدت خروج خود را از جنبش دوم خرداد اعلام می‌کرد. اکنون نیز تأکیدات دکماتیک آنان بر جبهه جمهوری (در برابر جبهه دموکراسی) هم‌زمان با بیانیه یک جریان جمهوریخواه دیگر داخل کشوری یعنی انجمن دانشجویی امیرکبیر نشر می‌یابد که زبانی دموکراتیک‌تر و واقع‌بینانه‌تر دارد. آیا این تجربه‌ها آن قدر آموزنده خواهد بود که این سازمان در آینده نقش پیشرو و واقع‌بینانه‌تری در صحنه سیاسی کشور ایفا کند؟ زمان پاسخ این سؤال را خواهد داد.

چرخش کیفی در نگرش فدائیان اکثریت
به جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱۰

هواداران خود زنده نگه دارند. آنان نتوانستند کوچکترین نشانه‌ای از توان خود در شکستن بن‌بست اصلاحات نشان دهند. گذر زمان، هر چه بیشتر قدرت نیروهای مخالف اصلاحات و عجز نیروهای اصلاحی در مقابله با آنان را به نمایش گذاشت. نتیجه امر روشن بود: ریزش تدریجی نیروهای بدنه اجتماعی اصلاحات و سرخوردگی عمومی مردم از این جنبش. در عین حال، برخی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون که در گذشته از جنبش اصلاحی حمایت می‌کردند هنوز به ادامه آن دل بسته بودند و به حمایت مشروط خود از آن ادامه می‌دادند.

از جمله فدائیان اکثریت نه فقط در کنگره پیشین خود که اوایل سال گذشته تشکیل شد، سیاست خود را بر «تغییر قانون اساسی برای حذف ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، طرد نهادهای انتصابی و دموکراتیزه کردن نهادهای

انتخابی» قرار داده بود - و به عبارت دیگر، هنوز این تغییرات را در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن می‌دانست - و بلکه در اواخر سال نیز جزو گروه‌های سیاسی معدودی بود که مردم ایران را به شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شایر فرا خواند. این دعوت البته با پاسخ مثبتی روبرو نشد و بلکه تحریم وسیع انتخابات از سوی مردم در کلانشهرها بزرگترین نشانه رویکردانی مردم از کلیت جمهوری اسلامی و مکانیزم‌های انتخاباتی در درون این جمهوری بود. این واقع، به نوبه خود به صورت زنگ خطری بسیاری از توهمات را در هم شکست و مهر خستی بر جنبش اصلاحی در درون ساختار جمهوری اسلامی زد.

به هر صورت، خط مشی جدید فدائیان اکثریت گرچه کمی دیر انداخته شده مغفتم است و باید از آن استقبال کرد. در این خط مشی،

پیام‌های احزاب، سازمان‌ها و تشکل‌های ایرانی به کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

توضیح

متأسفانه متون کتبی پیام‌ها و سخنرانی‌های ایرادشده توسط هیئت‌های نمایندگان حزب دمکرات کوردستان ایران، سازمان جمهوری خواهان ملی ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران، تا هنگام چاپ نشریه به دستمان نرسید.

پیام اجراییه سازمان

اتحاد فدائیان خلق ایران

به اعضای شرکت‌کننده

در کنگره فوق‌العاده سازمان

فدائیان خلق ایران - اکثریت

رفقا و دوستان گرامی!

برگزاری کنگره فوق‌العاده را به شما تبریک گفته و امیدواریم که مصوبات این اجلاس، در راستای گسترش مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، زمینه‌های همکاری و اتحاد بین نیروهای مترقی و چپ را فراهم سازد.

اجلاس کنگره فوق‌العاده شما در زمانی برگزار می‌گردد که شرایط داخلی و بین‌المللی بسیار تحول یافته است. شکست پروژه اصلاح‌طلبان حکومتی و بن‌بست کامل رژیم جمهوری اسلامی، جنبش توده‌های را امروز بیش از هر زمان دیگر به جستجوی راه‌هایی خارج از نظام جمهوری اسلامی ایران کشانده است.

متأسفانه در این شرایط فقدان یک آلترناتیو دموکراتیک و مترقی، یکی از مهم‌ترین کاستی‌های جنبش مردم می‌باشد و امروز وظیفه نیروهای سیاسی یافتن پاسخی درخور به این کاستی است. به اعتقاد ما اتخاذ یک سیاست روشن در مقابل رژیم جمهوری اسلامی به مثابه مانع اصلی تحقق دموکراسی در ایران، مهم‌ترین گام شما در این کوشش است.

ما امیدواریم که کنگره شما بتواند در نطفی قاطع کلیت نظام جمهوری اسلامی و در راستای تقویت آلترناتیوی دموکراتیک، لائیک و ترقی‌خواه جهت‌گیری کند. آلترناتیوی که در برابر دیگر جایگزین‌های ارتجاعی، از جمله سلطنت، بتواند از اعتماد توده‌های برخوردار گشته و پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، پاسخ‌گویی مطالبات آزادی‌خواهانه، دموکراتیک و عدالت‌جویانه توده‌های مردم باشد.

ما در این راه موفقیت شما را آرزو مندیم.

هیات اجراییه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
اول مهر ماه ۱۳۸۲

پیام کمیته مرکزی

حزب توده ایران

به کنگره فوق‌العاده سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم‌ترین درودهای اعضا و هواداران حزب توده ایران را به شما نمایندگان حاضر در کنگره و از طریق شما به اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تقدیم می‌کند. قبل از هر چیز به خاطر دعوت صمیمانه از حزب ما برای حضور در این نشست، تشکر کرده و در جهت سیر موفق کار و مباحثات کنگره و دست‌آوردهای آن برای شما آرزوی موفقیت می‌کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اکنون

بیش از سه دهه است که در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه کرده و در این راه فداکاری‌های زیادی از خود نشان داده است. و علی‌رغم پیگردها و سرکوب‌های خونین و دادن قربانیان زیاد به خاطر سعادت مردم میهن ما، همچنان با وفاداری به آرمان‌های انسانی به پیکار خود بر ضد استبداد و ارتجاع ادامه می‌دهد.

حزب توده ایران در طول این تاریخ، برغم اختلاف نظر در شیوه و شکل مبارزه، به رغم تفاوت در دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی، همواره به پیکار فدائیان خلق به دیده احترام نگریسته است. و درست به خاطر این شناخت از سازمان شما است که همواره تلاش کرده، به سهم خود با برداشتن سد‌ها و موانع موجود با شما به گفتگو بنشیند و در راه پیدا کردن زمینه‌های مشترک همکاری گام بردارد....

امروز به ارزیابی از کارنامه شش ساله دولت خانی، با قاطعیت می‌توان گفت که نظریه امکان استحاله و اعتقاد به اصلاح‌پذیری رژیم ولایت فقیه با شکست کامل روبرو شده است. به بن‌بست رسیدن روند اصلاحات هم‌چنین شاهدهی است بر این نظر که با حفظ رژیم ولایت فقیه، آن گونه که زمانی رهبران جبهه دوم خرداد ابراز می‌کردند، نمی‌توان به آزادی، جامعه مدنی و حکومت مردم‌سالار دست یافت. عقیم ماندن تلاش‌های خاتمی و هم‌فکران او برای تعدیل اساسی سیاست‌های سرکوبگرانه و شکستن بن‌بست انحصار حاکمیت توسط مشتی تاریک‌اندیش و مزدوران مسلح و نیمه مسلح آنان نیز نشان داد که نمی‌توان در چهارچوب ساختار موجود ولایت فقیه انتظار تحولاتی جدی و بنیادین داشت.

تحولات سیاسی سال‌های گذشته بار دیگر بر این تحلیل مهر تایید زد که مبارزه در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» مهم‌ترین صحنه مبارزه برای برون‌رفت از بحران همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. ما در سال‌های اخیر با تکیه بر ضرورت سازمان‌دهی جنبش توده‌های و نیروهای اجتماعی معتقد بودیم که سرنوشت جنبش و مبارزه در راه ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در میهن ما ارتباط ناگسستی با تلاش واحد همه نیروهای سیاسی معتقد به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد و باید همه تلاش‌ها را متوجه این امر کرد.

رفقای عزیز!

حزب توده ایران با شناخت از مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پیکار فدائیان در سه دهه گذشته در راه آزادی و استقلال و برای برقراری عدالت اجتماعی در میهن ما، خواهان ایجاد روابط نزدیک‌تر برای فعالیت‌های مشترک، در جهت یاری رساندن به مبارزه خلق‌های میهن‌مان است. حزب ما با آگاهی به وجود تفاوت در دیدگاه‌ها، بر سر این یا آن موضوع در گذشته و حال، هم‌چنین معتقد است که برای تحقق بخشیدن به خواست‌های برجسته زحمتکشان و مبارزه با ارتجاع و استبداد، حزب و سازمان می‌تواند بر اساس نکات مورد توافق از جمله مبارزه برای رهایی میهن از بندهای استبداد «ولایت فقیه» گام‌های عملی و جدی بردارند.

حزب ما بر این باور است که با وجود بحران همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف جامعه و بحران نظام، و ضرورت تاخیرناپذیر تحولات بنیادین و تامین حقوق و خواسته‌های مردم، تا زمانی که ضعیف‌سازی جنبش و نیروهای آزادی‌خواه و مترقی را عدم سازمان‌یافتگی و نبود یک برنامه مشخص مبارزاتی مشترک تشکیل می‌دهد، دست‌یابی به تحولات بنیادین، امری است غیرممکن. به اعتقاد ما احزاب و سازمان‌های چپ ایران باید با اتحاد خود نقش موثری در حوادث و رویدادهای کشور داشته باشند. اگر این احزاب و سازمان‌ها بتوانند به پراکندگی و دشواری‌های امروز خود غلبه کنند، بی‌شک با اتکا به پایگاه وسیع اجتماعی خود در بین توده‌های کار و زحمت، و ناراضی‌های عمیق توده‌ها نسبت به رژیم، یکی از نیروهای عمده تحولات میهن خواهند بود. با چنین درک و

ضرورت درنگ‌ناپذیری است که حزب توده ایران با طرح «منشور آزادی» و پیش‌نیاد تشکیل «جبهه واحد ضد دیکتاتوری» از همه نیروهای آزادی‌خواه و دمکراتیک کشور برای مبارزه مشترک و همه‌جانبه بر ضد رژیم استبدادی دعوت کرده است، و آمادگی خود را برای گفتگو و مذاکرت دو جانبه و چند جانبه بین احزاب و سازمان‌های مردمی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده است. ما این امر را یک وظیفه ملی و میهنی می‌دانیم و بر این باوریم که پیروزی ما در گرو اتحاد ماست!

رفقای گرامی!

اجازه دهید که در پایان، یک بار دیگر برای کنگره فوق‌العاده سازمان، در یافتن راه‌حل‌های مناسب جهت تشدید فعالیت و تقویت صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آرزوی موفقیت می‌کنیم. با درودهای فراوان به خاطر داناتانک شهدای فدایی و همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن.

برقرار باد اتحاد تمام نیروهای آزادی‌خواه و مردمی در راه تشکیل یک جبهه واحد برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

با درودهای صمیمانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳ مهر ماه ۱۳۸۲

پیام کمیته مرکزی کومه‌له

به کنگره سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا و دوستان گرامی ضمن تشکر از این که ما را به کنگره خودتان دعوت نموده‌اید، برای همه شما نمایندگان و برای کنگره‌تان آرزوی موفقیت داریم. امیدواریم این کنگره فصل جدیدی از مبارزه شما بر علیه استبداد جمهوری اسلامی بگشاید و تلاش همه‌جانبه‌ای در راه استقرار دموکراسی و آزادی سیاسی در ایران از آن حاصل آید.

امروزه مبارزات مردم ایران وارد دوره نوین و حساسی از حیات سیاسی جامعه ما گردیده است. از یک طرف حاکمیت استبدادی و ارتجاع عقب‌زدیت این رژیم با همه معیارهای انسانی و اصول اولیه حقوق بشر را به اثبات رسانده است و هر نوع بزک کردن چهره این جناح و آن فرد رژیم، علیرغم اختلافات و جدالشان با هم، به دلیل این که اصل حکومت اسلامی، و در نتیجه استبداد را محفوظ می‌دارند، تنها و تنها انزوا را نصیب صاحبان چنین دیدگاه‌های نموده و خواهد نمود. در عین حال ما بر این باوریم که اختلافات درون حاکمیت در ایران مسأله‌ای بسیار جدی از نظر یک حزب جدی با پایگاه اجتماعی است و چنین حزبی نمی‌تواند راجع به تحولات سیاسی در ایران بی‌توجه بوده و تنها به شعارهای کلی اکتفا نماید و امکان اتخاذ تاکتیک‌های مناسب را از خود سلب نماید. گرچه جنبش برای اصلاحات در ایران یک مسأله جدی است ولی مردم با تکیه بر تجربه و آزمون این چند ساله به تدریج جنبش خود را از دایره تنگ اصلاح‌طلبی دولتی به درآورده و به این اعتقاد می‌رسند که هیچ نوعی اصلاح و تغییری جدی که دری به روی دموکراسی بگشاید بدون رفتن این سیستم و این رژیم ممکن و مقدور نیست. همچنین سطح آگاهی و توقعات مردم، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و خلق‌های ایران به لحاظ آزادی‌های سیاسی، عدالت اجتماعی و حقوق برابر و انسانی‌شان بسیار فراتر از دوران قیام مردمی سال ۱۳۵۷ است.

این شرایط وظایف و تکالیف جدیدی بر دوش همه خواهان آزادی و دموکراسی و همه نیروهای خواهان ترقی و عدالت و برابری، قرار

می‌دهد. هر نوع تردید و توهم در مبارزه باکلیت این رژیم برای هر نیرویی در اپوزیسیون مرگبار است و به زیان جنبش انقلابی و مردمی خواهد بود و اتحاد عمل و همکاری اپوزیسیون مترقی را با مخاطره روبرو می‌سازد. وظیفه مهمی که اکنون در مقابل همه ما قرار گرفته است، ایجاد ظرف و زمینه‌ای است که بتواند علیرغم تنوع و گوناگونی آرا و راه‌کارهای سیاسی در میان نیروهای مترقی و خواهان آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، بر اشتراکات و توافقات عمومی تاکید نماید. از نظر ما امر مبارزه برای آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک به عنوان محور تغییر و پیشرفت در جامعه ما انکارناپذیر است و تحقق جبهه‌ای متحد برای دموکراسی در صدر تلاش‌های همگی ما باید قرار گیرد. ما در کنفرانس هشتم کومله بر این مهم پای فشرده و اصول جدایی‌دین از دولت و همه نهادهای حاکمیت و آموزشی، برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تامین حقوق کامل ملت‌های ایران و پذیرش ساختار فدرالیستی در ایران و پذیرش پلورالیسم و آزادی‌های سیاسی در وسیع‌ترین شکل موجود آن در دنیای امروز، می‌تواند پایه‌های اصلی چنین پلتفرمی برای اتحاد دموکراسی در ایران باشد.

ما بر این اعتقادیم که احزاب سیاسی جدی باید در مقابل عملکرد و سیاست‌هایشان، شفاف، مسئول و پاسخگو به مردم باشند. برعکس تصورات اولیه تنها در این صورت است که می‌توانند اعتماد مردم را به عنوان احزاب جدی به خود جلب کنند. صمیمانه آرزو داریم که کنگره شما در راستای پربار کردن جنبش آزادی‌خواهانه مردم به پیش‌گام بردارد.

کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان انقلابی زحمتکشان
کردستان ایران - ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳

پیام به کنگره فوق‌العاده

سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت)

رفقای گرامی!

برگزاری کنگره سازمان را به شما تبریک می‌گوییم و آرزوی نشستی پربارتر برایستان داریم. کنگره شما در حالی برگزار می‌شود که کشور و منطقه ما در شرایط بحرانی و حساسی به سر می‌برند.

منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در نتیجه سیاست‌های محافل جنگ‌طلب در آمریکا و انگلیس و اسرائیل از یک سو و حکومت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی ایران، رژیم صدام حسین و سازمان‌های بنیادگرای همچون حماس از دیگر سو در ورطه بحران فرو رفته است. جنگ‌طلبان آمریکایی و انگلیسی با تکیه بر قدرت عظیم نظامی در تلاش‌اند تا نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد را به شکل دلخواه خود درآورند، به گونه‌ای که در این نظام سروری با گروه‌های قدرتمند آمریکایی - انگلیسی باشد. این محافل نشان داده‌اند که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی - اقتصادی خود حاضرند خواسته میلیون‌ها انسان صلح‌دوست را زیر پا گذارند، سرمایه‌های مالی و جانی هنگفتی را خرج ماشین جنگی خود کنند، سازمان ملل متحد را بی‌اعتبار سازند و به هیچ نظام و قانون و نهاد بین‌المللی وقعی ننهند....

در برابر این جنبش دگرگون‌سازی و در قبال وضعیت حساس کنونی، مسئولیت مهمی بر دوش چپ دموکراتیک ایران است. آنچه نیروهای دمکرات و مترقی را از دین‌سالاران واپس‌گرا متمایز می‌سازد، درونمایه فلسفه سیاسی آن‌ها است. چپ دموکراتیک وظیفه‌مند است که در راه تحقق حقوق کامل شهروندی و حضور همه شهروندان ایرانی در ساخت و بافت

مدیریت جامعه و برای استقرار یک جمهوری واقعی پارلمانی سهم شایسته خود را ادا کند. از نظر ما نباید قدرت در هیچ زمینه‌ای فراتر از رای و شخصیت آزاد مردم باشد. از آنجا که مردم ما از دوره باستان تا به امروز ناگزیرانه یا به غفلت اسیر «رهبران فرهمند خداگونه» بوده‌اند، باید با همه توان رای جلوگیری از تکرار بازی بی‌اراده «رهبری فرهمند» مذهبی و غیرمذهبی که در تاریخ ایران ریشه دارد، «ولایت فقیه» آن است که همانند کشورهای آمریکای لاتین و جمهوری‌های سابق شوروی، «نسخه‌گانی» که به سازمان‌ها و شرکت‌های فراملی چشم دوخته‌اند، جانشین ولایت فقیه شوند. البته چنین بینشی به هیچ‌وجه به معنای از دست دادن لحظه‌ها، فرصت‌ها و فریادها نیست. مرحله‌ای نیست. مهم آن است که چه دموکراتیک ایران یا داشتن بینشی راهبردی از ذوب شدن در بازی‌های سیاسی جناح‌های حکومتی و یا نیروها متکی بر قدرت‌های بزرگ جهانی بپرهیزد. در همین رابطه ساماندهی فلسفه سیاسی چپ بر اساس مقوله‌های روشن و شفاف و شناخت درست جامعه اساسی‌ترین وظیفه برای برداشتن گام‌های درست است.

امیدوارم که گفتگوها و تصمیم‌های این کنگره به سازمان شما توان و نیروی افزونتری در پیشبرد مبارزات دموکراتیک مردم ایران برای تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی ارزانی دارد.

هیات نگارندگان «نعرش»
شعبه ۱۳۸۲

پیام کمیته دفاع از حقوق بشر

در ایران - نوز

خانم‌ها، آقایان

نمایندگان محترم کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) میهمانان ارجمند و گرامی سلام‌های گرم دوستان خود را در (کمیته نوران) کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - نروژ را پذیرا باشید.

حضور وسیع میهمانان ارجمند، نمایندگان احزاب و سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی، فعالین سیاسی و اهل قلم و اندیشه، اهمیت و حساسیت کنگره فوق‌العاده شما را بویژه در شرایط حساس کنونی نشان می‌دهد.

کمیته نوران موفقیت شما را در جهت تدوین و تصویب راهبردی که خواست‌های برحق مردم شریف ایران، بویژه اجرائی کامل منشور جهانی حقوق بشر در ایران را هموار نماید، آرزو دارد. دوستان گرامی، حکومت دینی ایران با نقض آشکار حقوق شهروندان ایرانی و عدم اعتنا به معاهدات بین‌المللی از جمله حقوق زنان و کودکان با عدم الغای حکم سنگسار که یکی از شنیع‌ترین و وحشیانه‌ترین احکام علیه بشریت است و بویژه پرهیز از تکمیل به معاهده عدم توسل به شکنجه و بی‌توجهی به ابتدایی‌ترین حقوق شهروندان ایرانی، باعث نگرانی عمیق مجامع و سازمان‌های جهانی مدافع حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین‌المللی واحد نروژ شده است.

دوستان گرامی - ما ضمن ارج نهادن بر تلاش‌های سازمان شما در افزایش هر چه بیشتر نقض حقوق بشر در ایران پیشنهاد داریم که در قطع‌نامه‌های جداگانه از همه اعضا و هواداران خود هم‌چنین از همه آزادی‌خواهان و فعالین حقوق بشر در ایران و جهان بخواهید در فشار آوردن بر حکومت دینی در ایران در جهت آزادی همه زندانیان عقیدتی - سیاسی لحظه‌ای دریغ نورزند.

کمیته نوران
کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران نروژ
۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳ - ۵ مهر ماه ۱۳۸۲

چرخش کیفی

در نگرش

فدائیان اکثریت

به

جمهوری اسلامی

دکتر حسین باقرزاده

برگرفته از نشریه اینترنتی ایران امروز

کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که هفته گذشته در برلین برگزار شد سند خط مشی سیاسی جدیدی را به تصویب رسانده است که نشانگر یک چرخش کیفی در نگرش آنان به جمهوری اسلامی و پذیرش نفی کلیت آن و از جمله «دموکراسی دینی» آقای خاتمی است. این چرخش در دیدگاه فدائیان اکثریت از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌تواند در تقویت نیروهای سیاسی چپ و ملی به یکدیگر نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. کنگره فوق‌العاده یک سال و نیم پس از کنگره هفتم سازمان برگزار می‌شد که در آن به گفته آقای بهروز خلیق، بر «شالوده استراتژی اصلاحات» تأکید شده بود. در اسناد این کنگره و فعالیت‌های بعدی آن، سازمان هم‌چنان بر حمایت از جنبش دوم خرداد و روند اصلاح طلبی حاکم ادامه می‌داد. اکنون وبه تعبیر آقای خلیق چون «در این فاصله آشکار گشت که روند اصلاحات به پایان خود رسیده و اکثریت مردم کشور ما از انجام اصلاحات در محدوده جمهوری اسلامی ناامید و از اصلاح‌طلبان حکومتی و جریان‌های وابسته به نظام رویگردان شده‌اند» سازمان لازم دیده است با تشکیل یک کنگره فوق‌العاده خط مشی خود را تغییر دهد. این اقدام در حد خود تحسین‌آمیز و حاکی از انعطاف‌پذیری سازمان در برابر شرایط متحول جامعه ایران است.

سازمان فدائیان اکثریت شاید بزرگترین گروه سیاسی خارج از حاکمیت باشد که هم‌چنان به جنبش اصلاحی پای‌بند ماندن بود و از آن حمایت می‌کرد. البته برای بسیاری از ناظران سیاسی و گروه‌های دیگر اپوزیسیون، شکست جنبش اصلاحی از مدت‌ها پیشتر از یک سال و نیم گذشته آشکار شده بود و به طور مشخص علایم آن را از متعلق گشایش مجلس ششم جمهوری اسلامی در بهار و تابستان ۱۳۷۸ دنبال می‌کردند. آن زمان، نگارنده این ستور در آبان ماه همان سال در گفتاری که در دو جلسه در فرانکفورت و کلن (آلمان) ایراد شد استدلال کرد که جنبش اصلاح طلبی به بن‌بست رسیده است و راه برون‌رفتی چیز شکستن ساختار جمهوری اسلامی برای آن باقی نمانده است. این سخنان در آن سلسله‌ای از سوسو برخی از اعضا و هواداران سازمان اکثریت به چالش کشیده شد. و متقابلاً بر این نظر تأکید گردید که جنبش اصلاحی هنوز قابلیت دوام دارد و از سوی برخی استدلال می‌شد که برای حمایت از جنبش اصلاحی باید به پای بسیج نیروها در پشتیبانی از انتخاب آقای خاتمی به دور دوم ریاست جمهوری که چندین ماه بعد برگزار می‌شد رفت.

انتخاب آقای خاتمی برای دور دوم در میان علایم فراوان بن‌بست جنبش اصلاح طلبی برگزار شد. بخش عمده‌ای از مردم به پای صندوق‌های رای نرفتند و بخش دیگری نیز تنها به دنبال شایعات نادرستی که از پیروزی احتمالی یکی از رقبای محافظه‌کار ایشان خبر می‌داد به صندوق‌ها هجوم آوردند. ولی تقریباً همه دیدند که انتخاب مجدد آقای خاتمی تغییری در شرایط سیاسی ایران نداده است و در هم‌چنان بر پاشنه پیشین خود می‌چرخد. مجلس اصلاح طلبان که با تسلیم در برابر «حکم حکومتی» آقای خامنه‌ای از آغاز فلج شده بود جز تصویب لویجی که از خان شورای نگهبان نمی‌توانست بگذرد و بلندکردن صدای اعتراض خود کاری نمی‌توانست کرد. قوه قضاییه هم‌چنان به سرکوب مطبوعات ادامه می‌داد. دانشجویان و دگراندیشان و فعالان سیاسی دیگر هم‌چنان اسیر زندان و شکنجه‌گاه‌ها مانده بودند و موج اعدام و شلاق و خسرونت‌های دیگر ادامه داشت. و در قوانین و سیاست‌های زن‌ستیزانه و تبعیض‌آمیز و ستیمارانه جمهوری اسلامی تغییری داده نشد.

در این فضا، البته اصلاح طلبان حکومتی هم‌چنان بر طبل اصلاحات می‌کوبیدند تا شاید بتوانند امید به تغییرات اصلاحی را در بین ادامه در صفحه ۹

پرامون نخستین کنگره فوق‌العاده

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دلایل برگزاری کنگره فوق‌العاده و موفقیت‌های آن

بهروز خلیق

برگرفته از نشریه اینترنتی اخبار روز

فرو کاغد. ولی فرمول پیشنهادی این گرایش پذیرفته نشد. سند کنگره ششم و هفتم بر پایه استراتژی اصلاحات مدون گشته بود. اما سند این کنگره بر اساس استراتژی تحول تدوین شده است. در سند قید شده است که بر بستر جنبش اصلاح طلبانه و بر پایه مطالبات مردم و ذهنیت آنها و حرکات اعتراضی در جامعه و حضور جنبشهای اجتماعی زمینه‌تکوین جنبش تحول فراهم آمده است. این جنبش در بیرون از حکومت بوده و از خلصت آلترناتیو برخوردار است و بدیل حکومت تکویناتیک می‌باشد.

۱ - سند سیاسی که کمیسیون منتخب کنگره هفتم اکثریت تدوین و انتشار داده بود، بر شالوده استراتژی اصلاحات و در شرایط سیاسی متفاوت از امروز به تحریر در آمده بود و نمی‌توانست پاسخگوی مسائل سیاسی امروز باشد. شرایط سیاسی کشور بعد از کنگره هفتم تغییر یافته است.

۲ - در این فاصله آشکار گشت که روند اصلاحات به پایان خود رسیده و اکثریت مردم کشور ما از انجام اصلاحات در محدوده جمهوری اسلامی ناامید و از اصلاح طلبان حکومتی و جریان‌های وابسته به نظام رویگردان شده‌اند.

۳ - وضعیت سیاسی جدید ایجاب می‌کرد که نگاه ما به صحنه سیاسی کشور و منشی سیاسی ما بعد از نافرجامی اصلاحات و رویگردانی اکثریت مردم از اصلاح طلبان حکومتی تدوین گردد. ۴ - اوضاع سیاسی کشور از اکثریت می‌طلبید که بر فعالیت سیاسی - سازمانی خود بیفزاید تا بتواند در روند تحولات سیاسی کشور موثر افتد. این کار مستلزم سازماندهی جدید است.

۴ - برای ایجاد نهادمند کردن زندگی درون سازمانی و ارتقا نقش کادرها در حیات سازمان ضروری بود که برخی مواد اساسنامه‌ای در کنگره تصویب گردد.

۵ - کنگره فوق‌العاده به چهار موضوع مزبور پرداخت و در هر مورد سند و قراردادی لازم را به تصویب رساند.

سند سیاسی

کنگره فوق‌العاده ابتدا به کلیات سندی که از جانب کمیسیون منتخب شورای مرکزی تدوین شده بود، رای تمایل داد و آن را در اختیار کمیسیون منتخب خود قرار داد. کمیسیون تک تک پیشنهادهای ارائه شده را مورد رسیدگی قرار داد و سند را در اختیار کنگره گذاشت. سند سیاسی با رای نسبتاً بالا به تصویب کنگره رسید.

سند سیاسی مصوب کنگره فوق‌العاده حاوی نکاتی است که در برخی وجوه، آن را با اسناد قبلی متمایز می‌سازد:

۱ - در سند کنگره قبلی حذف ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و تغییر قانون اساسی به‌مثابه هدف استراتژی اعلام شده بود. در حالیکه در سند مصوب کنگره فوق‌العاده بر استقرار جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال بعنوان هدف استراتژی در مرحله فعلی تأکید شده است. سند شرط ضرور تحقق چنین هدفی را برکناری جمهوری اسلامی به‌مثابه سانع اصلی برقراری دموکراسی دانسته است. ۲ - در این سند حذف ولایت فقیه و تغییر ساختار قدرت بعنوان سیاست‌کننده‌ترین و نافذترین شعار در مبارزه علیه جمهوری اسلامی تلقی گردیده است. از دیدگاه سند حذف ولایت فقیه همچنان خلصت بسیج‌گری و فراگیری خود را حفظ کرده و لذا می‌بایست در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نیز حمله را متوجه آن کرد. رویدادهای یکسال اخیر بر کانونی شدن مبارزات سیاسی در کشور حول حذف ولایت فقیه دلالت دارد.

گرایش‌های در کنگره وجود داشت که می‌خواست شعار حذف ولایت فقیه را از جایگاهی که اشاره شد، به یک شعار معمولی

کنگره فوق‌العاده سازمان اکثریت

پایان حمایت از مشی اصلاح رژیم اسلامی

همایون فرزاد

برگرفته از نشریه اینترنتی اخبار روز

حال در آستانه دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری، اکثریت سازمان اکثریت هنوز تا به آن اندازه به جریان اصلاحات و خاتمی‌امیدوار بود که اعلام کند به محمد خاتمی رای خواهد داد. به جز دوران کوتاه اوایل انقلاب، این برای نخستین بار بود که سازمان اکثریت رای خود را به نفع نماینده‌ای از حکومت اسلامی به صندوق می‌ریخت. این تصمیم حاصل توافق جناح راست با بخشی از چپ‌گرایان بود که با مخالفت اقلیتی از این سازمان که میزان آن به درستی معلوم نشد روبرو گردید. باز برای نخستین بار در تاریخ این سازمان، جناح اقلیت رهبری با انتشار بیانه جداگانه‌ای، منشی اکثریت سازمان را مورد انتقاد قرار داد و اعلام کرد از شرکت در انتخابات و رای‌دادن به محمد خاتمی خودداری خواهد کرد.

ناکامی‌های پی در پی اصلاح طلبان و نداشتن قاطعیتی که اکثریت از رئیس جمهور تقاضا می‌کرد، تردیدها نسبت به چنین تصمیمی را از همان فردای روز هیجدهم خرداد ۸۰ آشکار کرد. با این حال سازمان اکثریت، جزو متاخرترین نیروهای بود که به شکست اصلاحات باور می‌آورد. سقوط سریع روند اصلاحی در ایران، به این سازمان هیچ‌گاه فرصت نداد سیاست چنانچه‌اری از خاتمی در انتخابات سال ۸۰ را پیگیری کند. سازمان اکثریت سیاست شرکت در انتخابات را مورد انتقاد قرار نداد، اما آن را بی‌سر و صداکنار گذاشت و با گسترش بی‌اعتمادی عمومی نسبت به جریان اصلاح طلب، مشی سیاسی خود علیه محمد خاتمی را تندتر کرد.

چند ماه بعد از این انتخابات، و به ویژه همراه با گسترش اعتراضات دانشجویی در آذر ماه سال ۸۱ که آشکارا شد روشنفکران و دانشجویان، امید خود نسبت به جریان اصلاحی را کاملاً از دست داده‌اند، در میان آن بخش از رهبران اکثریت که به طور سنتی به جناح چپ این سازمان تعلق داشتند، این فکر قوت بیشتری گرفت که مشی اصلاحات به پایان راه رسیده است. اما هنوز واقعه مهمی نظیر انتخابات اسفندماه شوراها اعلامی لازم بود که سازمان اکثریت شهادت اعلام چنین نظرانی را در خود بیابد. این سازمان که سیاست شرکت در انتخابات شوراها را برگزیده بود، برای دومین بار نسبت به رفتار رای‌دهندگان کاملاً غافلگیر شد.

انتخابات شوراها، بخش بزرگی از اکثریت را مصمم کرد که ادامه مشی حمایت از اصلاح طلبان، به شکست‌ها و غافلگیری‌های بزرگتری برای این سازمان منجر خواهد شد. علیرغم پافشاری جناح راست‌گرا بر ادامه حمایت از اصلاحات، جناح چپ این سازمان برای اعلام سیاست قاطعانه‌تری که بیانگر دوران تازه بعد از دوم خرداد باشد، به هم نزدیک‌تر شد. شکاف میان جناح راست و بخشی از چپ‌گرایان با بخش دیگری از چپ‌گرایان که در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۰ وجود آمده بود، به جای همیشگی خود منتقل گردید.

کنگره فوق‌العاده سازمان اکثریت که در اوایل ماه جاری برگزار شد، این سازمان را بار دیگر همانند اکثریت بزرگ مردم ایران به همان نقطه پیش از دوم خرداد و نتیجه‌گیری اصلی آن باز گرداند: این رژیم اصلاح‌شدنی نیست! کنگره فوق‌العاده با اعلام این که «جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد دیگر به گذشته تعلق ندارد»، «برکناری جمهوری اسلامی به‌مثابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور» را راهبرد اصلی خود اعلام کرد.

آیا سازمان اکثریت خواهد توانست این سیاست را بطور پیگیرانه‌ای تعقیب کند؟ تقریباً هم‌زمان با این کنگره، مشهورترین چهره جناح رفرمیست این سازمان بار دیگر ضرورت تحول در چارچوب نظام جمهوری اسلامی را مورد تأکید قرار داد است. تردیدها در این زمینه، تنها از فعال‌شدن دوباره اختلافات قدیمی در این سازمان که معمولاً مانع از صراحت آن در اتخاذ یک خط مشی روشن می‌شود، ناشی نمی‌گردد. اپوزیسیون نظام اسلامی، تحت تأثیر عوامل نیرومند بین‌المللی که بیش از پیش با سیاست داخلی در کشور ما در هم می‌آمیزند، در آستانه یک تجدید صف‌آرایی است. تجدید صف‌آرایی که شاید نخستین نشانه‌های آن در کنگره فوق‌العاده سازمان اکثریت هم قابل مشاهده بوده است. این تجدید صف‌آرایی چه بسا، جناح‌بندی‌های سابق را دگرگون سازد و شرایط تازه‌ای را پدید آورد که از امروز خیلی قابل پیش‌بینی نیست.

اما یک نکته را می‌توان از همین حالا مورد تأکید قرار داد: انتخابات مجلس شورای اسلامی هفتم، نخستین آوردگاه اکثریت با سیاست جدید خود خواهد بود.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مثل همه احزاب و سازمان‌ها و حتی افراد سیاسی، در دوم خرداد ۷۶ غافلگیر شد. هنوز مدت زیادی نبود که این سازمان خود را از مباحثات طولانی در باره دولت هاشمی رفسنجانی و چگونگی موضع‌گیری نسبت به او رها ساخته و نسبت به خط مشی برکناری رژیم اسلامی یک‌دست‌تر می‌شد که گرفتار طوفان دوم خرداد گردید. اکثریت از جمله طیف بسیار وسیعی از سازمان‌ها و احزابی بود که انتخابات دوم خرداد را تحریم کرده بودند. این سازمان اما از جمله نخستین سازمان‌هایی بود که با پیروزی اصلاح طلبان در دوم خرداد متوجه تغییر شرایط سیاسی کشور شد و در صدد اصلاح مشی سیاسی خود مطابق با این تغییرات برآمد. در همان نخستین ماه‌های بعد از دوم خرداد، این سازمان با انتشار نامه سرگشاده‌ای به محمد خاتمی رئیس جمهور جدید، خواهان تضمین فعالیت آزادانه خود در ایران شد. این نامه، همانند صدها نامه‌ای که بعد از آن به محمد خاتمی نوشته شد، هرگز پاسخی دریافت نکرد، اما نشان از آن داشت که اکثریت سیاست حمایت از اصلاحات و اصلاح طلبان را در پیش گرفته است. در مورد چگونگی این حساب، سیاست‌های مختلفی در این سازمان پیشنهاد می‌شد. جناح‌های سابق به هم نزدیک شده بودند، اما اختلافات کماکان باقی بود. در حالی که طیف راست این سازمان «راست» و «چپ» از جمله تعاریف مورد استفاده در سازمان اکثریت برای گرایش‌های فکری سیاسی متفاوت این سازمان است، خواهان حمایت همه‌جانبه از اصلاح طلبان بود، جناح چپ که اکثریت داشت، معتقد بود در عین حال باید چهره مستند و اپوزیسیونی در برابر حکومت حفظ شود. با این حال خوش‌بینی نسبت به سرنوشت اصلاحات، در سازمان اکثریت کاملاً غالب بود.

کنگره ششم این سازمان، که چند روزی بعد از انتخاباتی مجلس ششم برگزار شد، اوج خوش‌بینی نسبت به موفقیت اصلاحات را بازتاب می‌داد. سیاست تحریم انتخابات دوم خرداد مورد انتقاد کنگره قرار گرفت و چیزی نمانده بود که این کنگره به پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی و تعهد یک‌جانبه به محدودکردن فعالیت‌های خود در چارچوب آن رای دهد. این پیشنهاد که عمده‌ترین پیشنهاد جناح رفرمیست سازمان بود و نبرد اصلی کنگره بر سر آن صورت گرفت، با اختلافی کمتر از یک درصد آرا در برابر پیشنهاد جناح مقابل که به جای تعهد فعالیت در چارچوب قانون اساسی خواهان اصلاحات قانون و انطباق آن بر موازین حقوق بشر و اصول دموکراسی بود، شکست خورد. اکثریت با آرای بالای نمایندگان کنگره توافق کرد مشی اصلی سازمان تمرکز بر مبارزه با ولایت فقیه به عنوان مانع اصلی استقرار دموکراسی در ایران باشد.

اشکارا شدن تدریجی بن‌بست اصلاحات، اختلافات قدیمی در سازمان اکثریت را از نو فعال کرد و جناح رادیکال را به در پیش گرفتن مشی تندتری علیه حکومت تشویق نمود. با این

جمهوریخواهان» و «سینار پارسی» استقبال شده و از سازمان‌های سیاسی جمهوریخواه خواسته شده است که بر فعالیت‌های خود برای شکل‌دهی جبهه جمهوریخواهان بیفزایند.

عواد ضرور اساسنامه

برای نهادمند کردن زندگی درون سازمانی و فراهم آوردن امکان مشارکت بیشتر اعضای سازمان در حیات سیاسی - سازمانی در فاصله بین دو کنگره، طرحی در مورد نهاد داوری، گروه‌بندی‌های درون سازمانی (فراکسیون) و همه‌پرسی تهیه شده بود. کنگره ماده مربوط به نهاد داوری و همه‌پرسی را تصویب کرد و اعضای نهاد داوری را برگزید ولی ماده مربوط به فراکسیون را از دستور خارج کرد تا بررسی بیشتر در این زمینه صورت گیرد.

ارزیابی از کنگره فوق‌العاده

کنگره فوق‌العاده سازمان توانست آنچه را در دستور کار خود داشت، مورد بررسی قرار دهد و اسناد مربوطه را به تصویب رساند. بجزرات می‌توان گفت که کنگره فوق‌العاده، کنگره موفق بود. اکنون این انتظار وجود دارد که شورای مرکزی منتخب با پرنامه‌ریزی و سازماندهی مناسب، وظایف سنگینی که در مقابل سازمان قرار دارد به انجام رساند تا این امکان فراهم شود که سازمان فدائیان اکثریت در صحنه سیاسی کشور، در پیشبرد امر اتحادها و در شکل‌دادن آلترناتیو جمهوریخواه، بتواند نقش موثر ایفا کند.

امراتحادها

کنگره قرار می‌گیرد که در رابطه با امر اتحادها از جانب کمیسیون سیاسی ارائه شده بود، مورد بحث و بررسی قرار داد و قرار را با رای بالا تصویب نمود. در این قرار از شکل‌گیری «اتحاد

ادوارد سعید درگذشت

مرگ بزرگترین روشنفکر عرب



وی سیاست مبارزه مسلحانه را - به دلیل میراث یهودی‌کشی و شرایط خاص یهودیان - سیاسی غیرمجاز قلمداد می‌کرد و از همان هنگام از جمله طرفداران وجود دولت بود و بدین ترتیب حق وجود اسرائیل را به رسمیت شناخت. این سیاست بعدها در کنفرانس الجزیره در ۱۹۸۸ از جانب شورای ملی فلسطین به تصویب رسید و پذیرفته شد. در این باره سخنرانی عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل که به دلیل امتناع آمریکا در دادن ویزا به عرفات برای ورود به نیویورک در ژنو برگزار شد، بسیار حائز اهمیت است.

ادوارد سعید تلاش کرد که در ترجمه انگلیسی متن عربی سخنرانی عرفات جرح و تعدیلی به وجود آورد و از نفوذ خود برای تغییر لحن متن عربی بهره گیرد، هرچند این جرح و اصلاح برای راضی کردن دولت ریگان کافی نبود، اما باعث شد که این کلمات مهم مبنی بر به رسمیت شناختن اسرائیل در آن گنجانده شود، شکی نیست که حضور خستگی‌ناپذیر ادوارد سعید در رسانه‌های آمریکا در توضیح اینکه بیانیه شورای ملی فلسطین و سخنرانی عرفات مصالحه‌های تاریخی از جانب فلسطینی‌ها برای تشکیل دولتی یهودی است، راه را برای گفتگوهای سازمان آزادیبخش فلسطین و ایالات متحده که به کنفرانس مالدیو و روند صلح اسلو منتهی شد هموار کرد.

با این همه، با تقویت روند صلح، ادوارد سعید موضعی انتقادی نسبت به آن گرفت و در ۱۹۹۱ از شورای ملی فلسطین استعفا داد. به گفته او کفه پیمانیه اسلو به شکلی ناعادلانه به نفع اسرائیل سنگینی می‌کند و این سندی که متضمن خروج اسرائیل از غزه و بخشی از کرانه باختری رود اردن پیش از عقب‌نشینی از سایر اراضی فلسطینی و توافق بر سر وضعیت نهایی بیت‌المقدس می‌شد به معنی ابزاری برای تسلیم فلسطینی‌ها بود، و چیزی نبود جز یک پیمان ورسای فلسطینی. وی تا آخر عمر خاری در گلوئی مقامات فلسطینی بود. شناخته شده‌ترین و شاخص‌ترین فلسطینی در تبعید در معرض سانسور نمایندگان ملت خود قرار گرفت و به صورت یکی از پرچمداران تفکر لیبرال در جو مستبدانه کولتفکری و فساد که حول عرفات و رژیمش شکل یافته، درآمد.

ادوارد سعید در بیت‌المقدس و در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد. پدرش، وادی سعید یک مسیحی بود و قبل از جنگ جهانی اول به آمریکا مهاجرت کرده بود. وی داوطلبانه برای خدمت به فرانسه رفت و سپس در کسوت تجاری پروتستان و محترم - با تابعیت آمریکا - به خاورمیانه بازگشت تا با دختر وزیر باپتست ناصریه ازدواج کند. ادوارد سعید در کتاب خاطرات دوران کودکی و جوانی خود با عنوان (ناچایگاد) پدرش که خود را ویلیام می‌خواند تا بر هویت آمریکایی‌اش تأکید کند، را متکبر و کم حرف توصیف می‌کند.

ادوارد سعید مادر خود را که به وضوح عاشقانه دوست می‌داشت زنی باهوش و فریبکار توصیف می‌کرد که به لحاظ روانی خوشنودکش بسیار مشکل می‌نمود، و همیشه در بر خورد با وی این حس به انسان دست می‌داد که در موردت قضاوت کرده و تو را مقصر کرده است. با این همه وی کسی بود که عشق به موسیقی و ادبیات را در وجود او برانگیخت.

در ویکتوریا کالج به گفته خود فردی باهوش اما شورشی بود و پیشتر از دسر درست‌کن‌ها به شمار می‌آمد. سردهسته برافاده این دبیرستان

ادوارد سعید یکی از پیشگامان نقد ادبی در ۶۷ سالگی از دنیا رفت. ادوارد سعید استاد ادبیات انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا نیویورک بود و به عنوان نماینده شاخص پسااستراکراسی چپ در آمریکا مورد توجه و احترامی گسترده قرار داشت. علاوه بر این وی آشکارترین، فصیح‌ترین و زبان‌آورترین طرفدار آرمان فلسطین در ایالات متحده بود که دشمنی بسیاری نیز برای وی به همراه داشت.

رویکرد گسترده ادوارد سعید به ادبیات و دیگر عشق بزرگ او یعنی موسیقی کلاسیک باعث می‌شود که وی به راحتی در هیچ طبقه‌بندی جای نگیرد. اثرگذارترین کتاب وی یعنی شرق شناسی (۱۹۷۸) به واسطه یاری رساندن به تغییر و دگرگونی در سوگیری چندین رشته علمی از طریق نشان دادن پیوند نامیوس سنت روشنگری و استعمارگری، اعتباری در خود به دست آورد. نقد وی به عنوان انسان‌گرایی یا نگرشی عرفی از سنت بزرگ روشنگری غربی در نظر بسیاری نوعی نقض‌کننده خود بود. استفاده از گفتمان انسان‌گراییانه برای حمله به سنت والای انسان‌گرایی، و در عین حال به زیر سؤال بردن اصالت و درستی پژوهش‌های نقادانه حوزه‌های حساس فرهنگی مانند اسلام، باعث شد که بنیادگرایان که هرگونه نقدی از سنت یا متون خود را ممنوع تلقی می‌کردند با نادیده گرفتن کارهای ادوارد سعید احساس راحتی و آرامش کنند.

ادوارد سعید در آمریکا یک فوق ستاره روشنفکری بود و خود را به عنوان منتقد ایرا، نوازنده پیانو، چهره سرشناس تلویزیونی، سیاستمدار، متخصص رسانه‌ها، مقاله‌نویسی محبوب، و سخنرانی متبحر در انتظار عمومی مطرح ساخت. وی در سال‌های اخیر منتقد صریح روند صلح اسلو و رهبری یاسر عرفات بود. مجله آمریکایی و دست راستی کامنتری در ۱۹۹۹ به وی لقب پرفسور ترور را داد و در زمانی که وی در حال جدال با سرطان خون بود همین مجله وی را متهم کرد که خود را پناهنده فلسطینی جا زده تا بتواند بیشتر از آرمان از آمدن به ایالات متحده برای تکمیل تحصیلاتش در بیت‌المقدس به دبیرستان می‌رفته است.

دشمنی و خصومتی که ادوارد سعید از جانب محافل طرفدار اسرائیل در نیویورک با آن مواجه می‌شد، با توجه به حملات صریح و مستدل وی به اسرائیل برای نقض حقوق بشر فلسطینی‌ها و محکومیت بی پرده سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، امری کاملاً قابل پیش‌بینی بود. با این وجود وی از طرف دیگر مناقشه یعنی فلسطینی‌ها که بی‌ارمانه به قریبانی کردن حقوق فلسطینی‌ها از طریق مصالحه و پذیرش ناهبجا و توجیه‌ناپذیر صهیونیسم می‌کردند نیز مورد مخالفت قرار می‌گرفت. در ۱۹۷۷ وقتی مسعودی از فلسطینی‌ها پذیرفتند که یهودیان نسبت به فلسطینی حق تاریخی دارند، وی اظهار داشت من متکبر حق آنها نیستم، اما ادعای آنها همیشه با خلع ید و تصرف مناطق فلسطینی همراه بوده است.

ادوارد سعید بیش از هر نویسنده دیگر فلسطینی، از طریق تبیین روابط بغرنج اسرائیل و ویژگی مسئله آفرین و پیچیده خاستگاه آن در آزار و اذیت یهودیان اروپایی، و تأثیر به سزای ایده صهیونیسم بر وجدان اروپایی، نقد ضد - استعمارگراییانه خود از اسرائیل را متن و مستدل کرد. او متوجه شد که مستبدان بودن اسرائیل از معیارهای معمول ارزیابی و سنجش ملت‌ها به تمامی و امدار یهودی‌کشی در دوران نازیسم است.

او در کتاب سیاست خلع ید می‌نویسد: سؤالی که باید پرسیده شود این است که تا کی باید از تاریخ یهودی‌ستیزی و یهودی‌کشی بهره برد و اسرائیل را از برهان‌ها و دلایلی که بر علیه رفتارها با فلسطینی‌ها وجود دارد و نیز از تشبیه و مجازات مستثنی کرد؟ مگر از همین برهان‌ها و حجت‌ها و مجازات‌ها در قبال دیگر دولت‌های سرکوبگر مانند آفریقای جنوبی استفاده نشد؟ تا کی می‌خواهیم متکبر آن شویم که فریادها و اعتراض‌های مردم غزه مستقیماً به سیاست‌های دولت اسرائیل مربوط می‌شود و ربطی به فریادهای قربانیان نازی‌ها ندارد؟

ادوارد سعید در ۱۹۷۷ به عضویت شورای ملی فلسطین برگزیده شد و به عنوان روشنفکری مستقل از دیگر شدن در دعوای جنجالی اجتناب کرد و در عین حال از اقتدار خود برای مداخله استراتژیک در بحث‌ها بهره گرفت.

مرگ آخرین بازمانده مک کارتیسم

محسن آرم

برگرفته از روزنامه «شرق»

بعد از این فیلم بود که کمیته بررسی فعالیت‌های ضد آمریکایی مجلس سنا، یعنی همان کمیته مک کارتیسم کازان را تهدید کرد و او را به طرفداری کمونیسم متهم کرد. کازان در آوریل ۱۹۵۲ با این کمیته همکاری کرد و سرزنش‌های دوستان و آشنایانش را به جان و دل خرید. او در هسان سال زنده‌باد زاپاتا! را ساخت و سعی کرد تا با تصویرکردن زندگی یک مبارز این سرزنش‌ها را اندکی کم کند. هر چند آنقدرها راه به جایی نبرد. دو سال بعد البته او فیلمی ساخت به نام در بارانداز که در سینما نامی فراموش نشدنی است. کازان که شوقید با این فیلم پاسخ به آنها می‌داد که دو سال قبل بابت همکاری‌اش با کمیته مک کارتی سرزنش‌اش کرده بودند بدهد. اما فیلم عملاً نگاه خاص و ویژه‌ای به اتحادیه‌های کارگری داشت و همین باعث شد منتقدان رادیکال آن را به شدت زیر سؤال ببرند و آن را به نوعی ادامه خیانت کازان به دوستان کمونیست‌اش بدانند.

در بارانداز ۹۰۰ هزار دلار ساخته شد و به رغم همه این بدگویی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها پیش از ۹ میلیون دلار فروش کرد. فیلم بعدی او شرق بهشت علاوه بر آنکه باعث شد ضد قهرمان‌ها در سینما نقش ویژه‌ای پیدا کنند، در عین حال با این فیلم یک بازیگر خوب هم راه خودش را پیدا کرد. جیمز دین جوان باغی این فیلم، بعد از شرق بهشت بود که به یک شایلی سینمایی بدل شد. شایلی رمانتیک و در عین حال باغی. کار بعدی کازان باز هم مورد انتقاد قرار گرفت: شخصیت دوگانه بیسی دال که زنی بی ملاحظه بود و اجازه می‌داد دیگران از ساده‌دلی‌اش سوءاستفاده کنند، صدای اخلاق‌گرایان کاتولیک را در آورد. با این همه حالا بعد از این همه سال فیلم به دست فراموشی سپرده شده است.

کازان همان سال چهاردهی میان جمعیت را هم ساخت که تصویری هولناک از جامعه آمریکا را نشان می‌داد. چهار سال بعد او با رود وحشی در عین آنکه رویایی بیست و پنج ساله‌اش را جامه عمل پوشاند، توانست جدال توسعه و سنت در آمریکا را به تصویر بکشد. منتقدان سینمایی شگوه علنار را نوعی واکنش دوباره کازان به نوعی شخصیت‌های نمایشی دانستند که همیشه دوست دارند به مقصد نهایی برسند. این واکنش در حقیقت شاید به یادگاه‌های مک کارتی برمی‌گشت و آن اتهام‌هایی که دوستان سابق‌اش به او نسبت داده بودند.

فیلم آمریکا آمریکا که دو سال بعد ساخته شد بیشتر به فضای غربت می‌پرداخت. داستان واقعی فیلم همان چیزی بود که به سر خانواده کازان آمده بود. در عین حال اما عشق و دوست داشتن در آن فضای غربت عملاً آدم‌ها را به هم نزدیک می‌کرد. شش سال بعد کازان قیرار و مدار را ساخت که فیلمی بسیار بد از آب در آمد.

آخرین مقدر (آخرین قارون) آخرین فیلم الیا کازان بود که در سال ۱۹۷۶ ساخته شد. فیلمنامه را هرلود پینتر بر اساس رمان ناتمام اسکات فیتس جerald نوشت. اما نه نتیجه کار او درخشان در آمد و نه نتیجه کار کازان. فیلم، به رغم بازیگران مشهور و مهم‌اش اثری خنثی و حتی بد به حساب می‌آید. ماجرا چه بود؟ چرا کازان یک دفعه چنان سقوط کرد و نتوانست از جا بلند شود؟ راز این ماجرا را هیچ کس نفهید و حتی خود کازان هم در طول این سال‌ها در بارداش چیزی نگفت. روزی که مهمان‌های اسکار پیش پای او بلند شدند و مارتن اسکورسیزی نازنین او را در آغوش گرفت، همه این گذشته بد از یاد کازان پاک شد.

الیا کازان کارگردان نام آشنای دهه پنجاه و شصت سینمای آمریکا، در ۹۴ سالگی درگذشت. کازان از آن دست کارگردان‌هایی بود که شهرت‌اش تنها به فیلم‌هایش بر نمی‌گشت و اتفاقاً حاشیه‌هایی که دور و بر او و سینمایش را گرفت، بیشتر به شهرت‌اش کمک کرد. دیگر چه کسی هست که نداند او در قضیه مک کارتی و آن فهرست سیاه کذایی نقشی پررنگ داشته است؟ کازان درست در زمانی که همکارانش سکوت را ترجیح دادند، این کار را نکرد. انگار از همه آن صفت‌ها و لقب‌هایی که در سال‌های بعد تبارش کردند هیچ ابایی نداشت. کسی چه می‌داند؟ شاید او آن روزی را می‌دید که اسکار افتخاری‌اش را به رغم مخالفت بعضی سینماگران آمریکایی دریافت می‌کند و جمعیت حاضر در تالار به افتخار فیلم‌هایش می‌ایستند و کف می‌زنند...

کازان با نام اصلی (الیا غازان اوغلو) متولد استانبول ترکیه بود. سال ۱۹۰۹ به دنیا آمد و چهار سال بعد با خانواده یونانی‌تبارش روانه آمریکا شدند. در بیست و یک سالگی عضو گروه تی تی شد و کمی بعد هوس تجربه سینمای مستند به سرش زد. در سال‌های بعد اما عده شهرت‌اش به تئاترهای بر می‌گشت که روی صحنه برد.

تراموایی (اتوبوسی) به نام هوس و گریه روی شیروانی داغ عملاً او را به عنوان یک کارگردان مبتکر شناساندند. چند سالی بعد که جنگ جهانی دوم تمام شده بود، کمپانی معظم فوکس قرن بیستم از او خواست تا برایشان فیلمی بسازد و نتیجه این درخواست فیلمی شد به نام درختی در بروکلین می‌روید. فیلم، داستان یک خانواده فقیر ایرندی را در بروکلین نیویورک روایت می‌کرد و به نوعی واقعیت روزگار مهاجران ساکن آمریکا بود. جالب‌ترین نکته فیلم این بود که هیچ کجای آن نمی‌شد اثری از درخت را دید! کار بعدی او دریای علف به شدت شکست خورد و حتی ستاره‌هایش یعنی کاترین هپبرن و اسپنسر تریسی هم نتوانستند اعتباری به آن ببخشند.

فیلم بعدی او قرارداد شرافت‌اندانه هر چند در طول این سال‌ها ارزش‌اش دارد کم رنگ می‌شود اما در آن دوران توانست اعتبار ویژه‌ای را به کازان ببخشد. فیلم جسورانه او و اسلحه می‌خواست که اجتماعی بودن را به رخ بکشد و شاید به همین دلیل بود که فیلم، در مکان‌های واقعی نیویورک ساخته شد.

کازان در مکافات عمل به کثیسی پرداخت که با ضرب گلوله‌ای از پا در می‌آید در عین حال کازان به چیزی قریب‌تر از داستان شاید می‌اندیشید: واقعیت آمریکا، نگاه موشکافانه و دقیق او آدم‌ها و حادثه‌ها را جوری چیده بود که قضاوت اصلا و عملاً مشکل جوری چیده بود که این، دفاع از قهرمان برای کازان، اصلی ضروری و مهم بود. اصلی که حاضر بود به خاطرش بچنگد. دید انتقادی او در پینکی هم نمود یافت و نژادپرستی سفیدپوستان زیر سوال رفت. هر چند مخالفان فیلم عقیده داشتند کازان عکس قضیه را نشان داده است. شاید این نکته هم بی‌ربط نباشد که روزهای اول قرار بود جان فورد کبیر فیلم را کارگردانی کند، اما دو هفته بعد کازان جای او را گرفت.

گرایش به مک کارتیسم عملاً در فیلم بعدی او دیده شد. وحشت در خیابان‌ها به عنوان اثری شاخص از آثار دوران اولیه کازان، آمیزه‌ای بود از نورنالیسم، اکسپرسیونیسم و فیلم - نوار. و خوب، پیداست که تلفیق سبک‌هایی از این دست قرار است متفاوت بودن کار او را نشان دهد. فیلم در آن دوران به شدت سیاسی ارزیابی شد و جسمی از منتقدان آن را یک ایده کاملاً آمریکایی دانستند: همه آلودگی‌هایی که توسط موش‌ها منتقل می‌شدند، از بیرون آمریکا وارد شده بودند. با تراموایی به نام هوس کازان تقریباً به نقطه اوج خود نزدیک شد. فضای تیره و تیار فیلم آشکارا دهه ۱۹۴۰ را به یاد تماشاگران می‌آورد. در فیلم صحنه‌ای هست که مأموران آسایشگاه روانی برای بردن بلائش می‌آیند و هیچ جوری نمی‌شود بی‌اعتنا از کنار این صحنه گذشت.

ارکستر در بریتانیا با استقبال زیادی مواجه شد. و این شاید میراث شایسته روشنفکری باشد که در آثارش با قبول تضادها و تحسین بغرنجی‌ها و پیچیدگی‌ها جهان بحران زده ما را روشن می‌سازد. در ۱۹۷۰ ادوارد سعید با ماریام کورتاز ازدواج کرد و از او یک دختر و یک پسر به جا مانده است.

خصوصی که به سبکی انگلیسی اداره می‌شد میکاتیل شلوپ بود که بعدها با نام عمر شریف معروف شد. به حسب اصرار و پافشاری پدر به مدرسه خصوصی مانت هرمن در ماساچوست فرستاده شد. و در اینجا بود که به لحاظ علمی استعدادها و شوکت‌ها او شکوفا شد، اما به دلیل نداشتن نگرش و برخورد صحیح دانش‌آموز شاخصی شناخته نمی‌شد. به گفته ادوارد سعید شیوه تحصیلی خاص او و نیز کارهای معلم‌های فکری‌اش نظیر بلک مور، گرامشی، آدرنو، ویلیامز و فوکو تأثیر به سزایی در دیدگاه ضد اقتدارگراییانه او بر جای گذاشت.

ضایع شکست اعراب در ۱۹۶۷ که باعث به راه افتادن دومین موج سیل مهاجران شد که بسیاری از آنان پناهنده‌های موج مهاجرت ۱۹۴۸ بودند، او را شوکه کرد و او را از آنچه خود بی‌خیالی می‌خواند خارج ساخت و او را به خود پیشین‌اش بازگرداند. نوشته‌های ادوارد سعید در مورد ادبیات انگلیسی مانند کتاب فرهنگ و امپریالیسم و در مورد موسیقی کلاسیک بیشتر متأثر از حس او از خود، به عنوان یک بیگانه است. مانند ژوزف کنراد که موضوع رساله دکتری و کتاب‌های اولیه ادوارد سعید بود، وی در خود حسی زمزم و دیرپای از به حاشیه رانده شدن یک تبعیدی را می‌دید که وی را قادر می‌ساخت تا با دیدی دوگانه رمان‌های انگلیسی را بخواند، که آرامش آنان ناشی از استعمارگری در بیرون یا دید استعماری غالب در آن است. یا بتواند در اشکال خودآگاهانه دوری در قصه‌های کنراد حس چالشی با فرادستی غرب پیدا کند. حسی که بعدها در عصر پسااستعماری فوران کرده و بر ملا می‌شود.

در جایی که نویسندگان آفریقایی مانند چینوا آچبه، کنراد را با عنوان نژادپرست محکوم می‌کنند و اظهار می‌دارند که جدای از استعداد او به عنوان یک نویسنده، نگرش‌های سیاسی کنراد او را از چشم هر آفریقایی فردی نفرت‌انگیز جلوه‌گر می‌سازد. ادوارد سعید معتقد است که چنین استدلال‌هایی نوعی مغالطت روحی، فکری و زیبایی شناختی است. برخلاف برداشت‌هایی که گاهی به ادوارد سعید نسبت داده می‌شود، وی معتقد نبود که خط مشی پنهان سیاسی یا نگرش‌های ناپیدای حاکی از تفوق فرهنگی که در آثار شاخص غربی را از دانه تا فلور مشهور داند الزاماً استحکام هنری یا نیروی فخری آنان را از بین می‌برد. دستاوردها در می‌تواند بالا بردن درک هنری به واسطه جلب توجه به ابعاد سیاسی اظهارنشده در دانش و شناخت باشد. که هنر می‌باید پیوسته برای جلوگیری از سوء استفاده‌های تعصب‌آمیز از منظور داشتن آنان اجتناب ورزد.

در مقالدهای فوق‌العاده در سباب استادان آوازخوان، دسته‌هایی از ترانه‌سرایان و موسیقیدانان آلمانی بین قرون ۱۲ تا ۱۷ میلادی، که به بررسی یهودی‌ستیزی و انگیز می‌پردازد. وی با تأیید نظر پی‌بی بولز از وی نقل می‌کند که ماهیت موسیقی و انگیز از حیل پیام‌های ایدئولوژیکی که قرار بود در انتقال آن بکوشد، سر باز می‌زند. همین حرف را در مورد کارهای ادوارد سعید به عنوان یک منتقد نیز می‌توان بیان داشت دیدگاه‌های ضد استعماری که به کارهای او شور و حال می‌بخشد فاقد یک همخوانی ایدئولوژیکی است. بلکه چالشی است با برداشت‌های مرسوم در باره هنر، موسیقی و ادبیات که راهی جدید را برای بررسی و به پرسش کشاندن معیارهایی سامان دهند و نگهدارنده دانش و شناخت هموار می‌سازد.

ادوارد سعید، مانند قهرمان فکری‌اش تودور آدرنو، روشنفکری نمونه بود که از تمامی نظام‌ها بی‌زاری می‌جست، چه این نظام‌ها در طرف ما باشند چه در طرف آنان، از تمامی آنها به یک اندازه بی‌زاری می‌جست. او نکتته‌سنج و همه فن حریف بود کار او روشن ساختن تمایزات بود و نه صورت‌بندی نظام‌های فکری. او یک مسیحی انسان‌گرا بود و برای اسلام احترامی خاص قائل بود و عضوی از نخبگان دانشگاهی بود با این همه حرفه‌ای‌گری دانشگاهی را به یاد انتقاد می‌گرفت. به واری مرزهای تخصصی‌اش گام می‌نهاد و همیشه بر این نکته تأکید می‌کرد که نقش یک روشنفکر واقعی نقش یک امانتور است. چراکه تنها یک امانتور است که تحت تأثیر پادشاه و مقتضیات یک حرفه قرار نمی‌گیرد، و از این رو قادر است بدون توجه به منافعتش به ایده‌ها و ارزش‌ها بپردازد. بارن بوم، با کمک ادوارد سعید به دانشجویان فلسطینی در کرانه‌اشغالی رود اردن درس می‌داد، کسانی که دست راستی‌های اسرائیلی را به شدت عصبانی کرد. اجراهای این

ارکان مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته بگبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

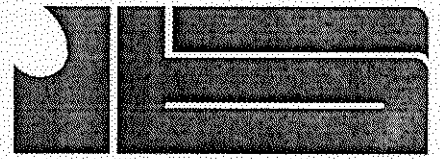
سردبیر

فردین احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی



چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۲ - ۱۵ کبر ۲۰۰۳ دوره سوم - شماره ۳۱۱
KAR - No. 311 Wednesday 15. Okt. 2003
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: <http://www.fadai.org>
آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام‌گیر: 0049 - 221 - 9322136

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو
بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو، یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس: Postfach 260268
50515 Köln
Germany

I.G.e.v آدرس: 22 44 20 32
37 05 01 98
Stadtsparkasse Köln
نام بانک:

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:

نشانی: Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا نیتر)

به آدرس بستاند!

پیام‌های احزاب و سازمان‌های خارجی به‌کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام حزب کمونیست عراق

به‌کنگره سازمان

فدائیان خلق ایران

(اکثریت)

رفقای گرامی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از اینکه ما را به‌کنگره خود دعوت کرده‌اید صمیمانه سپاسگزاریم و برای شما در پیشبرد اهدافتان آرزوی موفقیت داریم.

اعضای محترم کنگره تحولات غیرعادی از آغاز سال جاری در عراق، اوضاع را به‌سخت کاملاً جدید، شدت غیرعادی و خطرناک سوق داده است. عمده‌ترین خطر که بسیار جدی و واقعی است، کنار نگه‌داشته شدن خلق عراق از بسازسازی یک آلترناتیو دمکراتیک است.

خوشحالی خلاصی از دیکتاتوری صدام با ترس و بی اعتمادی نسبت به برگشت رژیم گذشته از طرفی و نیروهای آمریکایی از طرف دیگر آمیخته است. ترس و بی‌اعتمادی هنوز تسلط دارند بویژه برای اینکه آلترناتیو دمکراتیک در چشم‌انداز نیست و علاوه بر آن خلاص سیاسی و نبود امنیت زمینه‌های اصلی ترس را فراهم می‌سازند.

بهترین شیوه برای گذار از بحران، ایجاد یک حکومت گذار عراقی است که همه بخش‌های جامعه را نمایندگی کند و واقعا قدرت داشته باشد. چنین حکومتی باید از طریق برگزاری یک کنفرانس ملی متشکل از همه گروه‌های قومی و مذهبی خلق عراق ایجاد شود و گذر از تمام مشکلات، تدوین یک قانون اساسی، ایجاد سیستم انتخاباتی و مذاکره با آمریکا برای خاتمه اشغال عراق را پیش ببرد. مانع اصلی چنین کنفرانسی، که مورد تأیید جهان عرب، مجامع بین‌المللی و حتی بخشی از دولت بوش است، تغییر برخورد انگلو-آمریکایی در رابطه با آن است. آنها به قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت استناد می‌کنند که به اشغال عراق قانونیت بخشیده است. مشکل دوم برخورد نیروهای سیاسی عراقی است که بعضی‌ها خود را تنها نماینده خلق عراق می‌دانند و برخی دیگر شرایطی مطرح می‌کنند که برآوردن آنها منافع دیگران را تضییع می‌کند. اما اولاً قطعنامه ۱۴۸۳ پایانی بر امید مردم عراق برای برگزاری کنفرانس عراق و ایجاد حکومتی انتخابی نیست و ثانیاً بسیاری از نیروهای سیاسی عراق و دبیر کل سازمان ملل متحد و نیروهای اشغالگر در این زمینه سرگرم فعالیت و گفتگوهای جدی هستند.

در راستای تلاش برای حل معضلات کشور، حزب ما دعوت انگلیس و آمریکا را پذیرفته و در مذاکراتی که در مورد مطالب کنفرانس لندن، که با شرکت همه احزاب عمده غیر از ما تشکیل شد، پیش رفت شرکت جست. علت کنار گذاشته شدن ما (در کنفرانس لندن) ایدئولوژیک بود که در اثر واقعیات سیاسی، وزن سیاسی حزب کمونیست در عراق و نیاز به ایجاد توازن سیاسی کنار گذاشته شد و به شرکت دبیرکل حزب در شورای حکومتی موقت انجامید. این شورا که بسیار کمتر از انتظار مردم قدرت دارد در آینده قدرت بیشتری خواهد یافت. اما باید کاملاً تأکید کنیم که این شورا به هیچ‌وجه جایگزین حکومت گذر نیست و ما همچنان بر ایجاد دبیرکل حزب در شورای حکومتی موقت انتظار داریم. این شورا که بسیار کمتر از انتظار مردم قدرت دارد در آینده قدرت بیشتری خواهد یافت. اما باید کاملاً تأکید کنیم که این شورا به هیچ‌وجه جایگزین حکومت گذر نیست و ما همچنان بر ایجاد

انحاز عمده غیر از ما تشکیل شد، پیش رفت شرکت جست. علت کنار گذاشته شدن ما (در کنفرانس لندن) ایدئولوژیک بود که در اثر واقعیات سیاسی، وزن سیاسی حزب کمونیست در عراق و نیاز به ایجاد توازن سیاسی کنار گذاشته شد و به شرکت دبیرکل حزب در شورای حکومتی موقت انجامید. این شورا که بسیار کمتر از انتظار مردم قدرت دارد در آینده قدرت بیشتری خواهد یافت. اما باید کاملاً تأکید کنیم که این شورا به هیچ‌وجه جایگزین حکومت گذر نیست و ما همچنان بر ایجاد

ان پامی فشاریم. رفقای گرامی در رابطه با اوضاع عراق تأکید بر چند نقطه را لازم می‌دانیم: - ما از برافتادن دیکتاتوری صدام استقبال کردیم ولی اشغال کشورمان را هرگز تأیید نکردیم. - ما معتقدیم منشور سازمان ملل مقاومت علیه اشغال را تضمین می‌کند. این امر خلق عراق را مجاز می‌دارد که علیه اشغالی که توسط قطعنامه ۱۴۸۳ رسمیت یافته به اشغال متفاوت مبارزه برای خاتمه سریع اشغال دست بزند. اما برخلاف تبلیغات سونی که انجام می‌گیرد شیوه‌های مبارزه فقط به اشغال قهرآمیز محدود نمی‌شوند. بنا به تجربه، خلق فقط زمانی به مبارزه مسلحانه رو می‌آورد که تمام امکانات صلح آمیز بی‌ثمر شده باشند. هنوز امکانات بسیار زیادی از مبارزات صلح‌آمیز پیش پای خلق عراق هست. علاوه بر آن، مبارزه مسلحانه، در شرایط حاضر به هدف پایان سریع اشغال کشورمان لطمه می‌زند. یک سوال بسیار مهم دیگر این است که آیا خرابکاری در تاسیسات ملی مانند نفت و گاز و برق به مردم لطمه می‌زند یا در راستای پایان اشغال تأثیر می‌گذارد؟

ما در رابطه با قطعنامه ۱۴۸۳ ما عدم تفاهم خود با این قطعنامه را در همان ۲۲ ماهه اعلام کردیم. البته تغییرات مثبتی در این قطعنامه در مقایسه با مقرراتی که پس از اشغال کویت وضع شد دیده می‌شود. اما ما این قطعنامه حرف آخر نمی‌دانیم و تلاش برای تغییر آن را با جدیت ادامه خواهیم داد. - ما از موضع اتحادیه عربی در حمایت آنها از پایان اشغال عراق و ایجاد حکومتی ملی مستحکم و به این حمایت شدت نیازمندیم. - ما برای بازسازی مملکت خودمان و استقرار صلح و قانون در کشورمان نیازمند ایفای نقش فعال توسط سازمان ملل متحد هستیم. - ما برای پیشبرد مبارزه‌مان بشدت نیازمند همبستگی بین‌المللی هستیم. به ویژه ما نیازمند حمایت احزاب کمونیست، سوسیالیست، سوسیال دمکرات و به طور کلی جنبش چپ هستیم. - در رابطه با سیستم فدرالیستی باید بگوییم که ما

مخالف سیستم فدرالیستی نیستیم اما این موضوع برای منطقه کردستان اهمیت ویژه‌ای دارد. باید روی چنان سیستم فدرالیستی کار کرد که ویژگی‌های ملی را مورد توجه قرار دهد. رفقای گرامی پلنوم ۲۴ - ۲۵ ژوئیه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق برای گذر از شرایط بحرانی کشورمان اقدامات مشخص زیر را پیشنهاد کرده است: • ایجاد امنیت و ثبات، و برقراری مجدد شرایط عادی در کشور

• از بین بردن بقایای رژیم سابق
• حل معضلات در رابطه با شرایط زندگی، مانند حقوق، برگشت بر سر کار و غیره
• آماده کردن مقدمات لازم برای انجام انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل متحد

• تدوین قانون اساسی برای گذاشتن به رای خلق
• مذاکره با ایالات متحده آمریکا و بریتانیا کبیر برای پایان بخشیدن به اشغال رفقای گرامی مشکلات دو کشور همسایه ایران و عراق وظایف سنگینی را در مقابل حزب ما و سازمان شما قرار می‌دهد. برای انجام موثر این وظایف همکاری رفیقانه و نزدیک ما دو حزب کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ما امیدواریم این همکاری‌ها بیش از پیش صورت گیرد و ما را در مبارزه مشترکمان یاری دهد. مجدداً برای کنگره فوق‌العاده شما که برای بررسی اوضاع فوق‌العاده کشورتان و منطقه و اتخاذ تصمیم لازم تشکیل داده‌اید آرزوی موفقیت و پیروزی می‌کنیم.

با درودهای رفیقانه
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۲۰۰۳/۹/۲۲

پیام حزب چپ سوئد به کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
رفقای عزیز! ما چندین سال است که تحولات کشور ما را از نزدیک دنبال کرده و دریافته‌ایم که تضادها در جامعه ایران عمیق‌تر و فاصله بین مردم و رژیم افزایش یافته است. یکاری، فقر و ناخن‌جاری‌های اجتماعی افزایش یافته و حقوق زنان پایمال گشته است. رژیم فقها، نفت، دیگر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی را به انحصار خود درآورده و به حساب مردم به ثروت‌های کلان دست یافته‌اند. رژیم فقها مخالفان زیادی نه تنها در داخل ایران بلکه در سراسر جهان دارد. دولت‌ها، احزاب و

شخصیت‌های بسیاری این رژیم را به خاطر جنایت‌ها، پایمال نمودن حقوق انسانی و دمکراسی محکوم می‌نمایند. سوسیالیست‌ها مانند حزب چپ سوئد از مبارزات شما علیه استثمار مردم ایران، از خواست مردم ایران برای کنترل دمکراتیک قدرت و منابع طبیعی حمایت می‌نمایند. امروز، به جز آخوندها، کسان دیگری هستند که به منابع طبیعی ایران چشم دارند. سرنوشته مردم کشور همسایه شما عراق، مثال کامل روشنی است.

رفقای عزیز! ما حمایت خود را از مردم ایران در مبارزاتشان بر علیه فقها و رژیم غیر دمکراتیک و ستمگر و همچنین مبارزاتشان بر علیه قدرت‌های امپریالیستی که قصد چپاول منابع طبیعی شما را دارند، اعلام می‌داریم.

حزب چپ سوئد از مبارزات شما برای کسب دمکراسی، آزادی و حقوق انسانی حمایت می‌نماید. برای کنگره شما آرزوی موفقیت می‌کنیم

پیام حزب کمونیست فرانسه به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پاریس ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳
رفقای عزیز، ما از شما به خاطر دعوت ما به کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بینهایت ممنون هستیم. بدین مناسبت خوشخیم درودهای گرم ما را به شما ارائه بداریم. کمونیست‌های فرانسه به داشتن روابط با نیروهای ترقیخواه و دمکرات ایرانی اهمیت فوق‌العاده‌ای قایل هستند. زیرا ما از مبارزه شجاعانه آنان برای دمکراسی، احترام به حقوق بشر و نیز یک آلترناتیو ترقیخواهانه آگاه هستیم. ما اهمیت این مبارزه را برای آینده ایران و نقش آن در خاورمیانه و نیز در همه روابط بین‌المللی به خوبی درک می‌کنیم. این در حالی است که یک‌جانبه‌گری و سیاست امپریالیستی (جهان‌گشایی) ایالات متحده، بنیادگرایی و تشنج و عدم ثبات در تمام منطقه را تغذیه می‌کند. همان طوری که شرایط خظیر عراق و تحولات تاثیرانگیز در خاور نزدیک نشان می‌دهد که بحران و درگیری بدون راه حل پایدار به خواسته‌های مشروع حاکمیت ملی، دمکراسی و امنیت به سود خلق‌ها نمی‌تواند حاصل گردد.

مبارزه با کمونیست‌ها بر این پایه است که فرانسه و اتحادیه اروپا تدابیری در این راستا اتخاذ نمایند تا به روند صلح و بیان آزادی و ترقی اجتماعی در همه خاورمیانه و نیز ایران کمک شود. ما آرزوی موفقیت برای همبستگی خودمان را با شما همسایه‌های عراق و ایران اعلام می‌داریم. ما امیدواریم که این مبارزه با رژیم‌های امپریالیستی که قصد چپاول منابع طبیعی شما را دارند، اعلام می‌داریم. حزب چپ سوئد از مبارزات شما برای کسب دمکراسی، آزادی و حقوق انسانی حمایت می‌نماید. برای کنگره شما آرزوی موفقیت می‌کنیم

اتخاذ نمایند تا به روند صلح و بیان آزادی و ترقی اجتماعی در همه خاورمیانه و نیز ایران کمک شود. ما آرزوی موفقیت برای کنگره شما را داریم و بار دیگر همبستگی خودمان را با شما اعلام می‌داریم.

پیام جبهه متحد چپ اسپانیا
۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳
فدائیان خلق ایران دوستان گرامی به مناسبت برگزاری کنگره سازمان فدائیان خلق ایران، ریاست فدرال جبهه متحد چپ اسپانیا و صمیمانه‌ترین درودهای خود را که خواسته‌های خود را به شما برای موفقیت کارتان ابراز می‌دارد.

به این باور هستیم که کنگره شما سهم برجسته‌ای در جهت تشکیل هر چه وسیع‌تر جنبه‌های دمکراتیک برای مبارزه به خاطر صلح، دمکراسی، عدالت اجتماعی در میهنان و همچنین منطقه ایرانی خاورمیانه به خاطر ثبات و رشد بیشتر خواهد داشت. با آرزوی روابط هر چه بیشتر تنگاتنگ سیاسی و همبستگی میان ما و شما.

پیام حزب کمونیست ایتالیا به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
رفقای گرامی به مناسبت کنگره فوق‌العاده‌تان، حزب کمونیست‌های ایتالیا آرزومند است دوستی و همبستگی خود را نسبت به سازمان شما بازگو نماید. تحلیل ویژگی‌های وضعیت ایران و تصور ایران فردا، ما را بیش از پیش به ژرفانگری فرا می‌خواند. از این نظر پس از به گل‌نشتن اصلاحات در ایران، ما شاهد هستیم که هنوز در افق ایران دمکراسی ناپیداست و دقیقاً به همین دلیل آرزومندیم حمایت کامل، صادقانه و صمیمانه و خود را به حزب شما اعلام نموده و از طریق شما این حمایت صمیمانه را به همه نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه ایران که همراه با شما درگیر این مبارزه برحق هستند اعلام کنیم. مبارزه‌ای که هدف آن ساختن ایرانی است، جمهوری، لائیک دمکراتیک.

ایرانی که در آن دیگر هرگز یک خبرنگار و نویسنده هرگز یک وکیل، هرگز یک شهروند این سرزمین تحت فشار و پیگرد قرار نگیرد. تحقق این آرزو کاری است کارستان. ایران نیز

مثل کشور ما ایتالیا نیازمند اتحاد وسیع و دمکراتیکی است که قادر باشد با ضربات سنگین نیروهای محافظه‌کار علیه دمکراسی و حقوق و کرامت انسانی مقابله کند.

رفقای عزیز دیگر برای همه ما روشن است که تعیین راهبردهای سیاسی برای هر حزب ترقی‌خواه و دمکراتیک در حیطه کشور خود، بدون در نظر داشت شرایط بین‌المللی تشخیص نمی‌یابد. آنچه امروز به مثابه ویژگی شرایط بین‌المللی قابل تأکید است پیامدهای دگرگونی که امروز دامن افغانستان و عراق را گرفته و تا فلسطین و تداوم وضع غمبار آن ادامه دارد و تا آن جا پیش‌رفته که حتی طرح نابودی فیزیکی یاسر عرفات منتخب قانونی مردم فلسطین را در سر دارد.

ما همگی، نیازمند صلح هستیم. تا به ما امکان دهد اهداف اصلی و دمکراتیک خود را پیش ببریم. ما، نیازمند کسانی همچون شما فدائیان خلق ایران هستیم که جانانه پیگیران این مبارزه‌اند. مبارزه‌ای دشوار و مشترک در راهی زنان و مردان و تضمین حقوق بشر است. به امید ایرانی آزاد، دمکراتیک و لائیک

پیام حزب سبزهای فرانسه به کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پاریس ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳ دوستان عزیز نشست شما در برگزیده مفهوم خاصی است. این کنگره بعد از جنگ در عراق که بخشی از مسائل استراتژیکی آمریکا در جهان تشکیل می‌دهد، برگزار می‌شود. از این تاریخ آمریکا در منطقه همچون در جهان یک سیاست یک‌قطبی و یک‌سویده‌ای را پایه‌ریزی می‌کند و کل منطقه و از جمله ایران را بسی‌ثبات می‌نماید. سیاست آمریکا مبتنی بر استفاده از حاکمیت نظامی در خدمت هژمونی امپراطوری خود و با کمک تنی چند از عواملش است که می‌خواهد برنامه سیاسی زمانبندی شده خود را در جهان پیش ببرد. این گروه سیاست‌های متفاوتی را بر شرایط و منافعش به کار می‌برد از جمله به تصاحب درآوردن ثروت‌های کشور فتح شده، استقرار پایگاه‌های نظامی در همه مناطق، اعلان جنگ علیه محورهای شرارت که هر روز پارامترهای آن عوض می‌شوند. این سیاست ناپارتیسم جهان را به یک جنگ بی‌پایان و بدون مرز، به مسابقات جهانی و به جهانی شدن اقتصاد تحت تسلط سیاسی و نظامی، اشاعه فرهنگ آمریکا گرایسی در جهان،

سوق می‌دهد. این سیاست توسط مشتکی نخبگان محلی در خدمت اهداف ایدئولوژی آمریکا است. جنگ در عراق دو دیدگاه و جهان‌بینی مستضاد در غروب را چه در زمینه‌های حقوق بین‌المللی، مدل توسعه اقتصادی، کنترل انرژی، روابط منطقه‌ای و استفاده از نیروی نظامی در روابط بین‌المللی در مقابل هم قرار داد. این اشتقاق به این زودی‌ها کاهش نخواهند یافت زیرا مبارزه سیاسی بسین دو بدیش یک‌جانبه‌نگری و جهانی‌سازی به شکل‌گیری یک آلترناتیو دمکراتیک در سطح جهان منجر شد. کشورهای چون برزیل و آفریقای جنوبی به محور صلح پیوستند. این محور صلح همان افکار عمومی جهان است که پس از گردهمایی سیاتل و رن شکل گرفته و علیه جنگ ایالات متحده آمریکا و شرکت‌های چند ملیتی به مبارزه برخاستند.

رسیدن به قدرت آقای خاتمی به طور غیرمنتظره امیدهای زیادی را در بین ایرانیان و در خارج از آن بویژه در اروپا بوجود آورد. به نظر می‌رسد این امیدها فروریخت. ما شاهد آن هستیم که نقض حقوق بشر، زندان و مقنودشدن مخالفین، شکنجه و سنگسار و دستگیری‌های غیرقانونی همچنان ادامه دارد. این وضعیت فوق‌العاده خطرناک است. زیرا در فاز ژئوپولیتیک کنونی به استراتژی جرج دبیلو بوش اجازه می‌دهد تا برای صدور اراده گرایانه دمکراسی به اسلحه متکی شود. دیکتاتوری خوندهای محافظه‌کار ایران در خدمت به کارگیری سیاست جنگ پیش‌گیر نوحافظه‌کاران آمریکا قرار می‌گیرد. جنگ علیه عراق فقط یک مرحله از این استراتژی است. در آینده، این سیاست به صورت‌های جنگ فشار ضعیف، جنگ فراگیر، فشارهای اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک معطوف به کشورهای ایران، سوریه و عربستان سعودی خواهد بود. بدین خاطر آمریکا تردیدی در به کارگیری بهانه‌های حمله به عراق را در باره هر یک از این کشورها به کار بگیرد. مثلا ایران را می‌تواند متهم به داشتن سلاح‌های شیمیایی و اتمی و توسعه پان‌شیینیم (شیعه‌گرایی) در عراق و خلیج، بشناید.

ایران یک کشور بزرگی است که دارای یک نقش استراتژی بین آسیا، روسیه، خاورمیانه و اروپا می‌باشد. توسعه دمکراسی در ایران می‌تواند اثراتی در همه کشورهای منطقه از کشورهای امیرنشین خلیج فارس گرفته تا افغانستان و قفقاز داشته باشد.

دوستان عزیز، امیدواریم در آینده‌های نزدیک در کنگره سازمان شما که در تهران برگزار شود شرکت بنماییم. **زنده‌باد همبستگی بین‌المللی، با احترام فائقه باتریک فرابیز، رئیس کمیسیون فراملتی سبزه‌های فرانسه**